



دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارنامه سفارت شمس الدین بیک در ایران
(باتکیه بر اسناد ایران و عثمانی)

نگارنده:

عبدالرحمن گولمز

استاد راهنما:

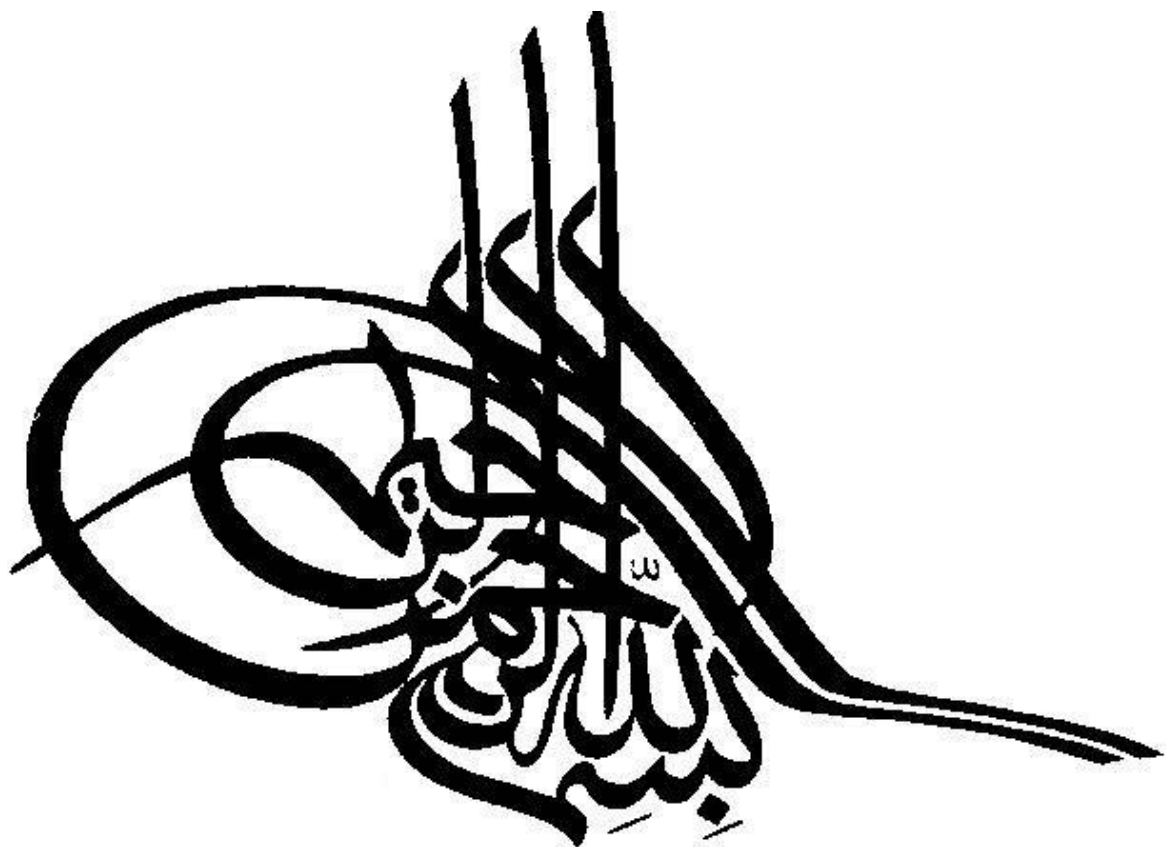
دکتر حسن حضرتی

استاد مشاور:

دکتر داریوش رحمانیان

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ
اسلام

شهریور ماه 1393



دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارنامه سفارت شمس الدین بیک در ایران
(باتکیه بر اسناد ایران و عثمانی)

نگارنده :
عبدالرحمن گولمز

استاد راهنما :
دکتر حسن حضرتی

استاد مشاور :
دکتر داریوش رحمانیان

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ
اسلام

شهریور ماه 1393

تقدیم به استاد بزرگم که در طول
تحصیل از کمک‌های مادی و معنوی نسبت
به من فروگذار نبودند



تشکر و قدردانی

سپاس بی دریغ خویش را تقدیم به همه کسانی می کنم که ذهن مرا از بند جهل و ناآگاهی رهانیدند تا امروز توانا به خواندن و نوشتن و فهمیدن باشم. رشد و بالندگی هر چیزی مرهون پرورش آگاهانه و دلسوزانه است. پس به نشان سپاس و احترام دست پدر و مادر و معلمانم را می بوسم و از درگاه خداوند آرزوی سربلندی آنها را دارم.

از استاد فرزانه و گرامی ام جناب آقای دکتر حسن حضرتی، نمونه عالی اخلاق و توان علمی که سمت استاد راهنمایی ام را پذیرا بودند کمال تقدیر، امتنان و سپاس را دارم. استاد گرانقدری که در طول انجام این پژوهش با صبر و شکیبایی و راهنمایی های دلسوزانه شان گره گشای مشکلات و راه گشای اندیشه ام بودند.

همچنین از استاد عزیزم جناب آقای دکتر داریوش رحمانیان استاد مشاور این پژوهش که در تمام مرا حل پیشنهاد و انجام و تدوین پایان نامه صمیمانه مرا از دانش خویش بهره مند نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از سفیر محترم ترکیه در تهران جناب آقای امید یارديم و کارمند سفارت جناب آقای بلال امره بیرال مراتب سپاس خود را اعلام می نمایم. در انتها از تمامی دوستان و عزیزانی که صمیمانه همکاری کردند سپاسگزارم و از خداوند متعال برای همه ی این عزیزان آرزوی سلامتی و طول عمر دارم.

عبدالرحمن گولمز

شهریور 93

چکیده

موضوع این پایان نامه کارنامه سیاسی شمس الدین بیگ ، سفیر عثمانی در ایران می باشد ، که علاوه بر آن اطلاعاتی نیز درباره سیاست های دولت ایران و عثمانی در قبال دولت های اروپایی و جهان ، در قرن بیستم داده شده است. اطلاعاتی درباره سیاست های این دو دولت در قبال دولت های اروپایی و جهان در حال تحول قرن بیستم داده شده است. در این بین جایگاه دولت ایران متمایز است، زیرا روابط با ایران چه از نظر فرهنگی و چه از نظر سیاسی، یکی از مهمترین اصول و بخش های تاریخ دیپلماسی عثمانی را تشکیل می داد.

در این پایان نامه زندگی دیپلماتیک شمس الدین بیگ که دو بار به عنوان سفیر عثمانی در ایران منصوب شده ، مورد بررسی قرار می گیرد (26 جولای 1894 - 9 می 1895) - (13 سپتامبر 1897 - 7 فوریه 1908) . بر اساس اسناد آرشیو، دلایل اعزام او به ایران، وقایع رخ داده در زمان حضور وی در ایران و مداخله او در این جریانات ، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پایان نامه از پنج بخش و نتیجه گیری تشکیل شده است. بخش اول مقدمه ای شامل طرح و بیان مساله، اهمیت و ضرورت مساله، پیشینه پژوهش، پرسش بنیادین، مدعای اصلی، پرسشهای فرعی و ، شیوه گردآوری داده ها و اطلاعات، روش های تحلیل داده ها، حدود و نقطه تمرکز (محدوده مکانی، زمانی و موضوعی پژوهش)، سازماندهی پژوهش و نقد و بررسی برخی از منابع و مآخذ محوری پژوهش می باشد.

در بخش دوم، مفهوم دیپلماسی و نحوه شکل گیری سازمان ها و ادارات مربوط به آن در دولت عثمانی و تغییرات آن در گذر زمان شرح داده شده است. با شروع از دوره متقدم دولت

عثمانی تا زمان فروپاشی، سیر تحول دیپلماسی در این امپراطوری بیان شده است. همچنین به مدارج و ترفیع های سیاسی و مناصب مختلف شمس الدین بیگ به عنوان یکی از رجال دولت عثمانی پرداخته شده است.

در بخش سوم، تحلیل تمامی اسناد صورت گرفته و نحوه سفر شمس الدین بیگ به ایران و نقش او در حوادث رخ داده در ایران توضیح داده شده است. در ابتدای تمام اسناد، با یک جمله کوتاه در مورد موضوع هر سند، اطلاعاتی داده شده است.

در بخش چهارم، فعالیت های شمس الدین بیگ در ایران بر اساس اسناد آرشیو عثمانی، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پنجم، بر اساس اسناد آرشیو ایران، اطلاعاتی در مورد روابط شمس الدین بیگ با رجال سیاسی ایران، داده شده است.

در بخش نتیجه گیری، به طور خلاصه به نقش و اهمیت شمس الدین بیگ در روابط ایران و عثمانی بر اساس اطلاعات اسناد آرشیو، پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: محمد شمس الدین بیگ، عثمانی، ایران، انقلاب مشروطه

فهرست مطالب

مقدمه	1
1- روش تحقیق و طرح نامه	4
1-1- بیان مسأله	4
1-2- موضوع و اهمیت آن	5
1-3- مفروضات پژوهش	6
1-4- پرسش اصلی	6
1-5- پرسش فرعی	6
1-6- روش پژوهش	7
1-7- پیشینه پژوهش	7
1-8- شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات	8
1-9- روش تحلیل داده‌ها	8
1-10- حدود و نقطه تمرکز (محدوده مکانی، زمانی و موضوعی پژوهش)	8
1-11- سازماندهی پژوهش	9
1-12- برخی از منابع و مآخذ محوری پژوهش	10
2- مناسبات ایران و عثمانی در قرن نوزده و بیست	11
2-1- موقعیت دولت عثمانی در قرن 19 و 20	12
2-2- اندیشه‌های تأثیرگذار بر تحولات عثمانی در قرن 19 و 20	15
2-2-1- اسلام‌گرایی (پان‌اسلامیسم)	15
2-2-2- جنبش عثمانی‌گرایی	16
2-2-3- غرب‌گرایی	17
2-2-4- تُرکیسم (تُرک‌گرایی)	19
2-2-5- عثمانی‌های جوان	21
2-3- شکل‌گیری سفارت و دوره گذار به سیاست‌پایدار	25

27	2-3-1- دلایل انتخاب سفرا و ایلچی‌ها در دولت عثمانی
30	2-3-2- سفیران خارجی در دولت عثمانی.....
33	2-3-3- سفیران دولت عثمانی در دول خارجی.....
41	3- زیست نامه و کارنامه سیاسی شمس‌الدین بیگ
42	3-1- کارنامه سیاسی شمس‌الدین بیگ.....
81	3-2- جغرافیای قفقاز و دولتمردان چرکس.....
83	3-2-1- دولتمردان عثمانی.....
85	3-3- زندگی و مناصب محمد شمس‌الدین بیگ.....
95	4- کارنامه شمس‌الدین بیگ در آینه اسناد عثمانی
158	5- کارنامه شمس‌الدین بیگ در آینه اسناد وزارت امور خارجه ایران
184	6- نتیجه گیری
189	مراجع
195	پیوست

فهرست علائم اختصاری

İ. HR = İrade Hariciye

İ. DH = İrade Dahiliye

YEE = Yıldız Esas Evrakı

İ. HUS = İrade Hususi

B. E. O = Babı Ali Evrak Odası

Y. A. HUS = Yıldız Hususi Maruzat

A. MKT. MHM = Sadaret Mühimme Kalemi Evrakı

Y.MTV = Yıldız Mütenevvi Maruzat

Y. PRK. EŞA = Yıldız Elçilik, Şehbenderlik ve Ateşemiliterlik

HR. HMŞ. İŞO = Hariciye Nezareti Hukuk Müşavirliği İstişare Odası Evrakı

İ. DUIT = İrade Dosya Usulü



مقدمه



این پایان نامه وقایع و روابط میان دولتهای ایران و عثمانی در بین سالهای 1897 تا 1908 میلادی را مورد بررسی قرار داده است. به طوری که میتواند برای هرگونه تحقیقات در زمینه روابط سیاسی و اجتماعی بین این دو دولت و

وقایع مربوط به این دوره، جهت یافتن مراجع مفید باشد و به عنوان منبع استفاده شود. در عین حال این پایان نامه با این هدف نوشته شده است که راهنمایی باشد برای تحقیقات آتی در زمینه دیپلماسی و سیاست‌های دولت‌های اروپایی در جغرافیای ایران.

از طرفی دیگر هدف از تنظیم و تألیف این پژوهش بررسی اسناد مربوط به وقایع و اتفاقات مشابه در ایران و عثمانی و تأثیرات و نتایج این وقایع است که در برهه‌ای تقریباً هم زمان در دو کشور رخ داده است و همچنین نقش "شمس‌الدین بیگ" در روابط ایران و عثمانی، چه پیش از دوره سفیر بودن وی، چه بعد از آن و فعالیت‌ها و چگونگی تأثیرگذاری وی بر این روابط مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت نفوذ و نقش سُفرا در روابط میان کشورها، از دیگر اهداف این پژوهش می‌باشد.

چگونگی شکل‌گیری رویداد مهمی به نام مشروطیت در ایران و فعالیت‌های شمس‌الدین بیگ در این دوره که آغاز زوال هر دو دولت بوده است و دلیل توقف کوتاه مدت مجادلات همیشگی مذهبی بین ایران و عثمانی در دوره سفارت شمس‌الدین بیگ، در اسناد ایران و عثمانی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است و در مورد نگاه هر دو دولت به وقایع سیاسی آن دوره نیز تحقیق شده است. بدین ترتیب تحلیل اسناد انجام شده و این پایان نامه با هدف رسیدن به همه موارد بالا نوشته شده است.

لازم به ذکر است این پژوهش محدود به سال‌های 1897 تا 1908 میلادی می‌باشد و زندگی سیاسی و دیپلماتیک ^۱ شمس‌الدین بیگ و فعالیت‌های وی را بر اساس اسناد تاریخی در دوره سفارت وی در ایران، بررسی می‌کند. به طور کلی موضوع مورد بحث ما مربوط به تاریخ سیاسی می‌باشد اما به دلیل این که علم تاریخ با علوم دیگر در ارتباط است، از علومی مانند

تاریخ عمومی، جغرافی و جامعه شناسی در این مورد بهره گرفته شده است.

این پایان نامه با استفاده از اسناد و منابع آرشیو دولت ایران (وزرات امور خارجه) و عثمانی شکل گرفته است. اطلاعات کسب شده در بخش نتیجه گیری به صورت خلاصه آورده شده است. در بخش تحلیل اسناد اطلاعاتی در مورد وقایع آن دوره داده شده است. این پایان نامه در عین حال یک تحقیق میدانی می باشد و حوزه تحقیق آن، بازتاب وقایع سیاسی روی داده در جغرافیای ایران و عثمانی در اسناد مربوط به دوره سفارت شمسالدین بیگ می باشد.

روش تحقیق و طرح نامه



1-1- بیان مسأله

از آن جایی که روابط بین ایران و عثمانی همواره با جنگ‌های سیاسی و مذهبی توأمان بود، با ورود و فعالیت‌های محمد شمس‌الدین بیگ روابط سیاسی بین ایران و عثمانی بهبود یافت. وی در دورانی که به عنوان سفیر در ایران مأموریت داشت، تمامی اتفاقاتی را که در کشور رخ می‌داد، به دولت و سفارت عثمانی گزارش می‌داد به طوری که امروزه ما همه‌ی آن مکتوبات را به شکل اسناد موجود در آرشیو عثمانی در کشور ترکیه و وزرات امور خارجه ایران در اختیار داریم.

مُجد شمس‌الدین تلاش‌های زیادی نمود تا بتواند نفوذ اروپا و روسیه را در ایران کاهش دهد و یا حتی از بین ببرد. وی علاوه بر بهبود روابط سیاسی بین ایران و عثمانی همواره سعی بر آن داشت تا روابط اجتماعی اقتصادی و بهداشتی را نیز رنگ و جلا بخشد، به طوری که به محض شیوع بیماری وبا در ایران به وزرات صحنه استانبول که همان وزرات بهداشت امروزی است درخواست کمک می‌فرستد. با این اوصاف با در اختیار داشتن اطلاعات موثق که در این اسناد موجود است به بررسی روابط بین ایران و عثمانی من جمله بیوگرافی مُجد شمس‌الدین خواهیم پرداخت و همچنین در این پژوهش به دنبال این ابهام علمی نیز هستیم که شمس‌الدین بیگ چه نقشی در تحولات ایران و عثمانی در زمان سفارت خود در ایران داشته است.

1-2- موضوع و اهمیت آن

از آنجایی که دولت عثمانی خود را قدرتمندترین دولت جهان می‌دانست تمایلی به دیپلماسی نداشت و نیازی به برقراری ارتباط با سایر دول نمی‌دید. همزمان با ایجاد روابط دیپلماتیک با کشورهای اروپایی در قرن هجدهم امپراتوری عثمانی رو به انحطاط گذاشت. دولت عثمانی هنگامی که دیگر قدرت سابق را نداشت به ایجاد ارتباط دیپلماتیک گرایش پیدا کرد. بعد از این که جنگ عثمانی با دولت‌های اروپایی و ایران به پایان رسید، دیپلماسی برای دولت عثمانی اهمیت ویژه‌ای یافت. سپس برای اطلاع از اتفاقات و تحولاتی که در دولت‌های دیگر پیش می‌آمد، تصمیم به انتخاب سفیر در مناطق مختلف کرد و آن‌ها را به اروپا و ایران فرستاد. در میان سفرای فرستاده شده مُجد شمس‌الدین اهمیت خاصی دارد، زیرا او توانست با فعالیت‌های خود ارتباط سیاسی بین ایران و دولت عثمانی را بهبود بخشد. در اواخر دوره

قاجار و اواخر دوره عثمانی روابط دیپلماتیک بین دو دولت قوی بود و چون در آن دوره شمسالدین بیگ به عنوان سفیر به تهران آمده بود، موضوع این پژوهش به او اختصاص داده شده است.

1-3- مفروضات پژوهش

1. شمسالدین بیگ در دوران سفارت خود در ایران نقش مهمی در تحولات سیاسی ایفا کرده است.
2. شمسالدین بیگ از سال 1897 تا سال 1908 تمامی تحولات جامعه ایران و اخبار کنسولگری‌های عثمانی در ایران را به سفارت عثمانی گزارش می‌داد.
3. همکاری شمسالدین بیگ در جریان مشروطیت ایران منجر به عزل وی گردید.

1-4- پرسش اصلی

کارنامه سیاسی شمسالدین بیگ به عنوان سفیر عثمانی در ایران چگونه است؟

1-5- پرسش فرعی

1. مناسبات دولتهای ایران و عثمانی در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 چگونه است؟
2. وظایف و مأموریت‌های محمد شمسالدین در دولت عثمانی چه بوده است؟
3. در قبال خدماتی که محمد شمسالدین نسبت به دولت عثمانی داشته است کدام رتبه و درجه‌ی خدمت را به وی اهدا نمودند؟

1-6- روش پژوهش

امروزه یکی از رویکردهای جدید برای تحلیل تحولات رخ داده در برهه‌های زمانی معین در دول مختلف، تحلیل بر اساس اسناد است که مطالعه و بررسی دقیق آن‌ها می‌تواند توجیه تاریخی خوبی داشته باشد. از این رو در این پژوهش سعی بر آن شده است علاوه بر پرداختن به زندگی و مأموریت‌های شمس‌الدین بیگ و روابط دیپلماتیک او، اسناد در چارچوب تحلیل تاریخی موشکافی شوند.

1-7- پیشینه پژوهش

از آنجایی که پژوهشگران و دانشجویان در دسترسی به آرشیوهای اسناد اصلی معمولاً با مشکلاتی مواجه هستند تا این روز هیچ پژوهش بنیادینی در این زمینه صورت نگرفته است، اما در ایران تنها یک مقاله با عنوان "گزارش محمد شمس‌الدین بیگ از تحولات مشروطه در ایران" از حسن حضرتی موجود است که این مقاله در مجله‌ی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است و همچنین سه کتاب در ترکیه به نام‌های زیر موجود است:

- Evkâf-i Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcim-i Ahvali
Kondoktor Mektebi İçin Mahmud Kemal İbnül-Emin - Hüseyin Hüsameddin Evkâf-ı
İslâmiye Matbaası İstanbul Türkiye s.213، hicri 1335.

(این کتاب درباره‌ی تاریخچه‌ی تشکیلات نظارت اوقاف همایونی و احوال مترجم ناظر می‌باشد که نویسنده آن محمود کمال ابن امین در سال 1325 هجری در اوقاف اسلامی استانبول آن را به چاپ رسانیده است.)

- İzzet Aydemir، Muhacerreteki Merkez Aydınları، s. 86، Nart Yayıncılık،
Ankara 1911.

(در این کتاب درباره‌ی کارهای دولتی عثمانی نسبت به قوم

چرکس و بزرگان چرکسی که در دولت عثمانی خدمت می‌کردند،
(بحث شده است.)

- Alaatin Gövsa، Meşhurlar Ansiklopedisi، S.1490، İstanbul.

(این کتاب درباره‌ی رجال مشهور تاریخ می‌باشد.)

1-8- شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات

یکی از نکات بسیار مهم در این پژوهش ارجاع تمامی تحلیل‌ها به اسناد موجود در ایران و مربوط به دوران حضور محمد شمس‌الدین بیگ است.

از جمله راه‌های دسترسی به تمامی اسناد مراجعه به کتابخانه بایزید در ترکیه و همچنین مراجعه به آرشیو نخست وزیری عثمانی و آرشیو اسناد وزارت امور خارجه در ایران بود. علاوه بر موارد بالا یکی دیگر از شیوه‌های گردآوری اطلاعات، مراجعه به روزنامه‌های "چرکس" و "غوازه" و تاریخچه‌ی تشکیلات وزرات اوقاف همایون می‌باشد.

- Muhaceretteki Çerkes aydınları
- Evkâf-ı Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcimi Ahvali
Kondoktor Mektebi İçin
- Guaze gazetesi 1911

1-9- روش تحلیل داده‌ها

بعد از گردآوری اسناد عثمانی و ایرانی و مطالعه و خوانش کتاب‌ها و روزنامه‌های مربوط به آن برهه‌ی تاریخی، سعی بر آن شده است که بعد از ساده نویسی اسناد و نوشتن علت نگارش نامه بر سرخط اسناد و شماره گذاری آن‌ها، تحولات تاریخی که در همان تاریخ نگارش اسناد رخ داده است مورد تحلیل و موشکافی قرار بگیرد.

1-10- حدود و نقطه تمرکز (محدوده مکانی)

، زمانی و موضوعی پژوهش

محدوده‌ی مکانی پژوهش، ایران و دولت عثمانی می‌باشد و محدوده‌ی زمانی سال‌های 1896 تا 1908 است. موضوع، زمانی را در بر می‌گیرد که محمد شمس‌الدین بیگ در ایران به عنوان سفیر حضور داشته است.

11-1- سازماندهی پژوهش

این پژوهش دارای مقدمه، متن و نتیجه می‌باشد. مقدمه شامل طرح و بیان مسأله، اهمیت و ضرورت مسأله، پیشینه‌ی پژوهش، پرسش بنیادین، فرضیه‌ی اصلی، پرسش‌های فرعی و فرضیه‌های فرعی، چارچوب نظری، شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و اطلاعات، روش‌های تحلیل داده‌ها، حدود و نقطه تمرکز (محدوده‌ی مکانی، زمانی و موضوعی پژوهش)، سازماندهی پژوهش و نقد و بررسی برخی از منابع و مآخذ محوری پژوهش می‌باشد.

متن پژوهش دارای پنج فصل است: شامل یک مقدمه و نه بخش می‌باشد که کارنامه‌ی سفیر محمد شمس‌الدین بیگ با تکیه بر اسناد ایران و عثمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل دوم به شکل‌گیری سفارت و تعریف دیپلماسی و زندگی نامه‌ی محمد شمس‌الدین و اندیشه‌های تأثیرگذار در تحولات عثمانی در قرن 19 و 20 می‌پردازد. فصل سوم همه‌ی اسناد موجود در آرشیو عثمانی و آرشیو امور خارجه ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

فصل چهارم شامل رونوشت از اصل تمامی اسناد موجود در آرشیو عثمانی می‌باشد.

فصل پنجم شامل رونوشت از اصل اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران می‌باشد.

1-12- برخی از منابع و مآخذ محوری پژوهش

مطالعه‌ی دقیق و مستند درباره موضوع پژوهش پیش رو نیازمند مطالعه منابع و اسناد گسترده‌ای می‌باشد. در زمینه‌ی تحلیل اسناد منابع زیادی در آرشیو امور خارجه ایران وجود ندارد اما در آرشیو عثمانی همه‌ی مکتوبات آن دوره و گزارش‌های محمد شمس‌الدین موجود است و این اسناد در آرشیو نخست وزیری عثمانی بالاخص کتابخانه‌ی بایزید ترکیه قابل دسترسی می‌باشد و همچنین در اداره‌ای که محمد شمس‌الدین در آن کار می‌کرد روزنامه‌ی غوازه چاپ می‌شد که محمد شمس‌الدین نیز در آن مطلب می‌نوشت. لازم به ذکر است وی برای این که زبان چرکسی را برجسته و مهم جلوه دهد به زبان چرکسی مطالب خود را چاپ می‌کرد.

به دلیل کمبود اسناد در رابطه با شمس‌الدین بیگ در آرشیوهای ترکیه و ایران و نیز کمبود کتاب‌های تألیف شده در این مورد، از اسناد آرشیوی وزارت خارجه ایران و عثمانی در انجام این پژوهش استفاده شده است. با توجه به این که بهترین و معتبرترین اسناد در این باره در وزارت خارجه دو دولت موجود می‌باشد، منابع و مراجع مورد نیاز از میان این اسناد انتخاب شده است.

اسناد مربوط به دولت عثمانی عموماً شامل گزارش‌های محمد شمس‌الدین بیگ از وقایع ایران و شرح ملاقات‌های وی با رجال ایرانی است که به دولت متبوع خود در استانبول ارسال کرده است. در حالی که اسناد موجود در آرشیو وزارت خارجه‌ی ایران، اقدامات و فعالیت‌های شمس‌الدین بیگ در ایران را نشان می‌دهد.



مناسبات ایران و عثمانی در قرن نوزده و بیست

2-1- موقعیت دولت عثمانی در قرن 19 و 20

قرن 19 تاریک ترین و سخت ترین دوره ی عثمانی ها است. دولت عثمانی در این عصر سیر قهقرائی خود را در تمام عرصه ها آغاز نمود. این روند رو به سقوط، خود را در زندگی اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و سیاسی نشان داده بود. جهت جلوگیری از سقوط دولت، راهکارهای فکری بسیاری مطرح شد، اما هیچکدام از سقوط عثمانی جلوگیری نکردند. دولت عثمانی از سویی درگیر چنین مسائلی بود و از دیگر سو مدام از جبهه های جنگ خبر شکست قوای عثمانی می آمد. به ویژه نبرد روس و عثمانی در سالهای 1806-1812، جنگ کریمه در سالهای 1853-1856 و شورش بالکان. اکنون دیگر دولت عثمانی به عنوان نیروی برتر روزگاران گذشته، در برابر دولت های اروپایی عقب نشینی می کرد و این نقطه ی گسست دولت عثمانی بود. دولت های اروپایی نیز نتوانستند سرزمین های جدا شده از خاک امپراتوری عثمانی را میان خود تقسیم نمایند و میان شان جنگ های استراتژیک و سرد آغاز شد. در قرن 19 در منطقه شرق مدیترانه میان دولت عثمانی با دولت های انگلستان و فرانسه موضوعات ذیل مورد رقابت بود: مسائل کشور مصر، جنگ کریمه، امور اصلاحات دولت عثمانی، مسائل مربوط به جزیره گریت، حوادث لبنان، اوضاع یونان، اغتشاشات و تظاهرات بالکان، حوادث جدّه، کانال سوئز،

تأسیس دولت ایتالیا، موضوع مصر و بدهی‌هایش و ناسیونالیسم عربی.¹

علت اصلی تمام حوادث قرن 19 اندیشه‌ی ملی‌گرایی هست که با انقلاب فرانسه در 1789 به صحنه آمد و باعث سقوط امپراتوری‌ها شد. امپراتوری عثمانی بیش از دیگر امپراتوری‌ها متأثر از این جریان بود. در بالکان ساکنان مناطق هرزگوین، مونته‌نگرو، صربستان و یونان تحت تأثیر شعارهای پان‌اسلاویزم² روسیه، سر به شورش برداشته بودند. در مناطق شرق آناتولی هم ارمنی‌ها به تحریک فرانسه و انگلستان علیه دولت عثمانی فریاد شورش سر داده بودند. در برابر این اقدامات، دولت عثمانی منشور تنظیمات را در 1839 و دستور اصلاحات را در 1856 صادر نمود و برای اقلیت‌ها حقوق فراوانی را به رسمیت شناخت. علت تمامی این امور نیز انقلاب فرانسه و تحریک اقلیت‌ها توسط دولت‌های اروپایی بود.

با شکست فرانسه در 1870 در برابر آلمان، فرانسه روابط نزدیکی با روسیه برقرار کرد که دشمن دولت عثمانی بود. به دنبال این واقعه با اشغال تونس در 1882 توسط فرانسه روابط دولت عثمانی و فرانسه کاملاً قطع شد. انگلستان که از نزدیکی عبدالحمید دوم به دولت آلمان به شدت ناخشنود بود، شورش‌های ارمنیان در شرق آناتولی را در 1890 به راه

¹ Durmuş Akalın - Cemil Çelik XIX. Yüzyılda Doğu Akdeniz’de İngiliz-Fransız Rekabeti ve Osmanlı Devleti Çukurova Üniversitesi Türkoloji-Makale Bilgi Sistemi, makale no: 15867, 20.9. 2012, s.24

² اندیشه‌ی شبیه پان‌عربسیم که اعتقاد به یکپارچگی و همسویی ایدئولوژیک نژاد اسلاو دارند.

انداخت. دولت انگلستان برای تجزیه‌ی عثمانی و براندازی عبدالحمید دوم حتّی از تزار روسیه درخواست مساعدت نمود.¹ در نتیجه‌ی این حوادث در نیمه‌ی دوم قرن 19 بعضی روشنفکران جهت خروج دولت عثمانی از تنگناهای موجود، به مدافعه از طرح پذیرش مشروطیت پرداختند. در نتیجه پس از برکناری سلطان مراد پنجم از تخت سلطنت، سلطان عبدالحمید دوم به شرط اعلام مشروطیت بر تخت نشست. با به قدرت رسیدن سلطان عبدالحمید دوم، مشروطه خواهان اروپایی و داخلی فردی را مقابل خود در رأس امور یافتند که اصلاً انتظارش را نداشتند. به همان صورت نیز سلطان عبدالحمید در طول سی و سه سال سلطنت، همواره در خارج با اروپا و در داخل با قسمی از روشنفکران متأثر از اندیشه‌های غربی رو به رو می‌شد.

عبدالحمید دوم برای جلوگیری از فروپاشی عثمانی به استفاده از ابزار زور روی آورد و «تشکیلات مخصوصه» را تأسیس کرد که قدرتمندترین مرکز استخبارات در این دوره بود. سلطان عبدالحمید دوم پس از جلوس بر تخت سلطنت در 1876 نخستین حکومت مشروطه را اعلام نمود. «اما به سبب جنگ با روسیه، عبدالحمید دوم در 1879 بنا به اصل هفتم قانون اساسی مجلس را منحل کرد.»²

جنگ با روسیه در 1879 دولت عثمانی را از نظر نظامی و اقتصادی بسیار متزلزل کرد. دولت‌های بالکان با استفاده از این فرصت به اغتشاش پرداختند. پس از اتمام جنگ با روس، بنا بر معاهده‌ی برلین میان روسیه و عثمانی در 13

¹ Durdu Mehmet Burak, Osmanlı Devletinde Jön Türk Hareketinin Başlaması ve Etkileri, Sayı: 14 Sayfa DOI: 10.1501/ Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi _0000000502 Yayın Tarihi: 2003.1, s.294

² Aynı eser, s.294

جولای 1878 اقلیت‌ها این حق را یافتند که برای خود دولت مستقل تشکیل دهند. مقارن با این معاهده ارمنیان در آناتولی قتل عام راه انداختند. یونانیان نیز با شورش در 1897 به دولت عثمانی اعلان جنگ نمودند. هم زمان با این حوادث، اقلیت‌های دیگر در بالکان از جمله بلغار، صرب، آلبانی و بوشناک مترصد فرصتی برای شورش بودند.

دولت عثمانی برای سرکوب شورش‌های منطقه‌ی روم به سختی از نیروی نظامی استفاده کرد و متعاقباً دولت‌های اروپایی در مقابل این عمل به مخالفت برخاستند. هدف دولت‌های اروپایی ورود و دخالت در امور داخلی عثمانی به بهانه‌ی محافظت از غیرمسلمان‌های تحت سلطه‌ی این دولت بود. اساساً هدف واقعی این دولت‌ها دخالت واقعی در امور اداری امپراتوری عثمانی و تجزیه و تقسیم مناطق مختلف آن میان خود بود.¹

2-2- اندیشه‌های تأثیرگذار بر تحولات عثمانی در قرن 19 و 20

2-2-1- اسلام گرایی (پان اسلام‌یسم)

«این اندیشه مدافع تجمع تمام مسلمانان حول خلیفه بود و به دلیل موضع گیری اعراب علیه دولت عثمانی در جنگ جهانی اول (به سبب همگامی با انگلیسی‌ها) ناکام ماند. طرفداران آن عبارتند از: سعید حلیم پاشا، شمس‌الدین گونالتای، اسماعیل حقّی از میرلی...»²

¹ Aynı eser, s.293

² Milli Edebiyat Dönemi, Açıköğretim Fakültesi Yayını 4. Ünite, s.283

2-2-2- جنبش عثمانی گرای

این اندیشه، توسط گروه‌های مختلف قومی که در دوره اصلاحات در امپراتوری عثمانی بودند و در دفاع از استقلال طلبی که غرب با تحریک می‌خواست مانع از آن شود، به وجود آمد. این جریان فکری که توسط عثمانیان جوان (جوان تُرک‌ها) حمایت می‌شد، ایدئولوژی‌ای بود که تمام قوم‌های امپراتوری عثمانی شامل جوامع و ملت‌های تُرک، کرد، عرب، یونانی، ارمنی، صرب، بلغار، رومانیایی، مقدونیه ای و... را با دین، مذهب، نژاد و ملیت متفاوت، در یک جا جمع کرده، و خواهان عدالت بدون هیچ تبعیضی، آزادی و برابری بود. به نظر افرادی که از این ایدئولوژی حمایت می‌کردند، اگر این اندیشه موفق می‌شد، جامعه‌ی عثمانی می‌توانست گسترش‌یافته و از فروپاشی خود جلوگیری کند.

«این ایدئولوژی، جنبشی بود که در دوره‌های تأسیس امپراتوری و افزایش قدرت آن، سبب ارتقاء دوباره آن در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شد. به منظور رسیدن به این هدف، لازم بود بعضی نوآوری‌ها انجام شود. از بین این نوآوری‌ها، با حکم اصلاحات و تنظیمات، بر این تأکید می‌شد که هرکس در محدوده‌ی مرزهای عثمانی زندگی می‌کرد، دارای حقوق مساوی خواهد بود. اگر این انجام می‌شد، می‌توانست جلوی تأثیرات جنبش ناسیونالیستی را بگیرد.»¹

به علت این که عبدالحمید دوم این جریان را زیان‌آور می‌دانست و تفکر اسلام‌گرایی را بر آن ترجیح می‌داد و همچنین به دلیل چند ملیتی بودن امپراتوری عثمانی که بر اساس احساسات استقلال طلبی حرکت می‌کرد، این ایدئولوژی به نتیجه نرسید. به ویژه این که در جغرافیای عثمانی، جمعیت

¹ Milli Edebiyat Dönemi, Açıköğretim Fakültesi Yayını 4. Ünite, s.282

مسلمانان در اکثریت بود که با خیانت عرب‌ها، بعد از جنگ جهانی اول در سال 1914، این دو گروه مسلمان نمی‌بایست در یک جا جمع می‌شدند. به علاوه، با شروع جنگ‌های اول و دوم بالکان، تمام کشورهای بالکان (به تحریک اروپا و روسیه) برای جدا شدن از امپراتوری عثمانی، شورش کرده و برعلیه دولت عثمانی متحد شدند. (1911 و 1912) به همین ترتیب، تمام این ملت‌ها، اهمیت تفکر عثمانی‌گرایی را از دست دادند.¹

این اتفاقات در واقع سبب بروز حقیقتی شد، همانطور که جلال نوری ایلری گفته بود: «حقیقت این است که، در قلب اروپا، نمی‌توان تمدن دیرینه‌ی آسیا را تأسیس کرد.»² طرفداران این ایده، ضیاء پاشا، نامق کمال، حسین عونى پاشا و مدحت پاشا بودند.

2-2-3- غرب‌گرایی

اعضای این تفکر به تحصیل علم و تکنولوژی از غرب پرداختند اما اصلاحات مبتنی بر این اندیشه به این دلیل ناکام ماند که ریشه‌ای و عمقی نبود بلکه سطحی بود. مدافعان غرب‌گرایی عبارتند از: عبدالله جودت، جلال نوری ایلری، قلیچ زاده حقى.

با آغاز قرن بیستم مرزهای دولت عثمانی تخییریافته بود، نظام مشروطیت برپا شده بود و مردم بسیاری از سرزمین‌های جدا شده از عثمانی کوچ کرده بودند. تمام این رویدادها مصادف با وقوع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بود.

¹ Kuran, Ahmet Bedevi, Osmanlı İmparatorluğunda İnkılâp Hareketleri ve Milli Mücadele, İstanbul, 1959

² Kutlu, Sacit, İkinci Meşrutiyet Döneminin Düşünce Akımları, 19 Ocak 2008, Osmanlı Bankası Arşiv Araştırma Merkezi, s.2

به دلایل اقتصادی بسیاری از اهالی روستاها به شهرها کوچ کردند. تعداد مردان نیز به سبب وقوع جنگ‌های متعدد کاهش یافت و هیچ محفل روشنفکری در هیچ جایی تشکیل نشد. چنین شرایط بدی در دوره‌ی تأسیس جمهوریت نیز دیده می‌شود. در دوره‌ی جمهوریت، افزایش روزنامه‌ها و مطبوعات، تأسیس مدارس به شیوه‌ی اروپایی و تأثیر هنر اروپا مشاهده می‌شود.

در 1908 حزب اتحاد و ترقی نیرو گرفت و نقشی فعال در شیوه‌ی حکومت داری و نظامی‌گری ایفا نمود. در نتیجه در همان سال نیروهای نظامی با شورش و برپایی تظاهرات وارد استانبول شده و سلطان عبدالحمید دوم را از تخت سلطنت خلع کردند. متعاقباً نیز نظام مشروطیت دوم برپا شد. با خلع سلطان عبدالحمید دوم از سلطنت، طولی نکشید که دولت عثمانی تجزیه شد. نخست جنگ اول بالکان (29 ژوئن 1911) سپس جنگ دوم بالکان روی داد.

با تحمل شکست در جنگ‌های بالکان، امپراتوری عثمانی «مقدونیه، تراکیای غربی و تمام جزایر دریای اژه غیر از جزیره‌ی گوکچه و جزیره‌ی بوزجا را از دست داد. منطقه‌ی آلبانی اعلام استقلال نمود. جمعیت اتحاد و ترقی اداره مملکت را در دست گرفت و به اصلاحات لشکری پرداخت.»¹

به این ترتیب دولت عثمانی حاکمیت خود بر مناطق بالکان را از دست داد. به دنبال این مغلوبیت به ایجاد روابط نزدیک با آلمان روی آورد.

دولت‌های اروپایی با احساس ناخشودی از نزدیکی عثمانی به آلمان، دولت ایتالیا را در انجام هرگونه اقدامی در برابر عثمانی آزاد گذاشتند. پس از آن ایتالیا با دولت عثمانی اعلام جنگ کرد (29 سپتامبر 1911) و طرابلس را اشغال

¹ <http://www.ataturkinkilaplari.com/ads/40>

نمود. دولت عثمانی که از نظر نظامی بسیار ضعیف شده بود قادر به هیچگونه اقدامی در برابر این اشغال نبود و در نتیجه آخرین مناطق خود در شمال آفریقا را نیز از دست داد (9 اکتبر 1912).

در دولت عثمانی از دست دادن طرابلس غربی، باعث کاهش اهمیت حزب اتحاد و ترقی چه در داخل کشور و چه خارج از کشور شد. مقاومت شیخ سونوسی و عمر مختار در لیبی آغاز شد و سالها به طول انجامید. متعاقباً جنگ جهانی اول نیز آغاز شد که تمام دنیا را تحت تأثیر قرار داد. دولت عثمانی در این جنگ، متحد آلمان بود و همراه با این کشور در جبهه‌های مختلفی جنگید. در نهایت با شکست آلمان، دولت عثمانی نیز دست از جنگ کشید و تسلیم شد و طبق معاهده‌ی موندورس در تاریخ 19 اکتبر 1918 طومار این امپراتوری در هم پیچیده شد.

2-2-4- ترکیسم (تُرک گرایی)

چندین جریان فکری، امپراتوری عثمانی را از تأثیرات جنبش‌های ناسیونالیستی و همچنین از فروپاشی کامل آن حفظ نمود که جریان ترکیسم (تُرک گرایی) یکی از آنها بود. امپراتوری عثمانی با اندیشه‌ی میهن پرستی و جهاد تأسیس شد. ایده‌ی ترکیسم، هیچ گاه برای امپراتوری یک هدف نبود. جنبش ناسیونالیستی که با انقلاب 1789 فرانسه پدید آمد، سبب به وجود آمدن ایده‌ی استقلال طلبی در بین اقلیت‌های موجود در دولت عثمانی شد. اما تأثیر این ایده، در سال‌های 1900 در تُرک‌ها دیده شد. وقتی که اقلیت‌ها در سال‌های 1800 شورش کردند، جنبش‌های فکری مثل اسلام گرایی و عثمانی گرایی به میان آورده شد. اما با طغیان و شورش

غیر مسلمانان بالکان، جنبش عثمانی گرایی و با شورش عرب‌ها، جنبش اسلام‌گرایی ناموفق ماند. از تأثیر این جنبش‌ها، فکر ترکیسم به میان آمد اما تأثیر آن در سال‌های 1908، در دوره مشروطه‌ی دوم ظهور یافت.

این جنبش بیش از آن که یک جنبش سیاسی باشد، یک حرکت فرهنگی بود و هدفش این بود که تمام ترک‌های دنیا را زیر یک سقف جمع کند.

تا قرن 19 کلمه‌ی «ترک» در دولت عثمانی بسیار کم استفاده شده بود. همچنین غربی‌ها، کلمه‌ی «ترک» را فقط برای عثمانی‌ها استفاده می‌کردند. جنبش ترکیسم در بین ترک‌های آسیای میانه زودتر از عثمانی رخ شکل گرفت زیرا در جغرافیای روسیه، ترک‌های زیادی زندگی می‌کردند که ظلم و ستم فراوانی به آنان می‌شد. دولت عثمانی به دلیل این که فکر می‌کرد جریان ترکیسم سبب از هم پاشیدن امپراتوری عثمانی می‌شود، با آن مخالفت می‌کرد. «زیرا با شورش اقلیت‌ها برای استقلال، فعالیت‌هایی نیز برای دفاع از حقوق ترک‌ها در مقابل بیگانگان، انجام شد. در این میان، دولتی که زبان، مذهب، و اصل و ریشه‌اش یکی بود می‌توانست پابرجا بماند. در این حرکت، تاریخ ترک فقط به عثمانی ختم نمی‌شد، بلکه به قبل از عثمانی برمی‌گشت که دارای جغرافیا، فرهنگ و تمدن خاصی بود و لازم بود به تمام جهان شناسانده شود. ایده‌ی روشنفکرانه‌ی این جنبش این بود که علم و فناوری لازم است از غرب گرفته شود اما ساختار فرهنگی باید محفوظ بماند.»¹

«به همین ترتیب، زبان ترکی باید از تأثیر زبان‌های فارسی و عربی محافظت می‌شد و با ساده کردن آن، از زبان خالص ترکی استفاده می‌شد. ترکی استانبولی که زبان درباری بود،

¹ Mardin, Şerif, Jön Türklerin Siyasi Fikirleri, Ankara, 1964, s.12

باید به یک زبان مشترک نوشتاری و گفتاری تبدیل می‌شد. به نام‌های ترکی اهمیت داده می‌شد. باید به شکل نوشتاری زبان ترکی و قواعد آن اهمیت داده می‌شد. در زمینه‌ی اقتصاد، باید از وابستگی به بیگانگان پیشگیری می‌شد و با افزایش تولید داخلی، از نفوذ کشورهای اروپایی به کشور جلوگیری می‌شد. پس از شکست در جنگ جهانی اول، تورانیسم تبدیل به ملی‌گرایی آناتولی شد.¹

در نتیجه، به همراه این جریان، جنبش ترکیسم شروع به تأثیرگذاری خود بر آناتولی کرد. جنبش عثمانی‌گرایی و جنبش اسلام‌گرایی، به عنوان یک گزینه به میان آمد. با شورش ارمنی‌ها، رومی‌ها و عرب‌ها و همچنین فشار از طرف دولت‌های اروپایی، شعور ملی بیدار شد. به تحقیق در مورد تاریخ و فرهنگ ترک اهمیت داده شد. جنگ استقلال و تأسیس جمهوری، تأثیر بسیار مهمی برجای گذاشت. نشریاتی که از ترکیسم حمایت می‌کردند، به چاپ رسیدند. کسانی که از جریان ترکیسم حمایت کردند: «احمد وفیق پاشا، شمس‌الدین سامی، ضیاء گوک آلپ، یوسف آک‌چورا، محمد امین یورداکول»²

2-2-5- عثمانی‌های جوان

جمعیت عثمانی‌های نوین یا عثمانی‌های جوان (ژؤن تورک‌ها)، پس از انقلاب فرانسه در 1789 و انقلاب‌های بعدی اروپا در 1830 و 1845 که در نتیجه‌ی آن بود، توسط هواداران جنبش‌های ایدئولوژیک در سال 1865 به صورت تشکیلاتی مخفی در استانبول تأسیس شد. جمعیت عثمانی‌های نوین (به گفته‌ی غربی‌ها، ژؤن تورک‌ها) در زمان سلطان عبدالعزیز به صورت غیر رسمی شروع به شکل گرفتن کرد. رشید پاشا، علی پاشا و

¹ Orkun, Hüseyin Namık, Türkçülüğün Tarihi, Ankara 1977, 70

² Milli Edebiyat Dönemi, Açıköğretim Fakültesi Yayını, 4. Ünite, s.284

فؤاد پاشا اصلاحات انجام گرفته در آن دوره را کافی نمی‌دانستند. طرفداران جمعیت از جوانان تحصیل کرده در اروپا تشکیل می‌شد که فرزندان پاشاها، ثروتمندان و خانواده‌های روشن فکر بودند و ویژگی مشترک آن‌ها همین اشراف زادگی بود. افرادی مانند مُجِد بیگ، کمال بیگ، رفیق بیگ، رشاد بیگ، نوری بیگ و آیت الله بیگ. کلمات آزادی و اصلاحات دائم از زبان آن‌ها شنیده می‌شد. بنا به همه‌ی این دلایل سعی در رساندن نامق کمال به وزارت خارجه و ضیاء پاشا به مقام صدر اعظم بودند. بعدها با ورود اشخاص نظامی و سیاسی به این جمعیت، این جنبش کاملاً به شکل یک اپوزیسیون سیاسی درآمد.¹

این گروه که شعار "حُریت" و "مشروطیت" سر می‌دادند، از ملت جدا بودند و در سال 1867 تلاش کردند به "باب عالی" حمله و آن را اشغال کنند. اما علی پاشا پیش از وقوع این اتفاق، از موضوع باخبر شده و این گروه را متلاشی کرد. پس از آن بسیاری از مؤسسان جمعیت به اروپا گریخته و در آنجا جمعیت عثمانی‌های جوان را تشکیل دادند. در 1867 فاضل پاشا نامه‌ای به زبان فرانسه به پادشاه فرستاد و در آن دو درخواست داشت؛ حُریت و مشروطیت. همین نامه را به عثمانی‌های جوان نیز فرستاده بود. برنامه‌ی دیگر عثمانی‌های جوان، در درجه‌ی دوم قرار دادن دین در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بود. پس از ارسال این نامه، در استانبول، بازداشت افراد آغاز شد که باعث فرار نامق کمال، ضیاء پاشا، علی سعاوی، مُجِد نوری، رشاد آغا و رفعت بیگ به پاریس شد.² ویژگی مشترک این جوانان شیفتگی

¹ Ahmet Akgündüz - Sorularla Osmanlı, s.72-76

² M. Şükrü Hanioglu, Bir Siyasal Örgüt Olarak Osmanlı İttihat ve Terakki Cemiyeti ve Jön Türklük (1889-1902), c.1, İstanbul, 1985.

به اروپا بود و ضیاء بیگ که یکی از آنها بود، در هنگام سفر سلطان عبدالعزیز به لندن، دلایل عقب ماندگی دولت عثمانی را در قالب نامه‌ای به وی گفته است. اروپایی‌ها نیز این تحرکات جدید را از هر لحاظ حمایت می‌کردند و به جای استفاده از تعبیر عثمانی‌های جوان، عبارت "ژؤن تورک‌ها" را ترجیح می‌دادند. خیرالدین پاشای تونس، منشوری به نام اصلاحات لازمه در دولت‌های اسلامی تنظیم کرد. این منشور مایه‌ی الهام عثمانی‌های جوان شد و بدین ترتیب افکار خود را در اروپا منتشر کردند.

با این هدف، علی سعاوی در 1867 انتشار روزنامه‌ای به نام "مُخبر" و نامق کمال نیز یک سال بعد روزنامه‌ای به نام "حُریت" را در لندن آغاز کردند.¹ آنها با تحریک اروپایی‌ها تلاش کردند کلمه‌ی "امّت عثمانیه" را که از نظر دینی در چارچوب امّت اسلام بود و حتّی "دروزی"ها را نیز دربر می‌گرفت، با تمام مذاهب و فرقه‌ها و اقوام و ملیت‌ها در یک چارچوب کلی قرار دهند. این اندیشه ناخواسته باعث به وجود آمدن تفکری ملی‌گرایانه شد که بنیان‌های دولت عثمانی را تا حد فروپاشی به لرزه درآورد. عثمانی‌های جوان بعدها به دو گروه تقسیم شدند. نماینده‌ی میانه روها را ضیاء پاشا و نماینده‌ی رادیکال‌ها را می‌توان مُجّد بیگ قلمداد کرد. دومین گروه، پا را از مشروطیت فراتر گذاشته و به نظر خودشان به اندیشه‌ی جمهوریت نزدیک شده بودند.

تمام برنامه‌های جمعیت با رویکرد نقد تند از "باب عالی" و شخص اول آن علی پاشا بود. آنها به خدمات مثبت دولت عثمانی نیز با دید منفی نگاه می‌کردند و به معنای واقعی به شکل یک حزب مخالف درآمده بودند. این مخالفت‌ها و

¹Selim Deringil, İktidarın Sembolleri ve İdeoloji II. Abdülhamit Dönemi (1876-1909), Çeviren Gül Çağalı Güven, İstanbul, 2002.

نقدها به جای سازنده بودن همیشه مخرب بودند. مصطفی فاضل پاشا این جنبش را از هر لحاظ حمایت می‌کرد ولی پس از بازگشت به استانبول برای جلب نظر سلطان عبدالعزیز و تلاش برای گرفتن عفو از وی، جنبش نیز از هم پاشیده شد.¹ منابع مالی روزنامه خریّت قطع و باعث تعطیلی آن شد. ضیاء پاشا می‌خواست راه را ادامه دهد اما ممکن نشد. این مشکلات پیش آمده باعث استعفای رفعت بیگ و علی سعاوی از جمعیت شد. در 1871 پس از فوت علی پاشا، اعضای جمعیت عثمانی‌های جوان بازگشت به استانبول را آغاز کردند. نامزدهای مورد نظر این جمعیت برای به دست گرفتن عنوان صدراعظم، محمود ندیم پاشا، مدحت پاشا و حسین عونی پاشا بودند که بعدها به مقام‌های مهمی رسیدند. تمام اقدامات منفی در جریان خلع سلطان عبدالعزیز مربوط به افراد منسوب به این جمعیت بوده است. عثمانی‌های جوان برخی افکار مدرن را وارد دولت عثمانی کردند اما از جمله گروه‌های سیاسی بودند که باعث به وجود آمدن نتایج تلخ جنگ 93 (جنگ عثمانی و روسیه 1877 - 1878) شدند. حامیان آن‌ها دولت‌های اروپایی، فراماسون‌ها و سفارتخانه‌های کشورها در استانبول بودند که از جمله ویژگی‌های بارز این جنبش است. همچنین دخالت ارتش و نظامیان در سیاست نیز از جمله نتایج و میراث منفی تشکیل این گروه می‌باشد. این گروه بعدها با نام ژؤن تورک‌ها، تحت عنوان حزب "اتحاد و ترقی" دوباره وارد صحنه شده و با افکار خود باعث فروپاشی امپراتوری عثمانی شدند.

¹ Sina Aksin, Jön Türkler ve İttihat ve Terakki, İstanbul, 1987.

2-3- شکل گیری سفارت و دوره گذار به سیاست پایدار

به ارتباط رسمی و متقابل بین دولت‌ها، شامل جنگ، صلح، مکاتبات و توافقات بین دول که نتیجه‌ی طبیعی زندگی دسته جمعی ملل به شمار می‌رود دیپلماسی گفته می‌شود. دیپلماسی به علم ارتباط بین دولت‌ها یا سیاست خارجی هر دولت اطلاق می‌گردد.¹ دیپلماسی، زبانی مربوط به ارتباط سیاسی میان دولت‌هاست. به اختصار می‌توان گفت که دیپلماسی پیش بردن ارتباطات بین المللی از طریق مذاکره می‌باشد.² دیپلماسی پایدار به منظور تداوم ارتباطات میان دولت‌ها و رفع مشکلات موجود در زمان‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. به ویژه سفارتخانه‌های دائمی که همواره در کشورهای مقتدر ایجاد شده است. «در قرن شانزدهم دولت عثمانی از یک کشور پر قدرت در محدوده آناتولی و بالکان به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل شد.»³ به عنوان مثال می‌توان ونیز و جنوا را نام برد که پس از فتح استانبول، از دولت‌هایی بودند که به منظور تجارت در عثمانی به ایجاد سفارتخانه اقدام نمودند. به این دلیل که دولت عثمانی با فتح استانبول به پر قدرترین دولت سیاسی و اقتصادی تبدیل شده بود، ایجاد سفارتخانه دائمی با گذشت زمان به دولت‌های دیگر نیز اشاعه پیدا کرد.

¹ Yaşar Çağbayır, Orhun Yazıtlarından Günümüze Türkiye Türkçesinin Söz Varlığı Ötüken Türkçe Sözlük, Cilt 2, S.1234, Ötüken Yayınları İstanbul 2007

² Zeynep Akıncı Makale Diplomatik Dil ve Özellikleri, S.1, 11.05.2005 Çukurova Üniversitesi Türkoloji Araştırmaları Merkezi

³ Metin Kunt, Türkiye Tarihi Ansiklopedisi 1300-1600, C. II, S.117 Cem Yayın Evi. Ankara 1978

«دیپلماسی مستمر، تقریباً از قرن پانزدهم توسط دولت شهرهایی چون ونیز و جنوا که امروزه از شهرهای ایتالیا می‌باشند شروع شد و تدریجاً از قرن نوزدهم در دول دیگر مرسوم شد.»¹

ساختار دولت عثمانی تحت تأثیر پیکربندی دولت‌های پیش از خود بود و مطابق با آن تشکیل شده بود. چرا که در محدوده‌ای که دولت عثمانی تشکیل شده بود، دولت‌های ترک زیادی با ساختار مناسب وجود داشت. به همین دلیل بود که دولت عثمانی در ایجاد ساختار نظامی، سیاسی، و اقتصادی خود با مشکل چندانی مواجه نشد. یالچینکایا نیز در این ارتباط می‌گوید* «ساختار و پیکربندی سیاست خارجی دولت عثمانی تحت تأثیر دولت‌های بزرگی چون سلجوقیان، ایلخانان، مملوکیان و دولت‌های دیگری که جایگزین آن‌ها شده بودند توسعه‌یافت. سیاست خارجی دولت عثمانی همگام با گسترش سرزمین‌هایش به صورت مستمر و به خودی خود تجدید می‌شد. وضعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی داخلی نیز یکی از عواملی بود که سیاست خارجی عثمانی را تحت تأثیر خود قرار داده بود.»²

این تأثیر تنها در عرصه‌ی سیاست خارجی مشهود نبود بلکه در دیگر عرصه‌ها نیز خودنمایی می‌کرد چرا که امپراتوری عثمانی همگام با گسترش قلمرو خود، نوع عملکرد سرزمین‌هایی که فتح کرده بود را تغییر داده و با وضعیت خود تطبیق می‌داد. اما برخی از آن‌ها را به همان گونه که

¹ Necmetin Alkan, Osmanlı Diplomasisi, S.14, 1.Ünite 1.baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013

* Yalçinkaya

² Mehmet Alaaddin Yalçinkaya, Osmanlı Diplomasisi, 2.Ünite, S.29, 1.Baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013

بودند بدون تغییر نگه داشته بود. چرا که همه‌ی ادارات عثمانی در دولت‌های قبلی نیز وجود داشتند.

2-3-1- دلایل انتخاب سفرا و ایلچی‌ها در دولت عثمانی

در قرون پانزدهم و شانزدهم که امپراتوری عثمانی اوج قدرت خود را تجربه می‌کرد، هیچ نیازی به اعزام سفیر دائمی به دیگر کشورها نمی‌دید، اما زمانی که شروع به از دست دادن قدرتش نمود و از جبهه‌ها مغلوب بیرون می‌آمد به انتصاب سفیر روی آورد. در قرن هجدهم به چنین نتیجه‌ای رسید. دولت عثمانی قبلاً هم سفیرانی اعزام می‌نمود، اما سمت این سفرا تنزیافت. سفرا بعضی اوقات به سبب توافق صلح و برخی اوقات هم به دلیل ارسال مکاتبات اعزام می‌شدند. دلایل اعزام سفرا توسط دولت عثمانی به کشورهای دیگر عبارت بودند از:

- ابلاغ اخبار به قدرت رسیدن پادشاهان عثمانی و تغییر پادشاه
- تبریک تاج گذاری یک حکمران خارجی
- انتشار خبر پیروزی‌ها
- اطلاع رسانی در ارتباط با متن تایید شده‌ی معاهدات منعقد
- تحکیم مودت بین دولتها پس از انعقاد معاهده‌ی صلح
- تبادل نظر در ارتباط با مرزهای مورد اختلاف و رسیدن به اتفاق نظر بین دو دولت
- برگزاری نشست در نتیجه‌ی پیشنهاد اتمام جنگ و برقراری صلح
- تحصیل علم، تکنولوژی و تمدن کشورهای اروپایی

- وام دادن و مبلغ وام را از دولت مطالبه نمودن، تعیین شرایط بازپرداخت، اعزام سفیر جهت مقابله و مبادله دوجانبه
- انجام دیدار با دولتمردان خارجی جهت ابراز احترام و اعزام سفیر به درخواست دولت خارجی
- تحویل نامه‌ی صدراعظم به نخست وزیر دولت‌های خارجی¹

اما با توجه به نکات گفته شده این سوال به ذهن می‌رسد که آیا قبل از قرون پانزدهم و شانزدهم در دولت عثمانی سفارت خانه نبود؟ قطعاً قبل از آن دولت عثمانی دارای سفارت خانه‌هایی بوده است. در اصل دولت عثمانی از اوایل حکومت خود در کشورهای دیگری و تحت عناوین دیگری با توجه به ماهیت کشور مقصد و بسته به وضعیت مأمور، سفیر اعزام می‌نموده است.

اورتایی در همین ارتباط اظهار داشته است که: این که دولت عثمانی طی قرون پانزدهم و نوزدهم در تاریخچه‌ی دیپلماسی این دولت به کشورهای حاشیه‌ی دریای مدیترانه، بالکان، خاورمیانه و دیگر کشورها سفیر فرستاده، کاملاً تفکر غلطی است. دیپلماسی عثمانی تا قرن هجدهم توسط سفرای این دولت اشاعه یافته است. از قرن سیزدهم به بعد بود که نمایندگی کشورها به صورت تأسیس سفارتخانه مرسوم شد و در عثمانی تمام اطلاعاتی که از غرب می‌آمد از طریق وین به پایتخت انتقال پیدا می‌کرد و در آن زمان دولت‌ها به دو گروه دولت‌های کوچک و دولت‌های بزرگ تقسیم می‌شدند. در کشورهای بزرگ سفارتخانه‌ی کبیر تأسیس می‌شد و در کشورهای کوچک سفرا به کار گماشته می‌شدند.

¹ Necmetin Alkan, Osmanlı Diplomasisi, S. 42, 2.Ünite 1.Baskı, Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013.

دولت عثمانی با دولت‌های انگلیس، فرانسه، ونیز، جنوا و امپراتوری آلمان- اتریش ارتباط داشت، اما با اسپانیا ارتباط نداشت و با ژاپن نیز پس از برقراری حکومت جمهوری ارتباط برقرار نمود. هم چنین ارتباط دولت عثمانی با دولت ایالات متحده امریکا نیز از طریق سفیر میانجی برقرار می‌شد.¹

این اطلاعات خلاف نظر برخی از مورخان که معتقدند دولت عثمانی در بدو حکومت خود فاقد سفارتخانه بوده اند به شمار می‌رود.

اما در دولت عثمانی توسعه‌ی سیستم سفارتخانه‌ها مدتی به طول انجامید. به این دلیل که قدرتمند بودن دولت عثمانی که منظور از آن برخورداری این دولت از قدرت سیاسی بود، به سدی بر سر راه توسعه‌ی سفارتخانه‌ها تبدیل شده بود. این مانع تا زمان تنزل قدرت این دولت ادامه داشت.

اما از قرن شانزدهم به بعد آن‌ها با توجه به اهمیت وظیفه‌ای که بر عهده داشتند به دو گروه سفیر کبیر یا سفیر میانه تقسیم می‌شدند، برخی از آن‌ها که به منظور رساندن نامه اعزام می‌شدند، "پیک" نام داشتند، برخی دیگر که به منظور انجام خدمات درجه دوم اعزام می‌شدند، چاوش، آقا و متفرقه نامیده می‌شدند. تا سال 1793 که یوسف آگاه به عنوان سفیر دائمی عثمانی در لندن برگزیده شد، نمایندگی عثمانی توسط سفیران موقت صورت می‌گرفت. سفرای عثمانی به پایتخت‌های اروپایی همچون وین، پاریس، پترزبورگ، استکهلم، لندن، برلین، ورشو، مادرید و همچنین

¹ Osmanlı Diplomasi Tarihi Konulu Brifing, İlber Ortaylı, TBMM Haber Bülteni, 16 Kasım 2012, 182.Sayı, S.40.

پایتخت کشورهای مسلمان آسیایی و آفریقایی مثل تهران، دهلی نو، بخارا و رباط نیز اعزام شدند.¹

دولت عثمانی در انتصاب سفیر برای این کشورها بسیار دیر عمل کرد. چرا که 3 تا 5 قرن پس از تشکیل دولتش شروع به انتصاب سفیر در کشورها نمود. قدرت دولت عثمانی و اعتماد به نفس این دولت باعث شد تا وضعیت داخلی دیگر دولت‌های دنیا از نظر این دولت پنهان بماند. اما از طرف دیگر بسیاری از دولت‌های اروپایی نوآوری‌های موجود در دولت عثمانی و موفقیت‌های سیاسی این دولت را به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و این نیز در آینده موجب شکست‌های این دولت در جبهه‌های جنگ شد. زیرا بسیاری از دولت‌های اروپایی با الگو قرار دادن ونیز در اواخر قرن پانزدهم در استانبول سفیر دائمی و یا مصلحت‌گذار منصوب نمودند.²

2-3-2- سفیران خارجی در دولت عثمانی

پس از فتح استانبول توسط دولت عثمانی و همزمان با گسترش قلمرو این دولت، دول اروپایی شروع به اعزام سفیر به این دولت نمودند.

اوایل با اینکه دولت عثمانی در کشورهای خارجی نماینده داشت، به مرور زمان مجارها، کرواتها و امپراتوری روم موفق به تأسیس سفارتخانه در استانبول شدند، هر چند که این سفارتخانه‌ها منطبق با سنت اروپا نبودند.³

¹ Necmetin Alkan, Osmanlı Diplomasisi, 2.Ünite, s.41, 1. Baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013.

² Aynı, s.41

³ Timuçin Kodaman- Ekrem Yaşar Akçay, Kurulustan Yıkılışa Kadar Osmanlı Diplomasi

سفارتخانه، در اوایل حکومت دولت عثمانی از اهمیت چندانی برخوردار نبود. زیرا در آن زمان این دولت بهترین ارتش، اقتصاد و تکنولوژی را داشت. به همین دلیل بود که سفارت برای این دولت جذابیت چندانی نداشت. این نکته را می‌توان در این واقعیت به وضوح درک کرد که دولت عثمانی به سفرا و فرستاده‌های کشورهای دیگر چندان اهمیت نمی‌داد و در اکثر موارد حتی پادشاهان آن‌ها را به حضور نمی‌پذیرفت. به عنوان مثال زمانی که فرستاده ایران به حضور پذیرفته می‌شد و مورد احترام قرار می‌گرفت، امکان بدرفتاری و در برخی اوقات حتی پذیرفته نشدن فرستاده‌ی اتریش وجود داشت.¹ اما با گذشت زمان این موضوع دستخوش تغییراتی شد زیرا بعدها به فرستاده‌های کشورهای خارجی اهمیت داده می‌شد. خصوصاً در دورانی که دولت عثمانی در اوج قدرت خود به سر می‌برد تمامی احتیاجات فرستاده‌های دیگر کشورها را از زمانی که پا به خاک این کشور می‌گذاشتند اعم از خوراک، محل اقامت و وسیله‌ی رفت و آمد تامین می‌نمود. دلیل این موضوع هم گرامی شمردن میهمان در دین اسلام بود. ابوکریم (رضی الله عنه) یکی از صحابه‌ی پیغمبر (ص) می‌گوید: «رسول اکرم (ص) می‌فرماید که یک شب مهمان شدن حق هر مسلمان است. در منزل هر کسی (صاحب خانه) شب را به صبح برساند، هزینه‌های مهمانداری به عهده او (صاحب خانه) می‌باشد. اگر او (میهمان) خواست هزینه‌ها را بپردازد صاحب خانه دریافت می‌کند و اگر نخواست بدون اینکه بپردازد آنجا را ترک می‌کند.»²

Tarihi ve Türkiye'ye Bıraktığı Miras, Süleyman Demirel Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi Aralık 2010, Sayı.22, s.81

¹ Ayn eser, s.81.

² Muhittin Akgül, Ayetler ve Hadisler Işığında Hayatımız-3, s.124, Işık Yayınları, 2004 İstanbul.

دولت عثمانی از این سنت نشأت گرفته است. زیرا دولت عثمانی به منظور اعتلای کلام خداوند جنگ می‌کرد و قرآن کریم را راهنما و رهبر خود قرار داده بود. از خلیفگی حضرت ابوبکر تا پایان حکومت دولت عثمانی، هر موضوعی به قوانین دین اسلام ارجاع داده شده و در صورتی که فتوایی در ارتباط با آن وجود داشت، به اجرا گذاشته می‌شد. یک مستشرق یهودی الاصل* دولت عثمانی را بارزترین مصداق پیروی از قوانین شرعی در امور حکومتی دانسته است.¹

در قرن هجدهم فرستاده‌هایی که به دولت عثمانی می‌آمدند در طی مسیر خود از طرف حاکمان مورد احترام و مهمان نوازی قرار می‌گرفتند. پس از رسیدن به پایتخت در مسافرخانه‌های که مخصوص آن‌ها بود اقامت می‌نمودند و پس از چند روز در درگاه پاشا از طرف وزیر اعظم به حضور پذیرفته می‌شدند.²

شغل سفیری شغل پرخطری نیز به شمار می‌رفت چرا که اگر طی مدتی که سفیر در یک کشور بود مشکلی در ارتباطات بین دو کشور رخ می‌داد، زندگی سفیر در خطر می‌افتاد.

سفیر کبیرها در اقامتگاه خود حبس می‌شدند، در مراسم بعضی اوقات مورد تحقیر قرار می‌گرفتند و اگر دولت آن‌ها با دولت عثمانی به مشکل برمی‌خورد و ارتباط آن‌ها قطع می‌شد ممکن بود زندانی شوند یا به گروگان گرفته شوند.³

¹Ekrem Buğra Ekinci, Osmanlı Devleti Laikmiydi?

<http://www.ekrembugraekinci.com/makaleler.asp?pg=31&id=1>

² Necmetin Alkan, Osmanlı Diplomasisi, 2.Ünite, s.47, 1. Baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013

³ Oral Sander, Anka'nın Yükselişi ve Düşüşü Osmanlı Diplomasi Tarihi Üzerine Bir Deneme, Ankara, 1987, s. 131. Ankara Üniversitesi Siyasal Bilgiler Fakültesi Yayınları- 563

2-3-3- سفیران دولت عثمانی در دول خارجی

دولت عثمانی زمانی که به تدریج قدرت خود را از دست داد برای این مشکل به دنبال راه چاره بود. زیرا نه تنها دیگر در جبهه‌ها غالب نبود بلکه کاملاً بر عکس به تدریج بخش‌هایی از قلمرواش را از دست می‌داد. همه‌ی این مشکلات موجب اهمیت و توسعه یافتن سیستم سفارت‌ها در دولت عثمانی شد. چرا که دیگر امیدی به جبهه‌ها نبود و تنها روزنه‌ی امید پیروزی حاصل از دیپلماسی بود.

با گام نهادن دولت عثمانی در مسیر قدرت و از دست دادن سرزمین‌هایش این دولت بنا را بر توسل به دیپلماسی و جایگزینی دیپلماسی به جای سلاح نهاد.¹

با تشکیل سفارت‌ها، دولت عثمانی به سرعت به سوی سازمان یافته شدن رفت و در مدت زمانی کوتاه در کلیه‌ی کشورهای اروپایی و کشورهای مهم اسلامی سفارت دائمی تأسیس نمود و زیر مجموعه‌هایی نیز برای این سفارت‌ها در نظر گرفت.

این زیر مجموعه‌ها عبارت بودند از: وزارت امور خارجه، وزارت امور ترجمه، دایره مستشاری، کمیسیون امور خارجه، امور پروتکل‌ها، مشاوره حقوقی، نظارت بر مطبوعات خارجی، امور کنسولی، امور اختلافات قانونی، امور کارکنان، امور شهروندان و امور تلگراف. این زیر مجموعه‌ها نیز به نوبه‌ی خود دارای زیر گروه‌هایی بودند. بدین ترتیب دولت عثمانی از امور خارجه سازمان یافته‌ای برخوردار شده بود. نمایندگی خارجی دولت عثمانی هم عبارت بودند از: سفارت

¹ Timuçin Kodaman- Ekrem Yaşar Akçay, Kuruluştan Yıkılışa Kadar Osmanlı Diplomasi Tarihi ve Türkiye'ye Bıraktığı Miras, Süleyman Demirel Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi Aralık 2010, Sayı 22, s.83-84

کبیر، سفارت، سر کنسول، کنسول، معاون کنسول و معاون تجّار.¹

وجود این زیرمجموعه‌ها نشان دهنده اهمیتی است که دولت عثمانی برای دیپلماسی قائل بود و حاکی از قدرت بالای این دولت در این زمینه می‌باشد.

زمانی که سلطان عبدالحمید دوم در سال 1876 به پادشاهی رسید، دولت از داخل و خارج در خطر بود. در این دوران دولت عثمانی از نظر نظامی ضعیف و خسته از جنگ‌های متعدد و در بسیاری از جبهه‌ها مغلوب شده بود. وی در کنار این موضوع به افرادی که در به قدرت رساندن وی نقش داشتند قول اعلام مشروطیت داده بود. تمام این موضوعات عبدالحمید را به سمت تشکیل یک مجموعه‌ی قابل اعتماد و خوب هدایت کرد. پس از آن هم موضوع سفیران در کشورهای خارجی را کانون توجه قرار داد. از این دوران به بعد بود که تعداد سفارت‌ها در کشورهای خارجی افزایش یافت و شبکه‌های ارتباطی تقویت شد. در همین زمان عبدالحمید دوم نیز به محض این که به قدرت رسید تمام هیأت حاکمه را گرد هم آورد. بدین ترتیب علاوه بر اینکه تصمیم نهایی را خودش می‌گرفت، کل دیپلماسی و اداره‌ی حکومت هم در یک مرحله از نو شروع به تجدید حیات نمود.

«در واقع مهمترین ویژگی دوره 1878-1918 از دیدگاه تاریخ دیپلماسی عثمانی، انتقال دیپلماسی از باب عالی به ییلدیز سرای و قرار گرفتن آن در محدوده‌ی مسئولیت‌های سلطان عبدالحمید دوم (1876-1909) می‌باشد. باب عالی به محلی برای اعمال دیپلماسی مشخص شده توسط سلطان تبدیل شده بود. دیپلماسی کاخ - مرکز با انقلاب ژؤن تُرک سال 1908

¹ Necmetin Alkan, Osmanlı Diplomasisi, 8.Ünite, s.184, 1.baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri, Eskişehir, Nisan 2013.

به پایان رسید و دیپلماسی دوباره در حوزه مسئولیت حکومت قرار گرفت.¹

در حالی که اروپاییان آرزوی فروپاشی دولت عثمانی را در سر می‌پرورانیدند و مشغول نقشه کشیدن برای این موضوع بودند، سلطان هم در این فکر بود که چگونه دولتش را روی پا نگه دارد. به همین دلیل سلطان عبدالحمید سیاست اختلاف انداختن میان دول اروپایی را در پیش گرفت و از این طریق موفق شد 33 سال دیگر دولت عثمانی را زنده نگه دارد. عبدالحمید دوم امپراتور آخرین امپراتوری تاریخ، در دیپلماسی بسیار قوی بود به طوری که دشمنانش نیز این ویژگی او را تأیید می‌کنند.

پرنس بیسمارک* که بنیانگذار اتحاد آلمان به شمار می‌رود می‌گوید: «اگر در دنیا صد گرم عقل وجود داشته باشد، نود گرم آن متعلق به عبدالحمید خان، 5 گرم از آن مال من و 5 گرم باقیمانده نیز از آن دیگر سیاستمداران جهان است.»² همتای وقت انگلیسی عبدالحمید، سر ادوارد گری زمانی که خبر فوت او را شنید، این طور گفته بود: «چه ضرر بزرگی! دشمنم بود اما با مرگ او دیپلماسی دیگر شوق خود را از دست داد.»³

اطلاعات مربوط به دوره ی عثمانی و به خصوص اطلاعات مربوط به دیگر کشورها در قرن نوزدهم از اوراق رسمی، روزنامه‌ها و سفرنامه‌های آن زمان به دست آمده است. سفرنامه‌ها که حاوی اطلاعات دست اول در ارتباط با کشورهای اروپایی بودند، از آنجایی که منبع اطلاعات مربوط به

¹ Aynı eser s.184

* Prens Bismark

² Osman Nuri Topbaş, Altınoluk Dergisi 1997-Kasım, Sayı:141, s.20.

³ İbrahim Refik, Efsane Soluklar, T. Ö. V. Yayınları, İzmir, 1992, s.133

کشورهای بیگانه برای سلطان و وزارتخانه‌های وی بودند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. به همین دلیل این سفرنامه‌ها حاوی مشاهدات و تجربیات واقعی عثمانیان در ارتباط با اروپاییان به شمار می‌روند.¹ این سفرنامه‌ها را نمی‌توان تنها حاوی مطالب مربوط به اروپاییان برشمرد. زیرا در آن‌ها اطلاعات مربوط به تمامی کشورهای که با دولت عثمانی در ارتباط بودند وجود داشته است. یکی از آن‌ها نیز ایران است.

این سفرنامه‌ها که توسط سفرا و فرستاده‌هایی که به ایران می‌رفتند نوشته شده اند حاوی اطلاعاتی مربوط به اوضاع نظامی، اقتصادی و تکنولوژیکی این کشور می‌باشند. در اینجا به برخی از این سفرنامه‌ها می‌پردازیم:

ایران

- 1- سفرنامه ایران احمد درّی افندی (1721)²
- 2- سفرنامه ایران مصطفی نظیف افندی (1746)³
- 3- سفرنامه ایران حاجی احمد پاشا (1747)⁴
- 4- سفرنامه ایران سید محمد رفعی (1807)⁵
- 5- سفرنامه مصور ایران یاسینجی زاده سید عبدالوهاب (1811)⁶
- 6- رساله محمد طاهر مونیف پاشا (1872-1877)⁷

¹ Mehmet Alaaddin Yalçinkaya, Osmanlı Zihniyetindeki Değişimin Göstergesi Olarak Sefaretnamelerin Kaynak Defteri, Otam Dergisi 7.Sayı, sayfa 336, 1996

² İstanbul Üniversitesi Kütüphanesi Nadir Eserler Kataloğu

³ Nuru Osmaniye Kütüphanesi- Ali Emiri Efendi no:824

⁴ Osmanlı Sefirleri ve Sefaretnameleri, Faik Reşit Unat, TTK, 2008, Ankara

⁵ Nuru Osmaniye kütüphanesi Arşiv Numarası : 43 Va 831

⁶ Mehmet Alaaddin Yalçinkaya, Osmanlı Zihniyetindeki Değişimin Göstergesi Olarak Sefaretnamelerin Kaynak Defteri, Otam Dergisi 7.Sayı, sayfa 336, 1996

⁷- Aynı eser,s.336

سفرنامه‌های یاد شده در اصل منابع مکتوب آن دوران به شمار می‌روند. ما مشکلات و اطلاعات مربوط به آن دوران را از طریق این سفرنامه‌ها به دست آورده ایم.

در عین حال مهم ترین اطلاعات مربوط به گذشته‌ی ایران را از دفاتر تحریر عثمانی نیز می‌توان به دست آورد. این دفاتر نه تنها اطلاعاتی در مورد جغرافیای این کشور که به دست عثمانی افتاده بود اعم از کشاورزی آن، روستا، شهرستان، شهر و جمعیت در اختیار می‌گذارد بلکه در ارتباط با دولت صفویه نیز اطلاعاتی در خود دارد. به کمک این دفاتر اطلاع از رسوم محلی مرسوم در آن زمان و سیستم اقتصادی و اداری دوره‌ی صفوی امکان پذیر می‌باشد. کلیات دفاتر ثبت اسناد از نظر جغرافیایی، آذربایجان و بخش‌های جنوب شرقی ترکیه را که توسط عثمانیان فتح شده بود نیز پوشش می‌دهند.

از آنجایی که ثبت اطلاعات دفاتر یاد شده تقریباً در یک زمان اتفاق افتاده است، مواردی چون جمعیت شهرها و مناطق، تولید و مالیات قابل مقایسه می‌باشد که این نیز به نوبه‌ی خود بر اهمیت این دفاتر به عنوان مرجع می‌افزاید.¹ ضرورتی برای نوشتن این دفاتر توسط خود سفرا وجود نداشته است. بعضی اوقات دستیاران آنها و برخی اوقات هم دیگر افرادی که در خدمت آنها بوده اند این اطلاعات را می‌نگاشتند. سفرنامه حاج احمد پاشا که در سال 1747 به عنوان سفیر به ایران آمده بود توسط شاعر کریمه،

²³ Osman Gazi Özgüdenli, Osmanlı İmanı I: Batı İran ve Azerbaycan Tarihi Hakkında Osmanlı Tahrir Kayıtları: Coğrafi ve İdari Taksimat, Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi Cilt: 22 Sayı: 34 Yayın Tarihi: 2003 S. 96-97.

رحمی افندی که با عنوان کاتب یا وقایع نویس در معیت وی بود، نوشته شده است.¹

در اواخر قرن نوزدهم به جز مسأله‌ی کوچک مربوط به مرزهای بین ایران و عثمانی هیچ مشکل دیگری میان دو دولت به وجود نیامد.

نمونه‌ی بارز رابطه‌ی بین ایران و عثمانی را می‌توان به سفرنامه‌ای مربوط به سفر مظفرالدین شاه قاجار به استانبول دانست که در تاریخ اول ماه می سال 1896 (16 ذی القعدة) به پادشاهی رسیده بود.

سفرنامه مبارک شاهنشاه

مظفرالدین شاه مشاهدات خود در سفر از ادیرنه* به استانبول را این چنین بیان کرده است که فقط گوشه‌های کوچکی در دست می‌باشد.

یکشنبه پنجم جمادی الثانی (30 سپتامبر 1900)

«صبح که بیدار شدیم قطار در حرکت بود. به اطرافمان نظر انداختیم. ما و همراهانمان در ورودمان به استانبول البسه‌ی رسمی‌خود را به تن نمودیم. شخص محترمی که بیش از 50 ساله به نظر می‌رسید به همراه تعداد زیادی از افرادش از قسمت جلویی قطار وارد شد. نزدمان آمد و به رسم عثمانیان سلام کرد. این شخص وزیر امور خارجه، توفیق پاشا بود. تا اینجا برای استقبال ما آمده بود.

از این که به یک شهر اسلامی آمده بودیم و بوی اسلام را به مشام می‌کشیدیم خرسند بودیم و خداوند را شکرگزار. زمانی که وارد قصر شدیم، حضرت سلطان جلوی در ایستاده بودند.

²⁴ Mehmet Alaaddin Yalçinkaya, Osmanlı Zihniyetindeki Değişimin Göstergesi Olarak Sefaretnamelerin Kaynak Defteri, Otam Dergisi 7.Sayı, sayfa 328, 1996

* Edirne اسم شهری در ترکیه است.

از اتومبیل پیاده شدیم با سلطان با صمیمیت دست دادیم. از دیدار وی بسیار هیجان زده شده بودیم. در آنجا کمی صحبت کردیم. ایشان نیز از دیدار ما ابراز خرسندی بسیار نمودند. ما از این که در سرزمین عثمانی به سر می‌بردیم خوشحالی‌مان را اظهار نموده از مهمان نوازی آن‌ها تشکراتمان را اعلام کردیم.

کمی از شکل و شمایل و رسم و عادات سلطان بگویم. سلطان که یک پادشاه بزرگ است بیست و پنج سال است که بر تخت شاهی تکیه کرده است. پنجاه و هشت ساله است، قدی متوسط دارد و ظاهری ظریف. بیشتر محاسن نسبتاً بلندش به رنگ سیاه است و کمی از آن سفید شده است. رنگ پوستش روشن و پیشانی‌اش بلند است. بسیار باهوش است. نگاهش که می‌کند خستگی ناشی از تلاش و تفکر وی برای نظم بخشیدن به امور دولت و ملتش را می‌توانی در چهره‌اش ببینی. انشاءالله سالیان سال با سلامتی به زندگی‌اش ادامه دهد. از همه مهمتر ادب و احترامش است، تلاشش برای یکپارچه نمودن جهان اسلام و خلق و خوی خوشش. همه‌ی این‌ها تأثیر خاصی بر روی انسان می‌گذارد. قرار است یک شب شام را در کنار هم بخوریم.

با سلطان کمی صحبت کردیم. بعد خبر دادند که شام آماده است. به سالن غذاخوری رفتیم. این سالن فوق‌العاده زیبا و آراسته بود. در دو طرف میزی که در این اتاق قرار داشت می‌نشستند و غذا می‌خوردند. در قسمت بالایی اتاق و میز دیگری که در آنجا بود فقط من و سلطان با هم نشستیم. در طول شام برای سلطان از سفرمان سخن گفتیم.»

دوشنبه ششم جمادی الثانی (اول اکتبر 1900)

امروز به سفارتخانه‌ی خودمان خواهیم رفت و به دعوت سفیرمان علاءالملک نهار را در آنجا خواهیم خورد.

سه شنبه هفتم جمادی الثانی (دوم اکتبر 1900)

بعد از نهار به دعوت اعلی حضرت سلطان به بازدید از موزه و کتابخانه‌ها رفتیم.

چهارشنبه هشتم جمادی الثانی (سوم اکتبر 1900)

بعد از نماز صبح و صرف چای در حالی که برخی اوراق و اسناد را نگارش می‌نمودیم، وزیر اعظم اشرف تلگراف و چیزهای دیگری آورد. اقدامات لازم در ارتباط با آنها را به جای آوردیم.

پنجشنبه نهم جمادی الثانی (چهارم اکتبر 1900)

امروز از استانبول حرکت خواهیم کرد. صبح که از خواب بیدار شدیم، نمازمان را خواندیم و از اتاقمان بیرون آمدیم. در همین موقع علاءالملک آمد و خبر از ارسال هدایا و اشیائی از طرف پادشاه برای ما به عنوان یادگاری را اعلام کرد.¹

در طی این سفر اتفاقات بسیار خوبی افتاده بود و روابط بین عثمانی و ایران تقویت شده بود.

یکی از بارزترین مثال‌های این گفته این بود که طی سفر یاد شده سلطان عبد الحمید دوم از مظفرالدین شاه خواسته بود که ممنوعیت تدریس به زبان ترکی در مدارس آذربایجان را لغو نماید و شاه نیز این موضوع را امکان پذیر دانسته بود و در حالی که هنوز در سفر بود به وزیر آموزش و پرورش این تلگراف را فرستاده بود: «دستور می‌دهم در مدارس آذربایجان تدریس زبان ترکی همگام با زبان فارسی و

سفرنامه مبارک شاهنشاه، چاپ 1902، ص 200 و 1220

آن هم به شیوه ای که آموزش زبان ترکی ایجاب می‌کند اجرا
شود.¹



زیست نامه و کارنامه سیاسی

¹ İsmail Hami Danişmend, İzahlı Osmanlı Tarihi Kronolojisi, İstanbul 1972, C. IV, s. 347

شمس‌الدین بیگ



3-1- کارنامه سیاسی شمس‌الدین بیگ

«شمس‌الدین بیگ» به دلیل خدمات شایسته‌اش به دولت عثمانی از سفارت بخارست به سفارت تهران منتقل شد و پرداخت حقوق وی از همان تاریخ حکم انتقال به تهران آغاز شد.¹ هم زمان با این حکم، موضوع تأمین هزینه‌های سفر وی به تهران در وزارت امور خارجه مورد بررسی قرار گرفته است.²

¹ I. HR. 346. 62

² I. HR. 348. 20

*وان یکی از شهرهای شرقی ترکیه است.

شمس‌الدین بیگ پیش از این در تهران مدت کوتاهی نزدیک یک سال عهده دار سفارت بوده است. پس از منصوب شدن "مُنیر بیگ" به عنوان سفیر تهران، شمس‌الدین بیگ به سمت والی شهر وان* منصوب شد. اما پس از یک سال از طرف انجمن مخصوصه، هم به دلیل شناخت خوبی که از ایران داشت و هم به دلیل درخواست پادشاه وقت "مظفرالدین شاه"، برای بار دوم به عنوان سفیر عثمانی در تهران منصوب شد.¹ پس از این انتصاب، شاه ایران از پادشاه عثمانی، سلطان عبدالحمید دوم* طی نامه ای تشکر و قدردانی کرد. در این نامه، مظفرالدین شاه به افزایش روابط ایران و عثمانی اشاره می‌کند و نقش مهم شمس‌الدین بیگ را در این مسأله بیان می‌کند و خوشنودی خود را از انتصاب وی به این سمت ابراز می‌دارد.²

وقتی شمس‌الدین بیگ در وان بود، به دلیل شرایط آن دوره حقوق وی مدتی طولانی پرداخت نشده و روی هم انباشته شده بود. به همین دلیل پس از دومین انتصاب وی برای سفارت تهران، پرداخت این حقوق معوقه درخواست شد. هم چنین به دلیل ناکافی بودن هزینه‌ی سفر در بار اول، این بار میزان بیشتری پول به عنوان خرج راه درخواست شد.³ در این حین

¹ İ. DH. 1335. 12

*پدرش "عبدالمجید افندی"، مادرش "تیرمزگان خاتون" بوده است. در 21 سپتامبر 1842 م به دنیا آمد. نزد "علی محوی افندی" آموزش زبان فارسی دیده است. به جای "مراد پنجم" که توسط "مدحت پاشا" از سلطنت خلع شد، به سلطنت رسید (1876). از دولت عثمانی در حال فروپاشی، در مقابل دولتهای اروپایی به مدت 33 سال محافظت کرده است. در واقعه روز 31 مارس از سلطنت خلع شد (1908).

² YEE 00004-001-59-44

³ İ. HUS. 56. 42

*سر کاتب تحسین، صدر اعظم این دوره می‌باشد.

پیش از رسیدن شمس‌الدین بیگ به تهران، به کار سفیر قبلی پایان داده شد و برای این امر نامه‌ای توسط سرکاتب دولت عثمانی "تحسین"، از استانبول به تهران ارسال شد.¹ هم زمان بودن انتصاب "شمس‌الدین بیگ" در تهران و انتصاب "عبدالحق حمید" در لاهه به عنوان سفیر عثمانی، فقط در یک سند رسمی ثبت شده است.² اطلاعات مربوط به این موضوع در 21 ربیع الاول 1315 هجری قمری در یک سند رسمی به طور جداگانه به سفارتخانه تهران ابلاغ شده است.³ در سندی رسمی به تاریخ 29 ربیع الآخر 1315 هجری قمری که در وزارت خارجه عثمانی تنظیم شده است، تمام این موارد از جمله حواله شدن حقوق معوقه مربوط به این سال (ه.ق 1315) و هزینه سفر شمس‌الدین بیگ به حسابداری و بررسی دوباره این موضوع در وزارتخانه بیان شده و مورد تأیید قرار گرفته است.⁴ مأموریت شمس‌الدین بیگ زمانی که در استانبول بود در 24 رجب آغاز شده است و هم زمان به مأموریت سلف* وی در تهران پایان داده شده است.⁵ حقوق معوقه شمس‌الدین بیگ هم زمان با انتصاب وی به سفارت تهران پرداخت شده و هم چنین پس از این، حقوق وی از درآمد حاصله‌ی کنسولگری عثمانی در کرمانشاه توسط بانک به طور منظم پرداخت شده است.⁶ شمس‌الدین بیگ همراه خانواده‌اش به تهران آمد اما چون آن‌ها به آب و هوای تهران عادت نداشتند، تصمیم گرفت تا

¹ İ. HUS. 56. 103

² B. E. O. 650. 48680

³ İ. HUS. 55. 117

⁴ İ. HR. 356. 35

*منیر بیگ قبل از تجدد شمس‌الدین سفیر بوده که بعد از یک سال خدمت او به جای وی تجدد شمس‌الدین بیگ می‌آید. (1897م)

⁵ İ. HUS. 59. 68

⁶ İ. HUS. 62. 29

خانواده اش را به استانبول بازگرداند و به دلیل غیبتش در مدت این سفر، در اداره امور سفارت تهران به مشکل برخورد.¹ اما مدتی بعد "ناظم بیگ" والی وان را برای انجام کارهای سفارتخانه توصیه کرد، زیرا ناظم بیگ هم بر زبان فارسی و هم بر اوضاع ایران واقف بود.² در زمان فراخوان شمسالدین بیگ از والی وان برای اداره سفارتخانه تهران، وی به شهر باتوم رفته بود.³

شمسالدین بیگ پس از رسیدن به استانبول حقوق معوقه خود را به طور کامل دریافت کرد. از این مسأله چنین برداشت می‌شود که وی در تهران نیز حقوق خود را کامل دریافت نمی‌کرده است. در زمان حضور او در استانبول، تغییراتی در میزان حقوق سفیران و هزینه سفر آنها انجام شد. چون میزان حقوق سفرای کشورهای اروپایی در آسیا با خود اروپا متفاوت بود، بنابراین برای شمسالدین بیگ نیز مانند سفرای کشورهای اروپایی در آسیا حقوق جدیدی مقرر شد. هم چنین به اندازه یک ماه حقوق سفیر، هزینه سفر مقرر گردید.⁴

شمسالدین بیگ مأموریت خود در تهران را به خوبی انجام می‌داد، به همین دلیل طی نامه‌ای از اداره توفیق* وزارت خارجه، پرداخت دستمزد مناسبی برای پسر وی "اورهان بیگ"

¹ İ. HUS. 103. 67

² İ. HR. 383. 46

³ İ. HUS. 158. 58

⁴ İ. HR. 388. 27

* "توفیق پاشا" (1845-1936م) در زمان سلطنت عبدالحمید دوم سفیر عثمانی در آتن و لندن، وزیر خارجه و صدراعظم بوده است. به عنوان وزیر خارجه 14 سال انجام وظیفه کرده است، تا زمان "محمد رشاد پنجم" و "محمد وحیدالدین ششم" در این سمت باقی ماند. او آخرین صدراعظم عثمانی است.

در ازای انجام کارهای سفارتخانه مقرر شد و به سفارت تهران ابلاغ گردید.¹

قدرت دولت عثمانی در قرن 19 و 20 میلادی در شرق هم‌چنان حس می‌شد. زیرا دولت ایران به دلیل جلوگیری از شیوع بیماری‌ها در منطقه خلیج فارس برای برقراری قرنطینه از دولت عثمانی کمک خواسته بود. دولت عثمانی برای برپا کردن قرنطینه خانه، شرایطی را تعیین کرد. شروط خود را که تنها با حضور نیروی دریایی عثمانی و برافراشتن پرچم عثمانی در قرنطینه خانه به ایران اجازه‌ی برپا کردن آن را می‌داد، با تلگراف به دولت‌های اروپایی و ایران اعلام کرد. هم‌چنین، اجازه‌ی این کار به ایران، با شرط تعیین مأمورین مشغول در قرنطینه خانه توسط دولت عثمانی، داده شده بود. دلیل ارائه‌ی این شروط سنگین توسط عثمانی این بود که شبه جزیره‌ی عربستان جزئی از خاک عثمانی بود. همه‌ی این خواسته‌ها به شکل یک تفاهم نامه توسط صدراعظم وقت عثمانی "رفعت بیگ"، به دولت ایران ارائه شد (م 1899).² مدتی نگذشت که ایران به شروط این تفاهم نامه پاسخ داد. براساس تفاهم نامه، دولت ایران در این قرنطینه خانه از دریا و خشکی محافظت خواهد کرد، در قرنطینه خانه پرچم عثمانی برافراشته خواهد شد و مأمورین قرنطینه خانه از طرف عثمانی تعیین خواهند شد. تمام این‌ها دلیل واضحی بر وجود رقابت بین ایران و عثمانی در منطقه‌ی خلیج فارس بود. در این رقابت علاوه بر ایران و عثمانی کشورهای اروپایی نیز حضور داشتند، زیرا برای امضای این تفاهم نامه به دولت ایتالیا تلگراف فرستاده شد و تأیید دولت‌های اروپایی نیز گرفته شد. وزیر خارجه

¹ I. HR. 407. 27

² Y. A. HUS. 394. 102 /1

وقت، "توفیق بیگ" این مسأله را به پادشاه اطلاع داده و تلاش کرد هرچه سریع تر به انجام رسد.¹

دلیل بنای این قرنطینه خانه ظهور بیماری طاعون در سواحل خلیج فارس و همه گیر بودن آن بود. اما از این بیماری بیشترین آسیب را دولت ایران دید. ولایت بغداد که از ولایات شرقی دولت عثمانی بود برای مردم ایران مقدس بود و جنازه های خود را برای دفن به آنجا می بردند. پس از ظهور بیماری طاعون، دولت عثمانی از سفر ایرانیان و فرستادن جنازه ها به عتبات عالیات به طور موقت جلوگیری کرد. والی بغداد "مجید بیگ" و سفیر تهران "شمس الدین بیگ" مأمور اطلاع دادن این اوضاع به دولت ایران شدند. در این مورد باید مرتب به استانبول گزارش می دادند و تصمیمات مربوطه را وزارت بهداشت* وقت در استانبول اتخاذ می کرد.² این تصمیمات توسط وزارت خارجه در قالب بخشنامه منتشر شده و به تمام ولایات مرزهای شرقی عثمانی ارسال شد و خواسته شده بود که تدابیر لازم در زمان کوتاهی اجرا شوند. بیماری طاعون دولت عثمانی و دولت ایران را به چالش کشیده بود و این تدابیر صورت گرفته، نشان دهنده ی قوی

¹ Y. A. HUS. 394.102/2

* اداره بهداشت در دولت عثمانی در 1847م برپا شده است. با شیوع بیماری طاعون اهمیت این اداره افزایش یافته است. تا سال 1894 درمانی برای بیماری طاعون یافت نشده است و این بلا جان بسیاری از انسان ها را گرفته است. در بسیاری از روزنامه های داخلی و خارجی آن دوره (1844-1899) راجع به این بیماری مقاله نوشته شده است. در طول 150 سال در نقاط مختلف عثمانی این بیماری به دلیل وجود جوندگان و شرایط بد زندگی مردم دیده شده است. در دهه 1830م با انجام تدابیر لازم و قرنطینه های شدید از ورود جوندگانی مانند موش به مناطق مختلف توسط کشتی ها جلوگیری شده است و توسط مجلس امور صحیه جهت اتلاف موش ها در شهرهای وبا زده، یک تعلیمات نامه نوشته شده است.

² A. MKT. MHM. 578.20 /1

بودن بینش اجتماعی و توجه این دو دولت به مردم خود بوده است.¹

با ضعیف شدن حکومت‌ها مشکلات بسیاری در دولت به وجود می‌آید، این مسأله در اواخر دوره‌ی قاجار در ایران نیز دیده می‌شود، طوری که با انحطاط دولت، این دولتمردان بودند که بر تصمیمات شاه اثر می‌گذاشتند. شاه بسیاری از تصمیمات را با مشورت این افراد می‌گرفت، اما این افراد در راستای منافع خویش شاه را وادار به تصمیم‌گیری می‌کردند. این وضعیت باعث ناامنی و شورش در نقاط مختلف کشور شده بود. نمونه‌ی بارز این قضیه در اواخر دوره قاجار و زمان سلطنت "مظفرالدین شاه" که پس از قتل پدرش "ناصرالدین شاه" به مسند حکومت رسیده بود، رخ داده است. بعضی از دولتمردان و رجال حکومتی در این دوره هم به دنبال منافع خود بودند. در این دوره‌ی خاص، سفیر عثمانی در تهران شمس‌الدین بیگ است. با انتصاب شمس‌الدین بیگ روابط ایران و عثمانی رو به پیشرفت گذاشت. این وضعیت باعث ناخشنودی برخی دولت‌های اروپایی شد و افراد وابسته به خود در دولت ایران را به حرکت درآوردند.

یکی از این افراد "مجتهد آقا سید عبدالله"، از بنیانگذاران مجلس ملی ایران است. طبق اخباری که از سفارت تهران آمده بود، این شخص برای روس‌ها کار می‌کرد.² این مسأله نشان دهنده‌ی افزایش تأثیر روس‌ها بر دولت قاجار در سال‌های آتی می‌باشد. برخی رجال وابسته به روسیه و انگلیس که نفوذ بالایی در حکومت قاجار داشتند، تلاش کردند تا مردم، مجلس و روزنامه‌های آن دوره را در مقابل عثمانی تحریک کنند. به این ترتیب می‌خواستند تأثیر عثمانی بر ایران را کاهش

¹ A. MKT. MHM. 578. 20/2

² Y.MTV. 302/99

دهند. این فشارها به قدری افزایش یافت که باعث شد صدراعظم وقت ایران مجبور به استعفا شود. به جای او احتشام السلطنه که از خاندان قاجار بود به صدارت رسید. اما نفوذ قدرت عثمانی به قدری بود که وی نیز طرفدار صلح و مدارا با این دولت بود. زیرا احتشام السلطنه زمانی که سفیر ایران در برلین بود، هم اروپا و هم عثمانی را از نزدیک شناخته بود، بنابراین قدرت عثمانی را به خوبی درک کرده بود. در این دوره سلطان عثمانی، عبدالحمید دوم بود. احتشام السلطنه اتحاد دو قدرت بزرگ دنیای اسلام در برابر استعمارگران اروپایی را می‌خواست، به همین دلیل طرفدار حفظ روابط با عثمانی بود.

در این حین آقا سید عبدالله وابسته به روسیه، به کارهای منافقانه خود ادامه می‌داد. دولت ایران روزنامه‌هایی را که علیه دولت عثمانی اخبار منتشر می‌کردند، در پستخانه‌ها توقیف کرد. سید عبدالله با استفاده از نفوذ خود در مجلس برای پایان دادن به این غائله به شاه سه روز فرصت داد تا سربازان عثمانی را از مرزهای ایران خارج کند. روسیه با بهره‌گیری از سید عبدالله می‌خواست نفوذ عثمانی در دولت ایران را از بین ببرد. همچنین مشاهده می‌شود به دلیل قدرت زیاد سید عبدالله، وی توانایی تهدید شاه را نیز داشته است. او برای تأثیرگذاری بیشتر بر مردم، شاه را تهدید کرد که اگر شروط درخواستی‌اش اجرا نشود به تنهایی به مرزهای عثمانی رفته و با سپاه عثمانی خواهد جنگید.¹ به این منظور شمس‌الدین بیگ با استفاده از روابط حسنه‌ی خود با شاه، تلاش کرد اوضاع را آرام کند. پس از ملاقات با شاه و رسیدن به توافق، شمس‌الدین بیگ توانست دوستی شاه را نیز به دست آورد. یکی از دلایل عزل وی نیز وجود این

¹ Y.MTV. 302/99

صمیمیت با شاه بود.¹ این دوره از تاریخ برای دولت ایران بسیار افت و خیز داشت. پس از مرگ مظفرالدین شاه و به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه، رئیس مجلس وقت در خصوص روابط ایران و عثمانی نظر مثبتی داشت. وی با سخنرانی در صحن مجلس تأثیر افکار سید عبدالله را کاست و عده‌ای از اعضای مجلس برای مذاکره با سید عبدالله و پایان دادن به غائله نزد او فرستاده شدند. مجتهد که پایان خوبی را در پیش نمی‌دید، پا پس کشید. این اطلاعات توسط "خلیل رضا"^{*} از سفارت تهران هر هفته در قالب گزارشی به منظور در جریان گذاشتن استانبول از وقایع ایران، نوشته و ارسال می‌شده است.²

هم زمان با این حوادث در تهران، در بغداد که از ایالات شرقی عثمانی بود، انگلیسی‌ها برای روحانیون و علمای ایرانی بدون هیچ دلیلی، حقوق و مستمری پرداخت می‌کردند. در تحقیقاتی که بر روی این مسأله انجام شده، وجود اهداف شوم انگلیسی‌ها برای این منطقه برداشت می‌شود. مشخص نبود پرداخت این پول‌ها از چه زمانی، برای چه و با چه هدفی بوده است.³ اما بعدها مشخص شد که انگلیسی‌ها با هدف تفرقه در سرزمین‌های عثمانی در این مناطق تخم فتنه پراکنده‌اند، زیرا در جنگ جهانی اول اعراب از انگلیس حمایت کرده و در مقابل عثمانی قرار گرفتند.

یکی از اهداف اصلی انگلیس سوء استفاده کردن از ویژگی‌های مذهبی ایران و عثمانی و در مقابل هم قرار دادن این دو

¹ Y.MTV. 302/99

^{*} سلیمان عسکری بیگ که برای بصره تعیین شد، به جای وی خلیل رضا به دایره Ayni eser عنوان رئیس تشکیلات مخصوصه وارد شد. تشکیلات مخصوصه استخبارت عثمانی است.

² Y.MTV. 302/99

³ Y.MTV. 285/14

دولت بود، به همین دلیل برای گسترش مذهب تشیع در بغداد و مناطق اطراف آن تلاش بسیاری کرده است. عثمانی هم با استفاده از قدرت خود در منطقه در مقابله با این نقشه انگلیسی‌ها اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام داده بودند، بهترین آن‌ها ساخت مدارس و دقت لازم در انتخاب افراد استخدامی در ادارات دولتی بود.¹ برای پی بردن به این مسأله کافی است به بخشنامه ای که توسط آلوسی زاده* با موضوع «لایحه ای برای مانع شدن از شیعه گری در عراق» بوده و در میان اسناد موجود است مراجعه شود.

در هنگام برپایی این فتنه‌ها در سرزمین‌های عثمانی، در ایران نیز اتفاقاتی در حال رخ دادن بود که بنیان حکومت را به لرزه در می‌آورد. مهم ترین این اتفاقات مشروطیت بود. این واقعه در نامه‌ای رسمی که شمس‌الدین بیگ به استانبول ارسال کرده است، به طور مفصل و با جزئیات کامل شرح داده شده است.

در گزارشی که به دستور شمس‌الدین بیگ تنظیم شده بود آمده است که دولت ایران برخی تصمیمات را به اجبار عده‌ای از دولتمردان و علما گرفته است. مانند تمام دنیا، در ایران نیز جامعه به اقشار مختلفی تقسیم بندی می‌شد. در این میان قوی ترین قشر، علما بودند. مهمترین قشر نیز عوام و مردم عادی بودند. مانند همه جای دنیا قشر روحانی در ایران توانایی لازم برای هدایت مردم در مسیر مشخصی را داشتند. از مهمترین دلایل این موضوع نقش بزرگ و تأثیرگذار دین در جامعه‌ی ایران بود. روحانیون برای حفظ منافع خود در مواقعی که با حکومت اختلاف پیدا می‌کردند،

¹ Y_EE_8_9_1_1

* آلوسی زاده شاکر در سال 1906 درباره‌ی موضوع ایران و شیعه برای عبدالحمید دوم گزارشی را آماده کرده است.

رو در روی حکومت می‌ایستادند. با این کار روحانیون دولت و تمام بخش‌های آن دچار ضعف می‌شد. دلیل دیگر تضعیف دولت در این دوره حواله کردن امور اداری و دولتی در ایالت‌های مختلف بود که به منظور تسریع در انجام امور صورت می‌گرفت. فرآیند مشابه این در دولت عثمانی هم دیده می‌شود. هم زمان با ضعف شدن عثمانی، به دلیل نیاز به پول نقد در دولت، برخی عرصه‌ها و املاک در ازای درآمد حاصله از آن به اشراف* واگذار شده بود. تنها تفاوت آن با ایران عدم وجود روش احاله است.¹ در ایران ساز و کار دادگاه‌های حقوقی و جزایی، بر اساس شرع و دین بود و با قوانین تنظیم شده بر مبنای اسلام توسط روحانیون اداره می‌شد، این مسأله باعث تسریع سقوط دولت شده بود. در این دوره احکام دینی که برخی روحانیون از آن‌ها برای منافع خویش استفاده می‌کردند جلب نظر می‌کند.

اداره‌ی گمرکات ایران به یک بلژیکی به نام "موسیو نوز" که برای دولت کار می‌کرد واگذار شد. همین مسأله در ایران به انقلاب مشروطه منجر شد. این شخص با این که موجب درآمدزایی برای گمرک ایران شده بود اما حضورش موجب نارضایتی مردم بود و به دلیل واگذاری انحصاری گمرک کشور به یک خارجی اعتراضات دامن گرفت. این گونه برداشت می‌شود که مردم ایران در مقایسه با مردم عثمانی زودتر متوجه نیات استعماری اروپایی‌ها شده بودند و صدای اعتراض خود نسبت به این مسأله را به گوش دولت رساندند. هم روحانیون

* صنفی سیاسی که در عثمانی در سال 1702 م به نام دولت مالیات جمع می‌کرده اند و به عنوان والی آن منطقه تعیین شده بودند و با قدرت گرفتن توانسته بودند نیروی نظامی برای خود تشکیل دهند و در زمان‌هایی که دولت تضعیف شده بود نفوذ و تأثیر زیادی داشتند.

¹ Mustafa Akdağ, Osmanlı Tarih'inde Ayanlık düzeni, Tarih Araştırmaları Dergisi s. 52-61, 1963

و هم دولتمردان خواستار بازگرداندن اداره‌ی گمرک به خود ایرانی‌ها بودند. علی‌رغم شکایت مردم به "عین الدوله" صدراعظم وقت، به دلیل اداره شدن خوب گمرک توسط موسیو نوز، شاه حاضر به عزل وی نشد. صدر اعظم که به دنبال منافع خود بود، احکام صادره را با استفاده از زور و بی‌رحمانه اجرا کرد و بسیاری از مردم را تبعید و روحانیت را که حامی مشروطیت بود تحت فشار قرار داد. همه‌ی این‌ها باعث می‌شد تا درهای مشروطیت کم‌کم برای مردم باز شود. در پایان این وقایع در ایران شورش شد (1906م). در ملاقاتی که بین صدراعظم و نمایندگان معترضان صورت گرفت، بازگرداندن اداره‌ی گمرکات کشور به ایرانی‌ها و انجام اصلاحات حقوقی درخواست شد. این خواسته‌ی معترضان پذیرفته شد و پس از توافق، روحانیونی که تهران را ترک کرده بودند از قم بازگشتند. اما روحانیون یک مسأله را در نظر نگرفته بودند و آن کینه‌ی صدر اعظم بود. پس از بازگشت روحانیون، صدر اعظم برخی از دولتمردان و علما را تبعید کرد. تبعید بی‌دلیل رهبر روحانیون باعث گسترش اعتراضات شد. در نتیجه‌ی این احکام تبعید، بسیاری از مردم به سفارت عثمانی پناه بردند، در میان آن‌ها رؤسای قبایل نیز بودند که حکم تبعید برایشان صادر شده بود. در پی این وقایع مردم و روحانیون در مسجد جامع تجمع کردند و خواستار اخراج بلژیکی‌ها و عزل صدراعظم شدند. هیأتی که در صدد رساندن خواسته‌ی مردم به شاه بود از ورود به کاخ منع شد. در درگیری بین معترضان و سربازانی که مأمور متفرق کردن آن‌ها از مسجد بودند، یک طلبه و بسیاری از مردم مجروح شدند. روحانیون و برخی دولتمردان و اشراف نیز که دیگر تحمل این وضعیت را نداشتند، تهران را ترک کرده و به شهر قم رفتند. مانند همه مردم دنیا، مردم ایران نیز وقتی چاره نمی‌یافتند به مقدسات خود پناه

می‌بردند. مردم تهران و روحانیونی که در تهران باقی مانده بودند نیز به سفارت انگلیس پناه بردند. با پخش اخبار پایتخت در کشور مردم از شهرهای دیگر مانند تبریز، زنجان و اصفهان به قم رفته و به روحانیون پیوستند. بدین ترتیب بار دیگر قدرت متحد کننده‌ی دین، خودش را نشان داد. سرانجام کارگزار سفارت انگلیس با بیان این که حق با مردم و روحانیون است از شاه درخواست پایان غائله را می‌کند، در نتیجه صدراعظم استعفا می‌دهد و شاه از روحانیون می‌خواهد که به تهران بازگردند. معترضان خواستار تشکیل یک مجلس متشکل از نمایندگان منتخب خود و تأیید این مجلس توسط شاه شدند. این کار که مردم حتی مفهوم آن را نمی‌دانستند بعدها باعث فروپاشی دولت شد. به دلیل ضعیف بودن دولت از نظر اقتصادی و سیاسی و همچنین در کمین بودن دولت‌های استعمارگر مانند انگلیس، فرانسه و روسیه برای سوءاستفاده از این ضعف، شاه به ناچار خواسته‌های مردم را پذیرفت. گفته می‌شود از تاریخ 18 شعبان 1324 ه. ق این مجلس به طور منظم تشکیل شده است. شاه تلاش کرد تا طرفداران تشکیل مجلس را منصرف کند اما نتوانست. ولیعهد محمدعلی میرزا اعتقاد داشت پدرش در حال بیماری فرمان مشروطیت را امضا کرده و به همین دلیل تصمیمات تندی در مورد مجلس گرفت و مخالفان تشکیل مجلس را به سمت خود جذب کرد.¹

شمس‌الدین بیگ اتفاقات رخ داده در ایران را لحظه به لحظه گزارش کرده و به اطلاع پادشاه رسانده است، بر اساس این گزارش‌ها دولت عثمانی تدابیر و اقدامات لازم برای جلوگیری از این وقایع را انجام داده است.² در واقع با این

¹ Y. PRK. EŞA 49/83

² حسن حضرتی، گزارش شمس‌الدین بیگ (سفیر عثمانی) از تحولات مشروطه در

گزارش‌ها، عثمانی هم در جریان امور ایران بوده و هم از نیات دولت‌های اروپایی در منطقه باخبر می‌شده است. نفوذ روسیه بر ایران آشکارا دیده می‌شود و حوادث روسیه مستقیماً بر ایران تأثیر گذاشته است. زیرا معترضان با الگو گرفتن از روسیه اقدام به فعالیت‌های اعتراضی خود کرده بودند.

در زمان سفارت شمس‌الدین بیگ در تهران، دولت ایران و وضعیت اداره‌ی کشور بسیار ضعیف بود. در این دوره مظفرالدین شاه که وضعیت جسمانی خوبی نداشت و بیمار بود، تصمیمات خودکامانه‌ای گرفت. این تصمیمات مملکت را بیشتر دچار بحران کرد و باعث بروز شورش‌های مختلف به دلایل گوناگون در تهران شد (1906م). به دلیل کارهای سودجویانه‌ی افراد دربار و رعایت نکردن حقوق ملت، تأثیرگذارترین قشر جامعه یعنی روحانیون نیز از مردم و اعتراضات حمایت کردند. تحت تأثیر الگوهای سیاسی اروپا و بر اثر اعتراض مردم و علما سرانجام مجلس تشکیل شد. اما مدتی بعد شاه بعضی از وکلای مجلس را به سمت خود آورد و جلوی اعتراضات را گرفت و تلاش کرد در مجلس نفوذ کرده و تأثیرگذار باشد. افرادی که به تشکیل مجلس معتقد نبودند با جسارت گرفتن از این اقدامات شاه، در نقاط مختلف ایران شروع به شورش کردند. در این حین شمس‌الدین بیگ بدون کمک از سفرای دیگر کشورها به حضور شاه رفت و درخواست کرد تا با بزرگان دولت اختلاف را کنار گذاشته و کنار بیاید. در این حین بود که دولت ایران به سمت بحران بزرگی پیش می‌رفت.

پس از افتتاح مجلس، شمس‌الدین بیگ نامه‌ای جهت تبریک و تشویق در روزنامه‌ها منتشر کرد و به این شکل نامه را به شاه هم رساند. وی مانند همه‌ی وقایع دیگر این اتفاقات را

نیز به طور کامل به استانبول گزارش داد. وجود مهر و امضای شمسالدین بیگ در پایین این سند¹ نشان دهنده‌ی ثبت این وقایع توسط او می‌باشد. پس از انتصاب شمسالدین بیگ به سفارت تهران، بهبود روابط ایران و عثمانی تسریع یافت. وی این بهبود روابط را در نامه‌های خود نیز آورده است. پیش از این دولت عثمانی وقایع و امور ایران را دنبال نمی‌کرد، اما به دلیل تاریخ، مرزها، دین و سرنوشت مشترک، دو ملت هیچ زمانی از هم جدا نبوده اند. شمسالدین بیگ به خاطر همه‌ی این تفاوت‌های سیاسی و مذهبی دو کشور، تلاش بسیاری کرده تا کمترین لطمه به روابط فرهنگی و اقتصادی ایران و عثمانی وارد شود. (مشخص نیست که دلیل عزل شمسالدین بیگ از سفارت، اعلام مشروطیت در ایران بوده است یا نه) واضح ترین گواه این موضوع این است که پس از 1823م به جز اختلافات کوچک مرزی، بین ایران و عثمانی هیچ جنگی در نگرفته است. در واقع دولت ایران با عثمانی هیچ اختلافی نداشت، اما دولت‌های استعمارگر اروپایی افکار دیگری داشتند. زیرا هم انگلیس و هم روسیه، ایران را در مقابل عثمانی تحریک می‌کردند. شمسالدین بیگ از زیان‌های احتمالی ناشی از این تحریکات جلوگیری کرد. (دولت‌های اروپایی همین توطئه‌ها و تحریکات را در خاک عثمانی نیز انجام می‌دادند) مرور دوران سفارت شمسالدین بیگ در تهران نشان می‌دهد که روابط ایران و عثمانی بسیار خوب بوده است. وی در محکم کردن این رابطه موفق بوده و آن را بر پایه‌های استواری بنا کرده است.

پس از مرگ مظفرالدین شاه به جای او محمدعلی شاه بر تخت نشست، مردم از شاه خواهان اصلاحات بودند. به دلیل ضعف اقتصادی و نظامی دولت و بی‌لیاقتی شاه، وی در امور

¹ Y. PRK. EŞA. 49.83

مملکت درمانده بود و این باعث افزایش اعتراضات شد. سرانجام شاه مجبور به امضای قانون اساسی شد. اغتشاشات در کوچه و خیابان باقی نماند و به مجلس نیز سرایت کرد و باعث اختلاف نظر بین وکلای مجلس شد. همه این وقایع از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای ایران گران تمام شد. زیرا در بعد اجتماعی اعتماد ملت به دولت کاهش یافت و بسیاری پس از این اتفاقات به کشورهای دیگر کوچ کردند و به همین دلیل اقتصاد و تجارت روز به روز و پسرفت می‌کرد. مردم ایران که نقش مهمی در صحنه‌ی سیاسی دنیا داشته و 3000 سال مستقل زندگی کرده بودند، اکنون اختیارشان به دست کشورهای استعمارگر اروپایی افتاده بود.

کسانی که کوچ نکرده و در وطن خویش مانده بودند به انگلیسی‌ها و روس‌ها پناه بردند و در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی عثمانی در همه‌ی این سال‌ها بی‌نتیجه ماند. پس از فسخ قراردادهای مختلفی که بین ایران و استعمارگران (روسیه، انگلیس و فرانسه) بسته شده بود، نیت واقعی آنان مشخص شد. زیرا برای تسلط بر ایران و تقسیم شمال و جنوب کشور، روسیه و انگلیس توطئه‌هایی چیده بودند. فرانسه اهمیتی به اقدامات این دو کشور در ایران نمی‌داد و آن‌ها را نادیده می‌گرفت. دولت ایران که تضعیف شده بود توانایی مقابله با این توطئه‌ها را نداشت. ایران میدان رقابت برای روس و انگلیس شده بود و این موضوع برای عثمانی و سفارت آن در تهران مشکلات زیادی به وجود آورد. انگلیس تهدیدی برای ایران بود و نابسامانی‌های این کشور، مسلمانان هند را نیز به خطر انداخته بود. روسیه نیز برای اشغال ایران منتظر فرصت مناسب بود. تمام این‌ها دنیای اسلام را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌داد، زیرا دو قطب دنیای اسلام یعنی ایران و عثمانی در حال فروپاشی بودند. شاه برای مقابله با این اوضاع تصمیماتی را اتخاذ

کرد، اما این تصمیمات بیشتر در جهت منافع خود شاه بود و هرچه تلاش کرد دولت را از بحران سیاسی و اقتصادی خارج کند موفق نشد. یکی از مهمترین تصمیمات شاه بر سر کار آوردن دوباره "امیر بهادر جنگی" بود. وی صاحب¹ یکی از روزنامه‌های آن دوره و فرمانده سابق گارد محافظ ناصرالدین شاه بود که از خدمت عزل شده بود. امیر بهادر با هدف بازگرداندن نفوذ و حیثیت شاه در جامعه، با صاحبان روزنامه‌ها که مانند خودش از رجال و علما بودند همکاری کرد. هم چنین برای حفاظت از شاه و کاخ، سپاهی متشکل از 200 نفر پیاده و 800 نفر سواره ترتیب داد.

رئیس مجلس از ترس سوءقصد، به انگلیسی‌ها پناه برد. جمعیت زیادی به تهران آمده بودند تا از شاه حمایت کنند و معلوم نبود از کدام شهرها آمده بودند، این مسأله آتش معرکه را بیشتر کرده بود. دولت ایران بالقوه توانایی مقابله با وقایع داخلی و خارجی را داشت اما برای این منظور ابتدا باید امنیت جانی و مالی مردم فراهم می‌شد. ولی از نظر شمس‌الدین بیگ شاه توان و اقتدار لازم برای پایان دادن این اوضاع را نداشت. همه‌ی این‌ها باعث شده بود ایران علناً به اشغال خارجی‌ها دربیاید. این اتفاقات سفارتخانه کشورهای دیگر را نیز به هراس انداخته بود. عثمانی، اطیش و فرانسه به سفارتخانه‌های دیگر کشورها جهت بازگرداندن ایمن و راحت کارمندان خود به کشورشان کمک کردند. در نتیجه اعتماد شاه و مردم به عثمانی بیشتر شد. درگیری بین مشروطه خواهان و نیروهای شاه یک هفته طول کشید و شاه ناچار برای جلوگیری از ادامه‌ی شورش‌ها، درخواست مشروطه خواهان را پذیرفت. شمس‌الدین بیگ در خصوص

¹ Selda kılıç, iran'da ilk Anayasal Hareket "1906 Meşrutiyet" Ankara üniversitesi dil Tarih Coğrafya Fakültesi, s.10

این وقایع، نامه‌ای به مجلس ایران نوشت و در آن نگرانی خارجی‌ها و سفارتخانه‌های آن‌ها از حوادث پیش آمده را ابراز کرد و تقاضای جلوگیری از اغتشاشات را کرد.¹

در واقع این وقایع برای عثمانی نه سودی در پی داشت و نه زیان. دولت‌های اروپایی قصد داشتند با استفاده از قدرت خود در ایران میان ایران و عثمانی اختلاف به وجود آورند. در نتیجه باید از این مسأله پیشگیری می‌شد. روسیه و انگلیس به قدری نفوذ داشتند که به راحتی در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند. شمس‌الدین بیگ در مدت مأموریت خود این گونه دخالت‌ها را در گزارش‌های خود ثبت کرده است. اتهامات بی اساسی به شمس‌الدین بیگ زده شده است که وی در نوشته‌های خود آن‌ها را رد کرده و بر محق بودن خود تأکید کرده است. وی در عین حال تلاش بسیاری کرده تا تمام وظایفش را به نحو احسن انجام دهد. سرانجام شمس‌الدین بیگ در ابتدای سال 1908م بعد از حوادث مربوط به مشروطه در ایران از سمت خود عزل و به استانبول فراخوانده شد. دلایل عزل وی صمیمی بودن با مظفرالدین شاه و مظنون به سهمیم بودن در اعلام مشروطیت ایران بود.²

برخی مسائل و وقایع اجتماعی میان دولت ایران و عثمانی ابعاد سیاسی پیدا کرده بودند. یکی از این‌ها مرگ وکیل الدوله بود که تبعه ایران شده بود و پس از مرگ مشکلاتی در تقسیم میراث و اموالش به وجود آمد. وراثت او، هم از ایران و هم از عثمانی بودند. دولت عثمانی برای حل این مشکل شمس‌الدین بیگ را مأمور کرد. پس از مرگ وکیل الدوله برای جلوگیری از غصب املاک و تقسیم اموال وی، مسأله به کنسولگری عثمانی در کرمانشاه ارجاع شد. برخی افراد با

¹ حسن حضرتی، گزارش شمس‌الدین بیگ (سفیرعثمانی) از تحولات مشروطه در ایران. مجله دانشکده و علوم انسانی دانشگاه تهران. ص. 63 تا 78

²Aynı eser

جعل سند ادعای مالکیت برخی املاک در نقاط مهم را کرده بودند. کنسولگری فهرست وزّات طرف عثمانی را درخواست کرد و مدتی بعد این فهرست آماده شد. اما به دلیل این که کنسولگری نمی‌توانست مسأله را به نتیجه‌ی مطلوبی برساند، قضیه را به سفارتخانه تهران ارجاع داد. در این حین دولت ایران برخی اتفاقات را نادیده گرفته، از غاصبان حمایت کرده و در درگیری‌ها مداخله نکرد. در این رابطه با این که از سفارتخانه کمک خواسته شده بود اما مساعدت چندانی صورت نگرفت. این مسأله 5 سال بی نتیجه مانده بود، به همین دلیل شمس‌الدین بیگ شخصاً مأمور حل این مسأله شد. یک کمیته به این منظور به ریاست شمس‌الدین بیگ تشکیل شد و اموال تمام وزّات ایرانی بین آن‌ها تقسیم شد، وزّات اهل عثمانی هم برای رسیدن به اموال خود راهنمایی شدند. شمس‌الدین بیگ کسانی که با جعل سند ادعای املاک را کرده بودند به تهران برد و از آن‌ها خواست تا ادعای خود را ثابت کنند. این افراد پس از این که نتوانستند ادعای خود را اثبات کنند به برخی املاک تجاوز کردند. این غاصبان املاک از طرف دولت ایران حمایت می‌شدند. با اینکه سفارتخانه و کنسولگری با هم همکاری می‌کردند اما به دلیل وجود برخی رجال سیاسی ایران نگرانی از به نتیجه نرسیدن مسأله احساس می‌شد.¹

در این میان مادر شاه* و فرزندان منصورالسلطنه و افراد دیگر برخی از املاک را غصب کردند. با این که حل این مسأله از عهده‌ی سفارتخانه بر می‌آمد اما دوباره به کنسولگری کرمانشاه ارجاع شد و حل مشکل در مسیر پیچیده تری افتاد. در اسناد آمده که حل نشدن این مشکل ممکن بود

¹ HR. HMS. İŞO. 9. 41

باعث شورش وزّاث و جسارت پیدا کردن بیشتر وزّاث متقلّب شود.

برخی دولتمردان و رجال سیاسی ایران اموال اتباع عثمانی را که جزو وزّاث بودند غصب کردند. کنسولگری کرمانشاه* برای جلوگیری از این مسائل اقدامات زیادی کرده بود، اما باز هم این اتفاقات تأثیر و خدش‌های چندانی بر روابط ایران و عثمانی وارد نکردند. همان طور که از این سند برداشت می‌شود، ایران و عثمانی در روابط خود مشکلاتی داشته اند و شمس‌الدین بیگ تا حد امکان برای حل این مشکلات تلاش کرده است.¹

شمس‌الدین بیگ در سال 1907 وقایع رخ داده در مرز ایران و عثمانی را به طور کامل و با تمام جزئیات به وزارت امور خارجه ایران و عثمانی گزارش داده است. در این گزارش‌ها از اقدامات سپاه ایران در این مناطق سخن گفته شده که دلیل اصلی بروز مناقشه می‌باشد. هم چنین در مورد کارهای تحریک آمیز روحانیون سخن گفته شده که نفوذ بالایی در میان حکومت و مردم داشتند و پس از این حوادث مردم را نسبت به عثمانی تحریک کرده و اعمال نامربوطی را به سپاه عثمانی نسبت دادند. در مورد ورود غیر قانونی سپاه ایران به منطقه‌ی بی‌طرف موجود در مرز و نحوه‌ی بیرون کردن آن‌ها توسط سپاه عثمانی گزارش داده است. درباره‌ی اعزام کمیسیون ویژه‌ی صلح به منطقه مذکور توسط عثمانی و عدم همکاری دولت ایران در این مورد سخن گفته است. افزایش مناقشات مرزی در سال‌های اخیر و زیان‌های مادی و معنوی

*مادر مظفر الدین شاه زن سوم ناصرالدین، شکوه السلطنه است که در سال چهارم سلطنت ناصرالدین شاه با وی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج مظفر الدین شاه است.

*سعاد افندی شهیندر کرمانشاه 1906م

¹ HR. HMŞ. İŞO. 9. 41

این اختلافات برای هر دو کشور را بیان کرده و در مورد تدابیر لازم اتخاذ شده برای همه‌ی این امور سخن گفته است.¹ جنگ‌های طولانی مدت در طی سالیان دراز میان دولت‌های ایران و عثمانی، در آغاز نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم جای خود را به روابط دیپلماتیک داد و اختلافات موجود بین دو دولت، فراتر از مناقشات مرزی نبوده است. فقط اختلافاتی که بین تبعه‌های دو کشور رخ می‌داد دولت‌ها را در برابر هم قرار می‌داد.

“رفعت پاشا” وزیر خارجه عثمانی در سال 1909، مسائل مرزی ایران و تضييع حقوق اتباع عثمانی ساکن در ایران و کارشکنی مقامات ایران در این مورد علی‌رغم اعتراضات مکرر را به اطلاع “شمس‌الدین بیگ” وزیر اوقاف همایون رساند. شمس‌الدین بیگ در جواب این نامه بیان می‌کند این اختلافات در حقیقت 50-60 سال است وجود دارد و هیچ وقت برای آن راه حلی وجود نداشته است. زیرا دادگاهی مورد قبول برای دو دولت وجود نداشته و این اختلافات ادامه یافته است. به همین دلیل تأکید می‌کند دولت عثمانی باید برای این موضوع، سیاستی قوی را در پیش گیرد و با مقامات ایران روابط بیشتری برقرار کند. دلیل ناموفق بودن تدابیر دولت عثمانی موارد مذکور می‌باشد.²

مُجّد شمس‌الدین بیگ به مدت 13 سال در ایران انجام وظیفه کرد و سرانجام در 7 فوریه 1908م از سمت سفارت عثمانی در تهران عزل شد.³ به جای وی “نصوحی بیگ” در تاریخ 14 جمادی الاول 1326ه.ق به سمت سفارت عثمانی در تهران منصوب شد.⁴

¹ Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014, ص.144-146

² Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014, ص.155-158

³ HR. HMS. İŞO. 9. 41

⁴ İ. HR. 413. 8

موضوع از پیش پرداخت شدن هزینه‌ی سفر شمس‌الدین بیگ جهت بازگشت راحت به استانبول پس از عزلش به دایره محاسبه (حسابداری) اطلاع داده شده است.¹ پس از بازگشت به استانبول برای شمس‌الدین بیگ وظایف جدیدی تعیین شد. ابتدا رئیس کمیسیون ملی آموزش و رئیس کمیسیون کارمندان دولت شد.² بعدها در نامه‌ای که «اکرم بیگ» به صدارت ارسال کرده بود انتصاب شمس‌الدین بیگ به سمت وزارت اوقاف همایون را درخواست کرد.³ مدتی بعد شمس‌الدین بیگ به ریاست اداره لوازم در نظارت اوقاف که از سازمان‌های مهم دولتی بود، منصوب شد.⁴ شمس‌الدین بیگ به خاطر خدمات شایسته‌ای که در دوره‌ی خدمت انجام داده بود، نشان سوم مجیدیه را از صدارت دریافت کرد.⁵ پس از این وی به سمت کارمند اداره ثبت اسناد منصوب شد.⁶ شمس‌الدین بیگ علاوه بر این رتبه‌های دولتی، دارای مقام و نشان‌های دیگر هم بود. به عنوان مثال زمانی که در سفارتخانه‌ی آتن سرکاتب بود، یک درجه ترفیع رتبه دریافت کرده بود.⁷

دوره‌ی قاجار را می‌توان آغازگر مناسبات رسمی خارجی در تاریخ سیاسی ایران قلمداد کرد. سفارتخانه‌ی عثمانی در تهران و کنسولگری‌های آن در تبریز، کرمانشاهان، کردستان، شیراز و همدان فعالیت می‌کردند. در این زمینه اسنادی وجود دارد که به طور منظم و مشخص در وزارت امور خارجه

¹ İ. HR. 411. 4

² İ-DUİT-00007-000104-001-001

³ İ-DUİT-00007-000104-002-001

⁴ İ-DUİT-0054-000012-001-001

⁵ İ_ DUİT _62_44_2_1

⁶ İ-DUTİ-00054-000012-002-001

⁷ İ_DH_993_78450_1_1

ایران نگهداری می‌شود. در این بخش به تحلیل اسناد فارسی امور خارجه ایران می‌پردازیم:

در پی تلگراف «شهبندر ساوجبلاغ به سفارت عثمانی در تاریخ 18 شعبان 1317 مبنی بر تکذیب تلگراف قبلی با موضوع تعرض به مال و اموال عشیره‌ای در قریه کوسه کهریز (که امروزه در بخش مرکزی مهاباد استان آذربایجان غربی واقع شده است)،¹ محمد شمس‌الدین تلگرافی را به سفارت عثمانی می‌فرستد که در آن اذعان می‌دارد مسأله تنها دزدی گوسفند بوده است و هیچ تعرضی نسبت به مال و اموال ملتجیان و قتل نفوس صورت نگرفته است، بلکه خبر دزدی گوسفندان را به مالک کوسه کهریز رسانده‌اند و وی برای تلافی، شبانه به خانه‌ی یکی از رعیت‌ها رفته و صاحب‌خانه و پسرش و یکی از اهالی کوسه کهریز را به قتل رسانده‌اند. محمد شمس‌الدین از سفارت عثمانی خواستار مجازات کریم آقای مالک کوسه کهریز می‌باشد.»¹

در همین راستا محمد شمس‌الدین با توجه به نامه‌ی ملفوف «شهبندر عثمانی مقیم ساوجبلاغ در سال 1317 به سفارت عثمانی، خواستار این است که سریعاً نسبت به وضعیت کوسه کهریز رسیدگی نمایند و همچنین سفارت کبری عثمانی سریعاً به تلگراف مذکور پاسخ دهد و از آنجایی که اصل این تلگراف برای شهبندر ساوجبلاغ است و پنهانی به سفارت فرستاده شده است، محمد شمس‌الدین خواهش می‌کند که در صورت رؤیت، آن را به وزارت امور خارجه برگردانند.

طبق این سند محمد شمس‌الدین به عنوان سفیر کبیر عثمانی به سفارت گزارش می‌دهد که تعرضات نسبت به مال و اموال پناه آوردندگان به حد افراط رسیده، به طوری که امشب نیز پنجاه یا شصت سوار به قریه کوسه کهریز تاختند و ضمن

¹ GH1317-K19-P8-3

غارت غنیمت‌های بی شمار، یک مرد کشته و یک زن و کودک نیز زخمی‌گشتند. این حرکات همگی منجر به اغتشاش و فساد در کوسه کهریز خواهد شد زیرا پناه آورندگان این غارت‌ها را بی جواب نخواهند گذاشت.¹

واژه‌ی «شهبندر» در این سند اصطلاحی فارسی است به معنی رئیس‌گمرک خانه‌ی بندری که از زمان صفویان رایج شد و به طور گسترده در تمامی بندرهای فارسی زبان و عرب زبان اقیانوس هند و دیگر بنادر مسیر رفت و آمد آن‌ها، از جمله در مالزی و اندونزی کاربرد داشت. شهبندر دریافت‌کننده‌ی مالیات و خراج و گمرک در بندر و مسئول ترخیص کالا در باراندازها و غیره بود. به محل کار شهبندر «شهبندرخانه» گفته می‌شد.²

«در دوره‌ی صفویه، رئیس‌گمرک را «شهبندر» و گمرک را «دربندر» می‌گفتند»³ در این زمان به نماینده‌ی کشور دیگر نیز شهبندر (کنسول) اطلاق می‌شد و در واقع شهبندری عثمانی در هر شهری از ایران همان کنسولگری بود. همچنین واژه «شهبندر» اصطلاح وزارت امور خارجه‌ی عثمانی در ایران در عهد قاجاریه نیز بود که خاص مأموران عثمانی بود.»

«در سال 1319 با شیوع بیماری طاعون در بصره، دولت ایران اقداماتی را برای جلوگیری از شیوع این بیماری در کشور انجام می‌دهد، با دیدن این اقدامات محمد شمس‌الدین نیز از مجلس صحنه استانبول که همان وزارت بهداشت امروزی می‌باشد، خواستار این است که نسبت به این وضعیت ایجاد

¹ GH1317-K19-P8-2

² لغت‌نامه دهخدا: شهبندر.

³ مجید یکتایی، تاریخ گمرک ایران، نشر دانش، تهران، 1354، ص 36.

شده چاره‌ای بیندیشند و همچون اقدامات دولت ایران آن‌ها نیز تدابیری را اتخاذ نمایند تا اجرا شود.¹

در آن سال، طاعون در بصره شیوع پیدا کرد و قرنطینه‌ی مردم باعث نابود شدن بازرگانی بصره و «منجر به رشد بازرگانی کویت، بحرین و سایر بنادر خلیج فارس»² شد.

«در دوم ماه شعبان 1317 مشیرالدوله به عنوان وزیر امور خارجه از احتشام السلطنه می‌خواهد تا نسبت به شکایت حاجی ابوالحسن خان تاجر که ابتدا عرض حال خود را به کنسولگری کردستان و سپس به سفارت عثمانی و از سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه فرستاده است رسیدگی نماید و همچنین مشیرالدوله در نامه‌ی مذکور بیان کرده که حاجی ابوالحسن خان شکایت خود را که راجع به حکومت گروس می‌باشد را به حضور جناب سالارالملک نوشته و ایشان نیز این گونه پاسخ داده اند که احتشام السلطنه در خصوص همین مسأله به نزد سالارالملک برود و درباره‌ی اظهارات حاجی ابوالحسن خان تاجر هر تحقیق و حکمی که صادر شود را ابتدا اعلام و سپس به سفارت عثمانی بفرستند.»³

مشیرالدوله (سپهسالار) یا همان حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار ایران از سال 1237 تا 1247 بوده است، یعنی دقیقاً در همان تاریخی که «ناصر الدین شاه سفارت ایران در دربار عثمانی را به درجه سفارت کبری ارتقا داد.»⁴ مشیرالدوله به عنوان اولین سفیر کبیر ایران تا 1250 شمسی در دربار عثمانی مأموریت داشت به طوری که میرزا حسین خان در طی

¹ GH- 1319-K19-P31-8

² <http://www.kuwait-history.net/vb/showthread.php?t=997>.

³ GH-1317-1-11

⁴ مقاله‌ی تاریخیچه روابط ایران و ترکیه در دوره پهلوی،

<http://vista.ir/article>

ده سال مأموریت خود در استانبول، توانست دوستی خوبی با رجال عثمانی برقرار کند و رضایت زمامداران عثمانی را به دیدار شاه قاجار از عتبات عالیات جلب نماید. به همین دلیل در میان اسناد، تلگرافهای مشیرالدوله نیز دیده میشوند.

و اما «محمودخان (احتشام السلطنه) قاجار (علامیر) پسر محمد رحیم خان علاءالدوله (امیرنظام) است که وزیر دربار ناصرالدین شاه بود. وی با سمت سرکنسولی راهی بغداد گردید و مأموریتش تا سال 1314 قمری به طول انجامید. در سال 1318 قمری والی کردستان شد و در سال 1320 قمری با سمت وزیرمختاری ایران عازم امپراتوری آلمان گردید. در سال 1323 دولت ایران او را به ریاست کمیسیون سرحدی و تحدید حدود میان ایران و عثمانی انتخاب نمود.»¹ احتشام السلطنه در دوره‌ی اول مجلس از سوي اعیان و مالکین نماینده‌ی مجلس شورای ملی گردید و تا سال 1326 عهده دار مقام ریاست مجلس شورای ملی ایران بود.

«در بیست و دوم شعبان 1317 محمد شمسالدین برای سفارت عثمانی مینویسد که از جانب وکیل کنسولگری همدان به وی عرض حالی رسیده است مبنی بر این که جناب حاجی آقا محمد قاضی در همدان مدتی است که درصدد تضییع حقوق مالکیت یکی از اتباع عثمانی است، به طوری که وی در ملک این تبعه عثمانی که هم جوار ملک «وکیل کنسولگری»² است و از قدیم الایام حدودش مشخص شده است جهت زراعت شخم زده و با این اقدام میخواهد که این ملک را از تبعه عثمانی بگیرد. لذا

¹ سفیر کبیر و سفارت ایران در عثمانی، محسن میرزایی، روزنامه ایران، شماره 4374 به تاریخ 8/9/88، صفحه 17.

² وکیل شهبندر یکی از اصطلاحات وزرات امور خارجه عثمانی در ایران عهد قاجار میباشد که خاص مأموران عثمانی است.

مُحَمَّد شمس‌الدین از سفارت عثمانی تقاضا کرده تا در این باره حکمی صادر شود تا بلکه بشود در مقابل عملکرد تجاوزکارانه‌ی حاجی آقا مُحَمَّد قاضی ایستاد و دیگر بیشتر از این به او اجازه ندهند که از حدود مشخص شده‌ی خود تجاوز نماید.¹

«در سال 1304 هجری قمری به فرمان ناصر الدین شاه، حکومت بندر لنگه و دیگر سواحل جنوبی کشور از شیوخ عرب منتزع و به حاج مُحَمَّد مهدی ملک التَّجَّار بوشهری سپرده شد و مشار الیه با عنوان حاکم کل بنادر جنوب با کشتی پرسپولیس به ابو موسی رفته و پرچم ایران را در آنجا نصب نمود.

ولی حکام بعدی بندر لنگه و بنادر جنوب (به واسطه‌ی نداشتن منافع مادی) توجه چندانی به این امر مهم ننموده، از هرگونه رفت و آمد و پیگیری مسائل جزایر فوق غافل ماندند و این خود سبب گردید که شیوخ شارجه (بندر عمان) به مناسبت نسبتی که با شیوخ سابق لنگه داشتند، آن نقاط را مرتع دواب و چهارپایان خود قرار داده و نهایتاً نوعی مالکیت برای خود در آن نواحی ادعا کردند، که این وضعیت تا سال 1278 هجری شمسی (1899م) که مستشاران بلژیکی گمرک به کشور ایران وارد گردیدند، ادامه داشت.²

در سال 1278 هجری شمسی اولین گروه مستشاران بلژیکی به ریاست «موسیو نوز» که یکی از اهالی بلژیک بود وارد ایران شدند و تدریجاً با حضور مستشاران بعدی نسبت به الغای رسم اجاره‌داری و تأسیس دفاتر و ادارات گمرکی در اقصی نقاط کشور (براساس سازمان‌های پیشرفته‌ی اروپایی) اقدام نمودند. مسیو نوز در دوران مظفرالدین شاه قاجار به وزارت

¹ GH-1317-1-23

² مقاله‌ی حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی، مُحَمَّد حسن صدری، زهرا شیبانیان، ص 1.

کل‌گمرکات ایران رسید و یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در آغاز جنبش مشروطه ایران شد.

«در بیست و نه ذی الحجه 1317 هجری شمسی‌الدین، از آنجایی که رئیس گمرک موسیو نوز بلژیکی جواز عبور به هفده لنگه بار مصحوب مشهدی نصرالله گاری چی را نمی‌دهد از سفارت عثمانی تقاضای صدور جواز برای سهولت در عبور برای کارکنان حامل بار می‌نماید.»¹

موسیو نوز بلژیکی به عنوان رییس اداره گمرکات ایران دست به تغییراتی زد که باعث بروز مشکلاتی برای تجار ایرانی شد و آنان را وادار کرد دست به تحصن بزنند و عزل و خلع وی را خواستار شوند.

در سند دیگر از امور خارجه ایران به یک سری تلگرافها اشاره شده است که «از جانب وزرات خارجه به صدر اعظم ارسال شده است و خواستار این هستند که مکتوبات هجری شمسی‌الدین سفیر کبیر عثمانی در تهران به علاء‌الملک ارسال گردد و ضمن اطلاع رسانی به آنها پاسخ داده شود.»² علاء‌الملک فرزند «میرزا علی اصغر مستوفی می‌باشد که مدتی در دفتر مالیه آذربایجان خدمت کرد و در سال 1290 ه. ق به عنوان وکیل کارپردازی حاجی ترخان منصوب گشت. وی سالها در سنت پترزبورگ و استانبول سفیر ایران بود. در 1308 ه. ق ملقب به علاء‌الملک گردید.»³

تلگراف دیگری از دفتر امورخارجه «در زمینه تشریف‌تور و ورود سفیرکبیر هجری شمسی‌الدین بیگ به کنسولگری بادکوبه در تاریخ 17 شوال 1318 ارسال شده است.»⁴

¹ GH-1317-1-32

² GH-1317-1-43

³ <http://www.rijaldb.com>.

⁴ 1318-1-6

«در شعبان 1317 نامه‌ای به شماره 311 و 306 به وزارت خارجه ایران از سفارت عثمانی ارسال شده است که اغنام عشیره‌ی یکی از کسان شرف بیگ غصب شده است، لذا نصرالله مشیرالدوله طی نامه‌ای به تاریخ 13 رمضان 1317 از وزرات امور خارجه به سفارت عثمانی نوید اجرای تحقیقات محلی و مشخص نمودن حقیقت موضوع را می‌دهد که بعد از دست یافتن به حقیقت ماجرا، مراتب را به اطلاع سفارت خواهد رساند. در حین این گفتگو یک اخطار کوچک نیز به آن‌ها می‌دهد که ذاتاً شرف بیگ کسی نیست که منتظر غارت خویشاوندانش بماند بلکه بلافاصله انتقام تعرض را خواهد گرفت، گواه حرف نصرالله منشی نیز این است که اگر از شرف بیگ بپرسید که سیزده قریه از قراء خوی را به چه جرمی در دو سال قبل به آتش کشیده و یا چرا سیزده نفر از مردم را به قتل رسانده و این همه قتل و غارت پی در پی در عقوبت کدام گناه عشایر بوده مسلماً هیچ جوابی نخواهد داد.»¹

نصرالله مشیرالدوله از سال 1317 ه.ق تا 1324 ه.ق در دوره‌ی قاجار مقام وزرات امور خارجه را بر عهده داشت، به طوری که در سال 1317 ه.ق بعد از فوت محسن خان مشیرالدوله (وزیر امور خارجه) معاون وی میرزا نصرالله خان به لقب مشیر الدوله و مقام وزرات خارجه نائل شد و تا سال 1324 نیز در این منصب باقی ماند. یکی از مهمترین رویدادهای دوران وزرات او واگذاری امتیاز استخراج نفت به مدت 60 سال به «ویلیام داری» می‌باشد.

«در 22 جمادی الثانی 1322 کارپرداز اول عراق در ابتدا برای پذیرفتن مأموریت کارپردازی در عراق تمایلی نداشته و قصد استعفا داشته اما الطافی را که از جانب عثمانی به او عرضه شده مانع از استعفای او شده است اما در این

¹ GH-1317-K16-P6-30

برهه به دلیل نداشتن وجه و تمکن مالی و کافی نبودن وجه دویره تذکره اتباع عثمانی نیت بر کناره گیری نموده است. او همچنین می‌افزاید که همین وجه ارسال شده هم به جیب مأموران خرده می‌رود و از همه مهمتر این که کارپرداز اول عراق متذکر می‌شود که او هم می‌تواند همانند مأمورین سابق خانقین و مأمورین گمرک از زوار دزدی کند اما خدا را گواه می‌گیرد که هرگز دزدی نخواهد کرد و دنیا را بی ارزش تر از آن می‌داند که با مشقت بگذرانندش. وی از سفارت عثمانی خواستار این است که استعفای وی را بپذیرند و مأمور دیگری را جاگزین وی کنند زیرا دیگر طاقت با سیلی سرخ کردن صورت را ندارد و یکسال ضرری را که دیده کافی می‌داند.¹ خانقین از شهرهای پرجمعیت استان دیاله در عراق در نزدیکی مرز ایران است. این شهر پیوندهای عمیقی از نظر فرهنگی و گویش با شهرهای مرزی استان کرمانشاه همچون قصر شیرین، سر پل ذهاب، گیلانغرب و شهرستان ایوان در استان ایلام دارد.

«مسعود نامی در 22 جمادی الاول 1322 به سفارت عثمانی این چنین گزارش می‌دهد که نتیجه‌ی دستورالعمل رسیده از کارپردازی اول عراق (بغداد) در رسیدگی به حرکات زشت احمد خان و تعیین تنبیه و مجازات برای او در نامه‌ای است که جناب ممتحن السلطنه منوی الیه آن را مهر کرده است. وی خاطر نشان می‌شود که جناب ممتحن السلطنه برادر مشاورالوزرا را مجبور کرده که به عنوان مترجم به همراه او به خانقین بیاید. یعنی این که همه‌ی نامه و عریضه‌ها از زیر دست او و برادر مشاورالوزرا می‌گذرد و ممتحن السلطنه برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود هر چه را که صلاح بداند در مکاتبات می‌نویسد.

¹ GH1322- K5- P1-30

مسعود منزل خود را کارپردازخانه و خودش را یک مرد ساده‌ی ایرانی می‌داند که به دلیل بی‌تربیتی و سوءرفتارهای احمد خان عرض حالی را برای وزرات امور خارجه می‌نویسد که در کدام قانون آمده است که به حرفهای ما توجه نشود و از روی چه قاعده و قانونی احمد خان بی‌تقصیر است که او را مجدداً به محل مأموریت خود فرستاده‌اید در حالی که به مأمور رسمی در محل دولتی بی‌احترامی کرده است. مسعود همه‌ی این رفتارهای کارپردازی اول عراق را چه در انظار خارجی و چه در انظار داخلی مناسب دولت نمی‌داند. لذا مسعود عاجزانه خواهش می‌کند که طرفین یا در ایالت کرمانشاه و یا در وزرات خارجه حاضر شوند تا به این مسأله رسیدگی شود.¹

مسعود به سفارت عثمانی گزارش می‌دهد که «در حدود ممالک محروسه نظم و نظام برقرار است و عموم زوار و عابرین در آسایش هستند اما در خاک عثمانی این گونه نیست و مسیر با تشویش و بی‌نظمی همراه است و زوار و اموال تاجرین را غارت می‌کنند و اینها همه ناشی از عدم تسلط حکومت بر عشایر و اشقیاست. دزدان از کرکوک و موصل وارد خاک عراق می‌شوند و اموال را به محل خود می‌برند. به طور مثال چند روز قبل یکی از عشایر شیعه که در خانقین ساکن است از قافله‌ی پشتکوه‌های خانقین و پشتکوه نزدیک صد و پنجاه حیوان و یک هزار تومان پول نقد و اجناس غارت نموده و به خاک یعقوبیه برده‌اند. البته در این خصوص با حکومت خانقین و حکومت بغداد مذاکره شده است اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است. مسعود خاطر نشان می‌شود که روند این مذاکرات را پیگیری خواهد کرد و با اجرای تکالیف مأموریتی خود مراقب مقاصد زوار است.

¹ GH1322- K5- P1-31

در انتهای گزارش مسعود می‌نویسد که در این زمینه هنوز آقای یمین الممالک جوابی نداده اند و در گذشته جواب‌ها را به اداره‌ی تذکره نزد اعتلاءالملک می‌فرستادند که تاکنون جوابی از آن‌ها هم برای ما فرستاده نشده است.¹

یمین الممالک «در بیست سالگی وارد وزارت امور خارجه شد و در سال 1302 ه.ق به ریاست اداره عثمانی رسید و در سال 1313 ه.ق ملقب به یمین الممالک شد.»² وی از سال 1323 ه.ق تا سال 1327 ه.ق در دوره‌ی قاجار در کنسولگری ایران در بغداد بوده و همچنین ریاست اداره تذکره و محاسبات را بر عهده داشته است. وی در 1334 ه.ق به کمک برادرش محتشم السلطنه، معاون وزارت امور خارجه شد.

مسعود مجدداً به کارپردازی علیه ایران می‌نویسد که «در حال حاضر مشغول اجرای امور کارپردازی و تسهیل عبور زوار می‌باشد و همچنین می‌نویسد که در راستای رسیدگی به این امر به مدت یک هفته است آقای مشاورالممالک از خانقین به ایران و احمد بیگ نایب سابق کارپردازی خانقین به بغداد آمده اند تا با رایزنی‌های ممکن مجدداً به عنوان مامور خانقین انتخاب بشود و این در حالی است که احمد بیگ فردی بی سواد است و در حق زوار رذالت‌های زیادی کرده است و به دلیل بدنامی‌هایی که در گذشته داشته دیگر شایسته نیست که به این سمت گماشته شود. مشاورالممالک چندی پیش احمد بیگ را وکیل امور کرده بود و بعد از آن که بنده (مسعود) به محل مأموریت خود اعزام شدم، احمد بیگ را به خانقین روانه ساختند و متأسفانه در آنجا هم به خاطر عمل شنیع و تجاوز به یک زن راهی محکمه عدلیه عثمانی شد و محکوم به حبس گردید و بعد از گذراندن دوران حبس به بغداد آمد اما

¹ GH1322- K5- P1-32

² <http://www.rijaldb.com>.

مشاورالممالک برای این که حکومت را در مقابل رفتارهای احمد بیگ ساکت کند به خانقین آمده تا امور کارها را به هم بریزد و در آنجا وی منتظر ورود ممتحن السلطنه است تا به محض رسیدن ایشان اسباب عزل مرا (مسعود) فراهم سازد. لذا مسعود از کارپردازی علیه ایران می‌خواهد که با همین مواجبی که جهت خدمت می‌گیرد در پست خود باقی بماند.¹

«در تاریخ 16 ذی القعدة 1322 مجدداً نصرالله مشیر الدوله به ممتحن السلطنه من باب رفتارهای نادرست احمد بیگ که در حال حاضر به مأموریت خانقین رفته اخطار می‌دهد که اجازه ندهد احمد بیگ و کسانش نسبت به اتباع ایرانی بی عدالتی نمایند و اگر نه مسبب اصلی شکایت مجدد اتباع ایرانی از بی عدالتی در خانقین شخص ممتحن السلطنه خواهد بود.»²

همان طور که در این سند و دو سند قبلی مشاهده می‌نماییم، کارپردازان عثمانی نسبت به مسأله‌ی اهانت و غارت زوار حساس هستند و این موضوع برای ایران و دولت عثمانی بسیار حائز اهمیت است زیرا در سالهای پیش از تاریخ این اسناد دولت عثمانی به طور کلی با افزایش شیعه در بلاد عراق و عتبات مقابله می‌کرده است، در همین بحبوحه عتبات عالیات به یک منطقه جنجالی فکری بین شیعه و سنی تبدیل شده بود. به طوری که «حکومت عثمانی نمی‌توانست حضور شیعیان ایرانی را که رقیب امپراتوری خود قلمداد می‌کرد در قلمرو حکومتش تحمل کند.»³ سیاست مأموران عثمانی در قلع و قمع و سرکوب عشایر و ساکنین بعضی از شهرهای بین النهرین به ویژه نجف و کربلا در ادامه‌ی این سیاست بود. از طرفی دیگر رفت و

GH1322- K5- P1-31 و GH1322- K5- P1-30 و GH1322- K5- P1-33 و GH1322- K5- P1-35 و GH1322- K5- P1-37 و 21. سند

² GH1322- K5- P1-38

³ عبدالحلیم الرهیمی، تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه نجف نبی ابراهیمی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی-تهران، 1375، ص 107

آمد کاروان‌های زیارتی و تجارتی به عتبات عالیات رابطه‌ی دو جانبه‌ای با رونق اقتصادی دولت عثمانی در این ناحیه داشت. زیرا علاوه بر کالاهایی که زائران ایرانی به عتبات عالیات برده و در آنجا داد و ستد می‌پرداختند و از این طریق سود هنگفتی عاید دولت عثمانی می‌شد، عوارض گمرکی که ماموران عثمانی بر این کالاها می‌بستند را نیز باید در نظر گرفت.

«نصرالله مشیر الدوله در تاریخ 9 ذی الحجه 1322 به ممتحن السلطنه مبنی بر اینکه چند تن از اهالی بیجار گروس عرض حالی را برایش فرستاده اند نامه‌ی کتبی را می‌فرستد. اهالی گروس از احمد بیگ و کسان او به دلیلی پولی که از آن‌ها گرفته بود شکایت کرده بودند و نصرالله مشیر الدوله نیز بعد از تحقیقات لازمه در این خصوص و دست یابی به صحت ماجرا از ممتحن السلطنه می‌خواهد که تمامی آن پول‌ها به اهالی بیجار گروس باز پس داده شود و من بعد مراقب باشند تا از مأمورین کارپردازی بدین شکل شکایت نشود.»¹

مجدد علاء السلطنه یکی از وزیران کابینه‌ی میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله «در تاریخ 1324 برای سفارت استانبول می‌نویسد که همانطور که می‌دانید روزنامه‌ی مجلس یکی از روزنامه‌هایی است که گفته‌هایش را بی‌پروا می‌نویسد و این روزنامه در یکی از شماره‌هایش شرحی از جرم‌هایی که در مجالس مشروطیت اتفاق افتاده را می‌نویسد که همین موضوع سبب ناراحتی ولی عثمانی می‌شود. بدین جهت نامه‌ای از جانب سفارت عثمانی به وزرات خارجه ما رسیده است و ما نیز آن را پاسخ دادیم. لذا امیدواریم که مجدّد شمس‌الدین بیگ از

¹ GH1322- K5- P1-37

شکایت خود دست بکشد و نامه‌ای را به باب عالی و سفارتگری عثمانی برساند.¹

مُجلی خان علاء السلطنه در دوره‌ی قاجار نخست وزیر بود، وی در 28 دی ماه 1291 ه.ش کابینه‌ی خود را تشکیل داد که در 25 مرداد 1292 ساقط شد. همچنین وی در دوره‌ی قاجار سمت وزرات امور خارجه را نیز بر عهده داشت، به طوری که در سال‌های استبداد صغیر، از 1324 ه.ق تا 1327 ه.ق و از 1330 ه.ق تا 1332 ه.ق وزیر خارجه شد.

روزنامه مجلس نخستین روزنامه‌ی پارلمانی ایران است که شماره‌ی اول آن در روز یکشنبه 8 شوال المکرم سال 1324 یعنی در حدود پنجاه روز پس از افتتاح مجلس انتشار یافت. در نخستین صفحه‌ی این روزنامه درباره‌ی اهداف آن چنین آمده است:

«این روزنامه به کلی مطلق و آزاد است و در مباحث و مذاکرات و مشروعات مجلس شورای ملی ایران و کلیه امور پولتکی و تجارتی و اجتماعی و آن چه راجع به اصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط به فواید عامه و عواید نوعیه و دایر به حقوق عالم اسلامیت و اجرای احکام اسلام و مدافعه حدود وطن باشد با کمال آزادی سخن می‌راند. مذاکرات یومیه دارالشورای کبری و لوایح و مقالات و آراء و افکار ملت را در موارد مذکوره بالخصوص منتشر خواهد نمود.»² مدیریت اجرایی مجله به عهده میر محمد صادق طباطبایی پسر آیت الله سید محمد طباطبایی از رهبران روحانی مشروطه قرار داشت و آقا میرزا محسن برادر صدرالعلماء صاحب امتیاز روزنامه بوده است. این روزنامه در شعبان 1324 که ماه مشروطه است افتتاح شد، این نشریه از همان روزهای نخست با هدف

¹ GH1324- K21- P1.1-27

² <http://montekhab.mihanblog.com/post/236>.

ساماندهی به اخبار و اطلاعات مربوط به مجلس و همین طور
ارائهی دیدگاه دربارهی مسائل سیاسی و اجتماعی به راه
افتاده است. خالی از لطف نیست اگر در این قسمت نخستین
مطلب چاپ شده در این روزنامه که متن دست خط مبارک
همایونی دربارهی روزنامه مجلس نوشته شده آورده شود:
«جناب اشرف صدر اعظم چون روزنامه موسومه به مجلس که
اجازه طبع آن داده شده است که در هر گونه مقالات مفیده
راجع به خیر عامه و مصالحه امور ملکیه و ملیه و حفظ
شرایط دولتخواهی به آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود
و لازم است در تحت نظر و صوابدید شخصی باشد که جامع
اطلاعات علمیه، شرعیه و سیاسیه و درستی و دیانت او کاملاً
معلوم و مشهود باشد، لهذا به موجب این دستخط مبارک جزئی
و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضا و تعیین وقایع
نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره به جناب آقا میرزا
محسن مجتهد - سلمه الله - که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه
از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال
اعتماد دولت و به مراتب دولتخواهی و وطن دوستی متحلی و
به معلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و به عهده
کفایت و درستی ایشان واگذار کردیم و این امتیاز بزرگ را
به ایشان عنایت فرمودیم تا مجلسی از بی غرضان خبیر و
دولتخواهان بصیر تأسیس و تشکیل نموده با کمال دولتخواهی
و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلاً به حسن ترتیب
قرین انجام دارند (شعبان 1324)»¹ در سند (شماره 72 ربیع
الاول 1326) این گونه آمده است که «مُجَدِّد شمس‌الدین بیگ سفیر
سابق عثمانی بعد از آن که تلگرافاً معزول شد، بسیاری از
اخبار نویسان هر روز برای دست یافتن به اخبار جدید تلاش
می‌کنند و هر کدام علت عزل وی را یک چیزی می‌گویند و هر

¹ <http://montekhab.mihanblog.com/post/236>.

چه را که در این باره می‌فهمند فوراً به قسمت‌های دیگر مخابره می‌نمایند. مسأله‌ی مهمی که اکنون در ایران پیش آمده است، موضوع شورش مردم بر علیه شاهزاده عین الدوله می‌باشد. عین الدوله در واکنش به این شورش خواستار پناه بردن به سفارت عثمانی است و حتی شمس‌الدین بیگ نیز از سفارت عالی به برای این کار کسب تکلیف کرده است. در پاسخ به درخواست محمد شمس‌الدین بیگ سفارت عالی به هیچ وجه من الوجود پناه عین الدوله به سفارت عثمانی را نپذیرفته بود و از محمد شمس‌الدین نیز خواسته بود که در امور داخلی ایران دخالت نکند و برای تحقق این امر از دولت و مردم ایران خود را کنار بکشد و حتی در این اواخر که در میان مردم و پارلمان اختلاف می‌افتد از جانب سلطان باب عالی به شمس‌الدین بیگ ابلاغ این موضوع ابلاغ شده است. اما شمس‌الدین بیگ در امور داخلی ایران وارد شد و همین اسباب خفت وی گردید و از سمت خود معزول گشت. از وقتی که شمس‌الدین بیگ معزول گشته، هیچ کس جرأت آن را نداشته که نام او را در نزد سلطان ببرید و این در حالی است که محمد شمس‌الدین دوستدار و محب ایران بوده است و در راه دوستی ایران و عثمانی تلاش بسیاری کرد. نویسنده‌ی این نامه از سلطان می‌خواهد که علی‌رغم دل‌چرکینی از شمس‌الدین محمد، وقتی که وی به استانبول آمد او را مورد لطف خود قرار دهد و او را به پارلمان بفرستند. بعضی‌ها اعتقاد بر این دارند به خلاف امر، محمد شمس‌الدین بیگ در امور داخله ایران دخالت نموده و خاطر سلطان مکدر شده و حکم عزل وی صادر شده است.¹

تا اواسط دوره‌ی قاجار غالباً مردم برای دادخواهی تحصن می‌کردند اما با تحولات سریع و رشد آگاهی‌های سیاسی و

¹ QAMRI1326-11-1-71

اجتماعی بر اثر تماس با غرب مکان‌های امن و خاص، محل اعتراض‌های سیاسی علیه دولت شد. علاوه بر این، «برخی از مراکز همچون سفارتخانه‌ها و تلگرافخانه‌ها — که از طریق امتیازات اقتصادی به کشورهای خارجی واگذار شده بود — بتدریج به عنوان مراکز تبلیغاتی آن کشورها به محل تحصن مخالفان دولت تبدیل شد.»¹

از مهمترین تحصن‌های سیاسی در دوره قاجار و قبل از مشروطیت که در پیروزی نهضت مشروطه اثر مهمی داشت، می‌توان به تحصن تجار در سفارت انگلیس و تحصن تجار در حرم حضرت عبدالعظیم اشاره کرد که تحصن تجار در سفارت انگلیس که نخستین اقدام دسته جمعی سیاسی اصناف بود، به منظور درخواست از مظفرالدین شاه برای تأسیس مجلس و اجرای احکام شرع و برقراری عدل و آزادی شکل گرفت. در این تحصن بیش از پانصد صنف مختلف حضور داشتند. تحصن در سفارت انگلیس برای درخواست آزادی چنان بود که تعجب فرنگیان را برانگیخت و انگلیسی‌ها این عمل را به سنت بست نشینی ایرانیان نسبت می‌دادند. از دیگر تحصن‌های سیاسی تحصن تجار در حرم حضرت عبدالعظیم بود که برای اعتراض به موسیو نوز بلژیکی رئیس گمرک ایران صورت گرفت، این تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم پس از مهاجرت کبری برای تأسیس عدالتخانه و مخالفت با عین الدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه و فراهم کردن زمینه‌ای برای بازگشت مهاجران از قم به تهران بود.

عین الدوله از مخالفان سرسخت مشروطه‌ی ایران بود. وی در سال 1322ق با لقب صدراعظم زمام امور کشور را به دست گرفت. نهضت مشروطه طلبان ایران در این زمان پیشرفت می‌کرد و خودسری و استبداد عین‌الدوله هم موجب شورش مردم

¹ جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، 1375، ص 37.

گردید. جنبش مشروطه طلبان در بدو امر به صورت اعتراض به روش کار عین‌الدوله آغاز شد و مردم او را مسئول اول قرض‌های خارجی می‌دانستند. زیرا با توجه به اسناد پرونده‌های گمرکات تنب و ابوموسی موجود در گمرک ایران به راحتی می‌توان به ارتباط نزدیک وی با موسیو نوز بلژیکی پی برد. با حرکت مشروطه طلبان از تهران به حضرت عبدالعظیم، شاه به مردم قول داد که عین‌الدوله را از کار برکنار کند. عین‌الدوله که با سکتی ناقص شاه کلیه اختیارات را در دست داشت بر آزادی خواهان سخت گرفت و بسیاری از آنان را توقیف و تبعید کرد. مردم از پا نشستند و به قم مهاجرت کردند و کسبه و تجار به سفارتخانه‌ی انگلیس پناهنده شدند و عزل عین‌الدوله و اعلام قانون اساسی و بازگشت مهاجران را از قم خواستار شدند. عاقبت شاه تسلیم مردم شد و عین‌الدوله را برکنار کرد و میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله را بجای او منصوب کرد. پس از مرگ مظفرالدین شاه و در جریان جنبش مشروطه محمدعلی شاه او را برای سرکوبی قیام تبریز مأمور کرد ولی موفقیتی نیافت. پس از فتح تهران خود را به مجاهدین تسلیم کرد و به همین دلیل به او آزاری نرساندند.

لازم به ذکر است که منظور از باب عالی در تمامی اسناد امور خارجه عثمانی بدین شرح است که هنگامی که سلطان عبدالحمید به خلافت عثمانی رسید، ثرکان یک سپاه اسلامی به نام «حمیدیه» آماده کردند و در صدد یارگیری از سایر نیروها بودند.¹ آن گاه سیاست نیرومند کردن اسلام را در برنامه‌های آتی خود جای دادند. تا جایی که «باب عالی» یعنی دربار عثمانی را «دولت اسلام» لقب دادند و در پی آن دربار عثمانی بدین نام مفتخر گشت. آن برنامه‌ها را آن‌ها

¹ Balloyà Décaze, Téhéran, 30 Decembre 1876, (Cor. Pol. M. A. E. F.)

در روزنامه‌ها هم منتشر کردند. «سواد فقره ای در روزنامه چاپ خواهد شد که: چون الحمدلله از فیض و برکات شرع مبین اسلام، عموم ملل اسلامیة از کمال یک جهتی و اتحاد، حکم یک ملت واحد دارند، و اراده سنیة سلاطین شوکت آئین اسلامیة بر این تعلق گرفته است که اهالی دو ملت که از مؤمنین با ایمان و مسلمین هستند، به حکم آیه‌ی کریمه‌ی *اَئْما / المؤمنین /خوه*، از حسن دوستی و اتفاق، روز به روز بهره ور فرمایند.»¹

جمع بندی: شمس‌الدین بیگ در تمام مدت زندگی سیاسی خویش در دولت عثمانی عهده دار وظایف و مناصب مهمی بوده است و با رجال دولتی کشورهایی که در آن‌ها مأموریت داشته است روابط دوستانه‌ی خوبی برقرار کرده است. هم چنین وی شرایط گسترش روابط دولت عثمانی با این کشورها را فراهم کرده است. طولانی‌ترین دوره‌ی در زندگی سیاسی وی سال‌هایی است که در تهران سفیر بوده و در این مدت روابط ایران و عثمانی را گسترش داده است. برای رفع مشکلات پیش آمده در این جا تلاش کرده و در طول 12-13 سال سفارت در تهران با اینگونه وقایع درگیر بوده است. نقاط ضعف دولت ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فعالیت‌های دولت‌های اروپایی در ایران را به استانبول گزارش داده است. این اطلاعات یا به قلم خود شمس‌الدین بیگ و یا توسط مأمورین سفارتخانه تهران نوشته و به استانبول ارسال شده اند.

3-2- جغرافیای قفقاز و دولتمردان چرکس

در این بخش به جغرافیای قفقاز، دولتمردان چرکس و زندگی و کار محمد شمس‌الدین بیگ که در اصل چرکس بود می‌پردازیم.

1 . ص 13 eser Aynı

قفقاز منطقه‌ای است که در قسمت شرقی دریای سیاه قرار دارد و نقطه‌ی مهمی است که قاره‌های آسیا و اروپا را به هم وصل می‌کند. به همین دلیل همواره مورد تهاجم قرار گرفته است. از شبه جزیره‌ی تمان واقع در شمال شرقی دریای سیاه تا شبه جزیره (آپشرون)* منطقه‌ای است که به آن قفقاز گفته می‌شود.¹

اما قفقاز تنها یک منطقه نیست. در زمان‌های مختلف یا به دلایل جغرافیایی یا با توجه به مناطقی که اقوام مختلف در آن‌ها سکونت می‌گزیدند نام‌های مختلف به خود گرفته است. اما در این میان مهمترین آن‌ها مناطق قفقاز شمالی می‌باشد. چون این منطقه یک محدوده‌ی استراتژیک است.

قفقاز شمالی به منطقه‌ای گفته می‌شود که از شرق به دریای خزر، از غرب به دریای سیاه و دریای آزوف، از شمال به رود و مرداب‌های مانیچ، از جنوب شرقی به محلی که رود سامور به دریای خزر می‌ریزد تا نقطه‌ای که رود اینگور به دریای خزر می‌ریزد در امتداد یک خط قرار گرفته است.²

قفقاز دارای ساختار بومی و اجتماعی بسیار متنوعی می‌باشد. این منطقه از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز دارای این ویژگی می‌باشد.

نژادهایی که در این منطقه زندگی می‌کنند عبارتند از: چرکس‌ها، ابازها، چچن‌ها، اینگوش‌ها، آوارها، کلها، دارگین‌ها، گرجی‌ها، لزگی‌ها، اوستها، و ارمنی‌ها. از میان این اقوام پرجمعیت‌ترین آن‌ها اقوام ترک زبان این منطقه می‌باشند که عبارتند از: کوموک‌ها، نوگای‌ها، کالموک‌ها،

* Apşeron اسم جزیره‌ای در دریای سیاه

¹ Mesut Erşan, Birinci Dünya Harbinde Osmanlı Devletinin Kuzey Kafkasya Siyaseti (1914-1918) Doktora Tezi, Erzurum-1995 S.1.

² Ahmet Arkın Bölükbaşı , Kuzey Kafkasya Özerk Cumhuriyetleri Bağlamında Rus Dış Politikası, Yüksek Lisans Tezi, s.77, Ankara - 2007

کاراچای‌ها، بالکارها، کاراپاک‌ها، کوندورها و آذری‌ها...¹

تراکم این همه قوم در یک منطقه استقرار سیاسی این منطقه را با مشکل مواجه نموده است. از این روست که در این منطقه هیچ گاه دولتی تشکیل نشده است و این محدوده همواره شاهد اختلافاتی بوده است. دوره‌ی عثمانی در این ارتباط یک استثناء است، به این دلیل که دولت عثمانی به اقوام در برخورداری از زبان، دین و فرهنگ آزادی داده بود. اما در قرن نوزدهم فشارهای زیادی که روس‌ها به مردم این منطقه وارد کردند موجب شد تا تعداد کثیری از مردم این منطقه از آن جا به جاهای دیگر مهاجرت نمایند.

مبارزه‌ی مردم قفقاز در برابر اشغال روس‌ها که تقریباً یک قرن به طول انجامید سرانجام در سال 1859 با تسلیم شیخ شمیل به روسیه پایان پذیرفت. پس از آن روسیه در سرتاسر قفقاز سیاستی بی رحمانه، خشن، ویرانگر، ضد سازش، تحقیرکننده و ستمکارانه در پیش گرفت. در چنین اوضاعی مردم این منطقه ترک وطن را بهترین گزینه برای خود دانسته و آنجا را ترک گفتند.²

3-2-1- دولتمردان عثمانی

دولتمردانی که چرخس بودند پس از این که این مناطق به دست روس‌ها افتاد ترجیح دادند که به سرزمین‌های امپراتوری عثمانی مهاجرت کنند. این افراد در دولت عثمانی به موقعیت‌های خوب و مهمی نیز رسیده بودند. این افراد تحت

¹ Muharrem Yıldız Kafkasyada Yaşayan Türklerin Dini Hakkında Sosyo-Kültürel Bir Araştırma, Doktora Tezi, s.8, Konya, 2000

² 19.'da Anadolu'da Çerkes Göçmenlerinin İskanları Sırasında Karşılaştıkları Sorunlar: Uzunyayla Örneği, Ömer Karataş, Karadeniz Araştırmaları Dergisi 14. 02. 2013, 17063 Numaralı Makale s.83

عناوینی چون وزیراعظم، فرماندار و رتبه‌های مختلف نظامی به دولت عثمانی خدمت نمودند.

برخی از آنها افراد زیر بودند:

مت چاناتوکا عزت 1922- 1875 تاریخ نویس و نظامی	درویش محمد پاشا 1655-؟ صدر اعظم
وصفی گوسار 1895-1978 نویسنده و نظامی	فیض الله پاشا 1856 مارس-؟ والی
ژنرال اسماعیل برکوک 1954- 1890 نظامی	خلیل افندی (حاجی) 1821 آگوست 2-؟ قاضی
محمد علی پچی‌هاوک 1882-1935 پزشک، نظامی، نویسنده، تاریخ نویس	حسین پاشا 1887-؟ دولتمرد
اسماعیل ضیاء برسیس 1953- 1883 نظامی، پژوهشگر	عثمان پاشا 1553-؟ والی
حسین شمی‌تومر 1875-1962 حقوقدان و روحانی	اؤزدمیر پاشا 1559-؟ والی
طه اوغلو میزانجی مراد بیگ 1850-1912 تاریخ نویس و دولتمرد	سیاوش پاشا 1685-؟ صدر اعظم ¹
یوسف سوآد نگوچ 1877-1919 حقوق دان و نویسنده	شمس‌الدین تلسروک پاشا (محمد شمس‌الدین بیگ) سفیر، کاتب، والی، نویسنده 1917- 1855 ²

¹ Mehmed Süreyya, Sicili Osmani, Tarih Vakıfları Yurt Yayınları, İstanbul, 1996

² Muhaceretteki Çerkes Aydınları İzzet Aydemir, Nart Yayıncılık Ankara 1991

3-3- زندگی و مناصب محمد شمس‌الدین بیگ

محمد شمس‌الدین بیگ در منطقه‌ی چند قومی قفقاز متولد شده بود و در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم در نتیجه‌ی شرایط سختی که روس‌ها بر این منطقه حکمفرما کرده بودند از قفقاز به همراه گروه بزرگی از چرکس‌ها به استانبول مهاجرت کرده بود. وی اصالتاً چرکس بود و در زمان سلطان عبد الحمید دوم به استانبول آمد و در دولت عثمانی به مراتب بالای دولتی دست یافت. محمد شمس‌الدین پاشا پسر یکی از رؤسای قبیله‌ی چرکس، حاجی زاده عثمان بیگ بود.

وی که در سال 1855 در منطقه‌ی کوبان قفقاز چشم به جهان گشود، دولتمردی منسوب به سلاله‌ی تلسروک* بود. خانواده‌ی او در سال 1864 زمانی که او 9 ساله بود به خاطر تهاجم روس‌ها ابتدا به سامسون و پس از آن به استانبول نقل مکان نمودند.¹

اما «منطقه‌ی جغرافیایی که محمد شمس‌الدین و خانواده‌اش به آن تعلق داشتند، تلسروک واقع در شمال غربی قفقاز بود که منسوب به قبیله‌ی شاپسیگ می‌شود که از نژاد چرکس به شمار می‌رود. آن‌ها پیش از هجرت بزرگ در منطقه‌ی توآپس² و منطقه‌ی لازاروفسکی سوچین واقع در ایالت کراسنودار زندگی می‌کردند. اما امروزه اکثر آن‌ها که به روسیه وابستگی دارند، و اهل روستای پسیتوک جمهوری آدیگه به شمار می‌روند، در شهرهای آیدین، آفیون، ازمیر، چاناک کاله،

* لقب محمد شمس‌الدین بیگ Tleseruk

¹ İzzet Aydemir Muhaceretteki Çerkes Aydınları, s.85, Nart Yayıncılık Ankara, 1991

² Safarov Rafik Firuzoğlu, Kırım ve Kafkasya'dan Osmanlı İmparatorluğu'na Göçler, Osmanlı Ansiklopedisi, C. IV, s.691

* اسم یک منطقه در قفقاز Tuapse

آداپازاری، چوروم، یوزگات، سامسون، بالیک اسیر و دوزجه زندگی می‌کنند.»¹

مُجد شمس‌الدین بیگ را در عین حال به دلیل این که از طایفه‌ی تلسروک* می‌باشد شمس‌الدین تلسروکی‌نیز می‌نامند. در نتیجه‌ی این مهاجرت هزاران انسان وطن خود را ترک گفتند و اکثر آن‌ها به سرزمین عثمانی پناه آوردند و امروزه در داخل آناتولی سکنی گزیده اند.

مُجد شمس‌الدین پاشا پس از آمدن به استانبول به تحصیلات خود ادامه داد. وی در دوران تحصیلاتش همواره کانون توجهات بود. او بسیار باهوش بود، به همین دلیل بلافاصله پس از اتمام تحصیلاتش با رتبه‌ی اول، نخستین گام خود را به عرصه‌ی مناصب دولتی نهاد.

مُجد شمس‌الدین بیگ دوره‌ی دبستان خود را در دبستان حافظ پاشای فاتح، دوره‌ی راهنمایی را در مدرسه‌ی راهنمایی بشیکتاش و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان گالاتاسارای گذراند. او یک دانشجوی صادق، راست کردار، کوشا، محبوب، متین و آرام بود. او در درس‌هایش پشتکار داشت، نمره‌های خوبی کسب می‌کرد و با این اوصاف توجه اساتید را به خود جلب کرده بود. وی به زبان‌های عربی و فارسی نیز اهمیت می‌داد و به یادگیری آن‌ها همت گماشته بود. با توجه به این استعدادهایش علوم سیاسی را با رتبه‌ی اول به اتمام رسانید. اولین سمت او کاتبی مابین همایون بود. (امور کاتب)²

مُجد شمس‌الدین از پایین‌ترین سمت دولتی شروع به کار کرد و طی مدت کوتاهی موفق به رسیدن به مراحل بالاتر شد. در کنار این کارها مُجد شمس‌الدین پاشا تدریس هم می‌کرد. به

¹ <http://www.uludagsozluk.com/k/tletseruk/> 8. 12. 2013

*تلسروک در قفقاز است.

² Alaattin Gövsa, Türk Meşhurları Ansiklopedisi, 1489-1490.

عنوان فارغ التحصیل مکتب سلطانیه (دبیرستان گالاتاسارای) در ماه اکتبر 1873 با حقوق 350 کوروش در دبیرستان گالاتاسارای درس زبان ترکی و همچنین با حقوق 750 کوروش دروس ریاضیات و زمین شناسی سال اول را تدریس نمود.¹

نشان‌هایی که محمد شمس‌الدین در دولت عثمانی به دریافت آن‌ها نائل شد کمتر کسی توانست از آن خود کند. زیرا وی تمام وظایف محوله را به بهترین وجه ممکن به جای می‌آورد. بهترین دلیل این گفته نیز این است که او سالی یک بار و در برخی موارد دو بار در سال نشان کسب می‌نمود.

در سوم جولای سال 1880 با حقوق 2500 کوروش به امور کاتب مشغول بود، در چهارم سپتامبر رتبه‌ی سوم، در سوم اکتبر 1880 رتبه‌ی دوم، در دهم سپتامبر 1881 درجه‌ی سرهنگ، در 15 آگوست 1882 درجه‌ی سانجاک بیگی، در پنجم سپتامبر 1880 رتبه‌ی چهارم قهرمانی، در 17 نوامبر 1880 رتبه‌ی چهارم و در 1881 رتبه‌ی سوم نشان‌های عثمانی به وی اعطاء شد.² با اعطای این نشان‌ها مسئولیت‌های محمد شمس‌الدین نیز بیشتر می‌شد و در ماموریت‌های خارج از کشور هم نقش مهمی ایفا نمود.

در سپتامبر 1883 بدون اینکه حقوقش قطع شود از کار برکنار شد و در 29 مارس 1884 با 3000 کوروش حقوق به عنوان سرکاتب سفارت آتن منصوب گردید. در مسأله‌ی یونان فریدون بیگ سفیر دولت عثمانی در تاریخ نهم ژوئن به همراه سفرای دیگر کشورها آتن را ترک کرده به کشور بازگشت و در آتن 44 روز در سمت کارداری خدمت نمود.³

¹ Evkâf-i Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcim-i Ahvali Kondoktor Mektebi İçin Mahmud Kemal İbnül-Emin - Hüseyin Hüsameddin Evkâf-ı İslâmiye Matbaası İstanbul Türkiye s.212, hicri 1335

² Aynı eser, s.213.

³ Aynı eser, s.213.

وی کاردار بود. سفیر کبیر و دیگر سفیران وقتی بابت کاری به خارج سفر می‌نمودند شخص دیگری را به جای خود مأمور می‌کردند که به این شخص کاردار گفته می‌شد. در 7 آگوست 1886 از رتبه‌ی بیگلر بیگی یک رتبه ارتقاء پیدا کرد و در ششم مارس 1887 با حقوق 5000 کروش به سمت مدیریت سفارتخانه‌های وزارت امور خارجه منصوب شد. در 13 مارس 1891 مدال نقره دریافت نمود. با انتصاب عباس حلمی پاشا به سمت خدیوی مصر، همراه با هیأتی که مأمور اطلاع رسانی فرمان عالی بود، در سال 1892 به مصر سفر کرد و بیست روز بعد بازگشت.¹

مُحَمَّد شمس‌الدین بیگ مدت زیادی به عنوان مأمور رسمی‌دولت عثمانی در سفارتخانه‌های این دولت در خارج از کشور خدمت نموده بود. در بسیاری از کشورها یا به عنوان سفیر و یا معاون سفیر کار کرده بود و در بسیاری از کشورهایی که در آن‌ها خدمت کرده بود موفق به دریافت نشان دولتی شده بود. در 13 نوامبر 1892 با حقوق 10000 کوروش (با پرداخت مبلغ 10000 کوروش خرج راه) به سفارت بخارست تعیین شد. در بخارست در زمانی که بیماری وبا شایع شده بود، با آمدن معاون اول سفیر- به منظور پیشگیری از شیوع بیماری- انتقال ده هزار نفر از مردم عثمانی را اطلاع داد و در تاریخ هشتم سپتامبر 1893 از سمت خود عزل و از طرف وزارتخانه به مأموریت دیگری گسیل گردید.²

مُحَمَّد شمس‌الدین بیگ به هر کشوری که می‌رفت کانون توجهات دولتمردان می‌شد و نظر مثبت شخص اول حکومت را همواره به خود جلب می‌نمود. مخصوصاً در رومانی و ایران بود که این

¹ Aynı eser, s. 213

² Aynı eser, s. 214

اتفاق افتاده بود. زیرا در این دولت‌ها نخست وزیر یا شاه به طور خصوصی خواستار ملاقات با وی شده بودند. در سال 1893 به عنوان سفیر عثمانی در بخارست تعیین شد. یک سال بعد آن جا را ترک کرد. او با دریافت نشان درجه یک از دولت رومانی این کشور را ترک کرد. همان سال به سمت سفارت در تهران منصوب گردید و در سال 1896 یک رتبه ارتقاء پیدا کرد.

در تاریخ 22 سپتامبر 1894 با حقوق 6000 کوروش به سمت دستیار مستشار وزارت امور خارجه، در 19 فوریه 1895 با حقوق 10000 کوروش یک رتبه ارتقاء یافت. با انتصاب مونیف پاشا به سمت سفیر در ایران محمد شمس‌الدین از آن جا رفت. در نهم مارس 1896 با حقوق 20000 کوروش به سمت فرمانداری شهر وان منصوب گردید و در سال 1897 از این شغل استعفا داد.¹ محمد شمس‌الدین بیگ به دلیل این که در سمت‌های مهم زیادی خدمت کرده بود مدت زمان زیادی در این مسند نماند و به خواست خودش از این سمت استعفا نمود. برای مدت کوتاهی و حدود ده ماه در این سمت ماند. "از 21 ژوئن 1896 تا 8 مارس 1897 فرماندار این شهر بود."²

وی در 14 آگوست 1897 با حقوق 13500 کوروش و 9000 کوروش دیگر (برای بار دوم) به عنوان سفیر در تهران منصوب شد؛ و در سوم ژانویه 1901 رتبه‌ی اول مجیدیه و در 14 دسامبر 1899 نشان رتبه‌ی اول عثمانی را دریافت داشت.³

لازم به ذکر است «در تاریخ 29 آگوست 1852 نشان مجیدیه از نام عبدالمجید الهام گرفته شده و این نشان را به منصوبین علمی و نظامی برای خدمات عالی و موفیقیت‌هایشان

¹Aynı eser, s.214

² Aynı eser, s.215

³ Aynı eser, s.214

می‌دادند، به طوری که رتبه‌های اول و دوم در حضور پادشاه به آن‌ها داده می‌شد. به طور کلی نشان مجیدیه از تاریخ 1852 تا 1922 اهدا می‌شد.¹

یک بار دیگر که قرار بود محمد شمس‌الدین بیگ از مأموریتش در تهران عزل شود، مظفرالدین شاه، پادشاه ایران که در بازگشت از سفر خود به اروپا به استانبول هم رفته بود «خواستار ابقاء محمد شمس‌الدین در سمتش در تهران شده بود و با این اتفاق، حقوق وی در سوم سپتامبر 1900 به 30000 کوروش افزایش یافته بود.»²

و اما دلیل اعزام مجدد محمد شمس‌الدین بیگ به تهران به عنوان سفیر در سال 1897؛ محمد شمس‌الدین بیگ رابطه‌ی خوبی با مجاهدینی که در ایران بودند برقرار کرده بود. سیاست وی در ایران در مقیاس وسیع با تأثیرگیری از سلطان عبدالحمید این بود که با تحت تأثیر قراردادن عالمان دینی ایران در جهت رفع هر گونه اختلاف میان مذاهب شیعه و سنی زمینه سازی نماید. هدف نهایی وی وحدت کلیه مسلمانان بود و در کم کردن شکاف بین دو نیمه اسلام قطعاً نقش موثری ایفا نمود.

محمد شمس‌الدین از جانب دولت عثمانی این اقدامات را در پیش گرفته بود و دیپلمات‌های اروپایی نیز اقداماتی انجام می‌دادند، زیرا «فرستاده‌های خارجی که در تهران بودند به شاه در ارتباط با سیستم قانون اساسی فشار می‌آوردند.»³

¹http://tr.wikipedia.org/wiki/K%C4%B1%C4%B1%C3%A7%C4%B1_Mecidi_Ni%C5%9Fan%C4%B1.

² Aynı eser, s.215

³ Yaşar Özüçetin- Sıddık Yıldız, 14 Şubat 1909 Hükümet Krizi Öncesinde: “İngiliz Gözüyle Osmanlı Hükümeti ve Meclisi Mebusan” Uluslararası Sosyal Araştırmaları Dergisi, Yayın Tarihi: 20.02.2008 S.378-382

مظفرالدین شاه در نتیجه‌ی فشارها و شورش‌های مردم سرانجام ناگزیر از اعلام مشروطیت در سال 1906 شد. بدین ترتیب دولتی که صدسال قدمت داشت دستخوش تغییرات شده بود. همراه با انقلاب مشروطیت اولین قانون اساسی ایران یعنی قانون اساسی مصوب سال 1906 با الهام از قانون اساسی بلژیک و فرانسه تنظیم شده بود و در نهایت متشکل از پنج بخش و پنجاه و پنج ماده بود.¹

با وقوع این اتفاقات در ایران سلطان عبدالحمید دوم ، محمد شمس‌الدین را به دلیل این که «با مشروطیت در ایران همکاری می‌نمود، در تاریخ 7 فوریه 1908 فراخواند. در تاریخ 31 ژوئن 1908 با حقوق 25000 کوروش به سمت رئیس مأموران، در 24 سپتامبر 1908 نیز با در نظر گرفتن حقوق 25000 کوروش به ریاست امور وقف منصوب نمود.»²

در تاریخ 24 ژوئن 1908 در نتیجه‌ی اعلام مشروطیت دوم در قانون اساسی امپراتوری عثمانی تغییراتی ایجاد شده بود. در طی این مدت در حکومت نیز تغییراتی ایجاد شد. این اتفاقات در زندگی محمد شمس‌الدین نیز تحولاتی به وجود آورده بود. از آنجایی که «از دوره‌ی خدمتش 5-6 ماه باقیمانده بود. بین 5 آگوست 1908 و 13 فوریه 1909 و در تاریخ 13 فوریه 1909 پس از فروپاشی کابینه‌ی کامل پاشا وی نیز از این سمت عزل گردید. در تاریخ اول مارس 1909 به اجازه‌ی وزارت مالیات حقوق 7500 کوروش برای وی در نظر گرفته شده بود. در تاریخ 14 اکتبر 1909 حقوقش به 5000 کوروش

¹ İran Devlet Modeli Yüksek Lisans Tezi, Alireza Mokhtarpour, Ankara-2012

² Evkâf-i Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcim-i Ahvali Kondoktor Mektebi İçin Mahmud Kemal İbnül-Emin - Hüseyin Hüsameddin Evkâf-ı İslâmiye Matbaası İstanbul Türkiye s.213, hicri 1335

کاهش یافته و بازنشسته شد.¹ پس از بازنشستگی حقوق وی از صندوق بازنشستگی پرداخت می‌شد. محمد شمس‌الدین پاشا در طول زندگیش در سیمتهای دولتی مهمی خدمت نمود. در سال 1912 که به طرابلس و بن قاضی خودمختاری داده شد، در 20 اکتبر 1912 به مدت 5 سال به سمت نایب السلطان منصوب شد. با اشغال شدن طرابلس توسط ایتالیا به استانبول بازگشت.

محمد شمس‌الدین در کنار کار در سیمتهای دولتی در بسیاری از دیگر زمینه‌ها نیز سر رشته داشت و در سال 1908 روزنامه ای به نام غوازه* چاپ نمود. وی در این روزنامه به طور خاص به مشکلاتی که چرکس‌ها با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کردند می‌پرداخت و در آن دوران در مناطق قفقاز و در زمینه‌ی سیاست و فرهنگ این منطقه نوشته‌هایی را به چاپ رسانیده بود.

محمد شمس‌الدین این نظریه را مطرح نموده بود که تمام زبان‌های چرکسی یکی هستند و به دلیل تغییر در مکان است که تغییر در زبان‌های این منطقه به وجود آمده است. به همین دلیل هم از 81 حرف به عنوان الفبای این زبان دفاع

¹ Aynı eser, s.212

* روزنامه غوازه که در لغت به معنای رهبر می‌باشد، در سال‌های 1914-1911 در استانبول (به زبان عثمانی) به چاپ می‌رسید. شماره‌ی اول این روزنامه در تاریخ 2 نیسان 1911 به زبان چرکسی چاپ شد. زبان چاپ آن چرکسی بود زیرا در اصل این روزنامه متعلق به چرکس‌ها بود. همچنین در همه‌ی شماره‌های روزنامه غوازه هم از زبان ترکی و هم از زبان عربی استفاده می‌کردند ولی حروف عربی موجود در نوشته‌هایشان به زبان چرکسی نوشته می‌شد. محتوای نوشته‌ها بیشتر سیاسی و تاریخی و فرهنگی بود. از طرف دیگر، از آنجایی که اهالی چرکس از قفقاز به دلیل ترس از روس‌ها فرار کرده بودند در این روزنامه تحقیق می‌شد که چطور می‌شود دوباره اهالی چرکس در قفقاز ساکن شوند و یا این امر از چه طرقی امکان پذیر است.

می‌نمود که در کلیه کلمات زبان‌های چرکس مشترک بودند. این زبان‌ها عبارت بودند از: آ باز، کابار، شاپسوغ، بزادوغ. اما در مباحث انجام شده در موارد نادر به زبان نیامدن حرف‌هایی که در شیوه‌های متفاوت صحبت کردن دیده می‌شود با رأی اکثریت مورد توافق قرار گرفته بود. اما بعدها این نتیجه حاصل شد که این تعداد قابل کاهش به 74 هم می‌باشد. تعداد 81 حرفی که توسط مُجد شمس‌الدین مطرح گردید مورد موافقت قرار نگرفته بود.¹

به این مخالفت‌ها در سال 1911 در روزنامه شماره سوم غوازه در ستون سوم جواب داده شده بود. یکی از دلایل دفاع مُجد شمس‌الدین از اصلاح تعداد حروف الفبای چرکس نیز از تسلط وی به بسیاری از زبان‌های چرکس و توانایی سخن گفتن وی به این زبان‌ها نشأت می‌گرفت.

مُجد شمس‌الدین بر روی زبان چرکس کار کرده بود و در ارتباط با اختلاف نظرهای موجود در این زمینه در روزنامه‌ی خود مطلب می‌نوشت و نظر خود را اعلام می‌نمود.

انجمن زبان جمعیت؛ شیوه‌ی شاخه‌های بزرگی همچون کاباردای، شاپسیغ، آ بزه و آ باز، و بزادوغ، عدم تأثیر اختلافات کوچک در تلفظ حروف دو زبان نزدیک بر روی اصل زبان‌ها، این که با گذشت زمان این زبان‌ها به اصل خود بازخواهند گشت، این که در ساخت زبان‌های اروپایی، ترکی و عربی این اساس نهان می‌باشد و این که به جای تعداد زیاد حروف از تعداد کم حروف باید مورد استفاده قرار بگیرد، از طرف وی مطرح گردید و از نظر مردم 38 حرف در سال 1919 مورد توافق قرار گرفته و اعلام شده بود.²

¹ Guaze Gazetesi, 2 Nisan (pazartesi) 1911, s. 4-5, 1.sayı

² İzzet Aydemir, Muhacerreteki Merkez Aydınları, S. 86, Nart Yayıncılık, Ankara 1911.

* یکی از نویسندگان ادبیات ترکیه Saffet nezih bey

مُجد شمس‌الدین بر زبان‌هایی که می‌دانست آن چنان مسلط بود که یک روز در زمانی که رئیس امور اوقاف بود در مجلس در پاسخ به تهاجم نمایندگان عرب جوابی بسیار زیبا به زبان عربی داده بود و این جواب موجب حرف و حدیث‌هایی شده و عکس‌العمل‌هایی را به همراه آورده بود و حتی "سفوت نزیهی بیگ"^۱ نیز در این ارتباط اقدام به ساختن یک کمدی به نام ایضا و استهزاء نوشته بود.^۱ مُجد شمس‌الدین از نظر شخصیتی صادق، پاک، متین، دیندار، علاقمند به علوم دینی و یک دولتمرد فعال بود. مُجد شمس‌الدین بیش از یک زبان می‌دانست. غیر از زبان‌های چرکس و تُرکی به زبان‌های فرانسه، عربی و فارسی تسلط کامل داشت و در ایران نیز مدت‌های زیادی مانده بود.

همسر مُجد شمس‌الدین نیز مثل خودش چرکس بود. زیرا «پاشا داماد رئوف پاشا، کمیسر مصر بود.»^۲ رئوف پاشا هم مثل خود او قفقازی بود. فوت همسرش در سال ۱۹۱۱ بسیار او را ناراحت کرده و دیگر هم ازدواج نکرد. شمس‌الدین پاشا در سال ۱۹۱۷ در سن ۶۲ سالگی در استانبول درگذشت.

^۱ Alaatin Gövsa, Meşhurlar Asiklopedisi, S.1490, İstanbul

^۲ Alaatin Gövsa, Meşhurlar Asiklopedisi, S.1490, İstanbul

کارنامه شمس‌الدین بیگ در آینه اسناد عثمانی



سند شماره 1

کارنامه‌ی شمس‌الدین بیگ در آینه‌ی اسناد عثمانی
پرداخت حقوق خجسته شمس‌الدین پس از مأموریت وی
دایره کتابت سرای همایون‌یلدیز

8074 عدد

معروضات بنده

همه حقوق شمس‌الدین بیگ سفیر تعیین شده برای تهران در
همان تاریخی که سفیر قبلی می‌رود، پرداخت شود و همان

طوری که خلیفه فرمان داده عمل گردد. این امر و فرمان
پادشاه است.

هجری 23 شعبان 1312

6 شوبات 1310 رومی

سر کاتب حضرت شهریار

تحسین¹



سند شماره 2

پرداخت 50000 کوروش خرجی راه به فخر شمسالدین

1746 عدد

با قلم مکتوب خارجی دایره باب عالی

به صادرات پناه

معروضات بنده

برای شمسالدین بیگ 50 هزار کوروش خرج راه که در مقام
نظارت قبلا عرض کرده بودیم مساعدت فرمایید. این امر و
فرمان پادشاه است.

16 محرم 1313 هجری

27 حزیران 1311 رومی

نظارت خارجی²

¹ İ.HR.346/62

² İ. HR. 348. 20

سند شماره 3

مأموریت محمد شمسالدین به عنوان فرماندار به شهر وان

دیوان همایون صدارات "آمدی" دایره بابعالی

وزیر بزرگ دولت گرامی

به دلیل موقعیت مهم شهر وان و اقامت شمسالدین سفیر سابق تهران در آنجا و واقف بودن وی بر وضعیت شهر وان، درباره تعیین شمسالدین بیگ از طرف انجمن مخصوصه مضبطه ای را تهیه کرده و به هر شکلی که حضرت خلیفت پناه می‌خواهد در همان شکل تقدیم و عرض خواهد شد. نامه ای رسمی نوشته شده بود. سرورم.

14 محرم 1314 هجری

14 هازیرا ن 1312 رومی

صدراعظم

رفعت

سند شماره 3

پیوست

معروضات بنده

نامه رسمی انجمن مخصوصه به دست صدارات پناه رسید، هر چیزی را که برای تکریم و تبلیغ لازم است انجام دهید، که این امر و فرمان پادشاه است.

15 محرم 1314 هجری

15 حزیران 1312 رومی

سر کاتب حضرت شهریار

تحسین¹

¹ IDH.1335-12

سند شماره 4

پرداخت مجموع حقوق محمد شمسالدین در شهر وان و افزودن خرجی
راه برای وی
4258 عدد

دایره سرکتابت سرایلدیز

مجموع حقوق شمسالدین بیگ سفیر تعیین شده سفارت تهران
در شهر وان را پرداخت کنید. در ابتدا در تهران پولی را
که به مشارالیه (شمسالدین بیگ) باید می‌دادند کافی نبود
اما این دفعه پولی را که می‌دهید کافی است. سریعاً او را
به محل مأموریت خود بفرستید و هر چه را که لازم است، عمل
کنید. امر و فرمان پادشاه است.

15 ربیع الاول 1315

1 آگوستس 1313 رومی

هجری

سر کاتب حضرت شهریار

تحسین¹

¹ I. HUS. 56.42

سند شماره 5

درخواست نامه تأییده از جانب پادشاه برای شمسالدین بیگ

عدد 4342

دایره سرکاتب سرایلدیز

شمسالدین بیگ که به عنوان سفیر تهران تعیین شد، بعد از پایان مأموریت سفیر پیشین تهران، لازم است که نامه‌ی رسمی‌را که سفیر بودن وی را تأیید میکند امشب طبق فرمایش خلیفت پناه عرض کنید. امر و فرمان پادشاه است.

16 ربیع الاول 1315

2 آگوستس 1313 رومی

هجری

سر کاتب حضرت شهریار

تحسین¹

سند شماره 6

فرستادن اطلاعاتی از سوی سفارت تهران به جانب خلیفت پناه جهت تمایل به تعیین شمسالدین

عدد 3062

¹ I.HUS.56.42

دایره سرکاتب سرای‌یلدیز
سفارت تهران، اطلاعاتی را جهت تمایل به تعیین مُجد شمس‌الدین
والی سابق وان به جانب خلیفت پناه عرض کرده بود. درباره
این موضوع امر و فرمان پادشاه است.

21 ربیع الاول

19 آگوستس 1313 رومی

1315 هجری

سرکاتب حضرت شهریار

تحسین¹



سند شماره 7

پرداخت مجموع حقوق مُجد شمس‌الدین در شهر وان و افزودن خرجی
راه برای وی.

2472 عدد

با قلم مکتوب دایره خارجی بابعالی
به حضرت صدارات پناه

¹ I. HUS. 56. 103

معروضات بنده

مجموع حقوق شمسالدین بیگ سفیر تعیین شده برای سفارت تهران که قبلاً والی شهر وان بود را به یک شکل درست پرداخت نمایند. خرج راه قبلی برای سفارت تهران کفایت وی را نمیکند. این دفعه در حد کفایت خرجی راه به شمسالدین بیگ بدهید. در باره این موضوع و محل مأموریت وی خلیفت پناه اطلاع دارد و مجموع حقوق‌های جمع شده وی در شهر وان را به نظارت مالی خبر داده و پولی را که لازم است میفرستند. به این خاطر نامه رسمی در تاریخ 17 رمضان 1315 به شماره 953 به مصلحت گذار صادرات پناه برای مساحبه حواله شد که 50 هزار کوروش خرج راه به سفارت تهران بدهند و پولی که بعنوان خرجی راه قرار است به شمسالدین داده شود، به اندازه لازم به وی بدهید، به شمسالدین بیگ 150 لیره و 650 لیره داده شود. فکر میکنم که امسال حقوق وی را اضافه خواهیم کرد. در خصوص درست کردن خرجی راه وی به صادرات یک جواب کتبی نیاز است. امر و فرمان پادشاه است.¹

29 ربیع

15 آگوستس 1313 رومی

الآخر 1315 هجری

سند شماره 8

پرداخت حقوق محمد شمسالدین پس از برکناری سفیر سابق

9319 عدد

دایره سرکاتب سرای‌یلدیز

حقوق شمسالدین بیگ سفیر تعیین شده برای سفارت تهران را که اکنون در استانبول است از همان تاریخی که کار سفیر

¹ İ.HR. 356. 35

سابق به اتمام رسید پرداخت می‌شود. امر و فرمان پادشاه است.

24

1313 کانونی اول 27 رومی

رجب 1315 هجری

سرکاتب شهریار

تحسین¹



سند شماره 9

منظم و پرداخت به موقع پرداخت حقوق محمد شمس‌الدین

12477 عدد

دایره سرکاتب سرای‌یلدیز

حقوق و پول سفیر تهران ، شمس‌الدین بیگ، از طرف بانک به یک شکل درست حساب شده و پرداخت می‌شود، وی می‌تواند هر ماه حقوق خود را از درآمد کنسولگریخانه کرمانشاه بگیرد. امر و فرمان پادشاه است.

¹ I.HUS.62.29

9 شوال 1315 هجری

سرکاتب شهریار

تحسین¹

سند شماره 10

نامه‌ی دوستی مظفرالدین شاه به دلیل مأموریت محمد شمس‌الدین

هوالله تعالی شأنه

به نظر مودت اثر مدار مجد و دولت مرکز قدرت و شهامت
حضرت سلطان عظیم الشأن کل ممالک عثمانی²

مدار مجد و دولت مرکز قدرت و شهامت سلطان عظیم الشأن
گرامی‌نامه‌ی مودت علاقه آن اعلی حضرت که متضمن انفصال
مأموریت جناب منیف پاشا و عود جناب جلالت مآب شمس‌الدین
بیگ به سمت سفیر کبیر و اقامت در دربار این دولت علیه
بود و اصل آن توقیر و احترام گردید این اظهارات ملاطفت
آیات ملوکانه که در خور خیالات عالیه طرفین به ارتقاء
مراتب حب و ولای جانبین است موجب کمال تشکر و امتنان شد

¹ I. HUS. 62. 29² Y-EE-0059-00044-001

و زیاده خرسند و مشعوف گردیدیم که بحمدالله تعالی ذات شوکت اعلی حضرت سلطان در اعتلاء مراسم دوستی و یک جهتی دو دولت با خیالات عالییه ما مطابقت و موافقت دارند. امیدواریم تأییدات خداوند کریم هم مؤید افکار خیریه جانبین گردیده و ما را به نیل آرزو و آمال حسنه که داریم کاملاً نائل و برخوردار سازد جناب سفیر کبیر را با تشریفات مقتضیه پذیرفته و به حضور خودمان دعوت نمودیم و بیانات مشارالیه را که حاکی از صفای عقیدت و تزئید مودت آن اعلی حضرت و مطابق مکنونات قلبیه ما بود به سمع قبول اصغا نموده و میل صادقانه باطنیه خودمان را نیز که متضمن استحکام و استقرار مودت و صفای دولتین بود به معزی الیه القا نمودم و مخصوصاً به اولیای دولت خودمان سپردیم که در آنجا مقاصد و مآرب حقّه او کمال مساعدت و همراهی را نمایند تا به خواست ایزد منان مراتب دوستی و اتحاد دولتین اسلام که منتج از یاد و قوت شریعت غزای حضرت سیدالانام صلوٰه علیه السلام است به درجه قصوی ارتقاء یابد این موقع را منتغم شمرده ادعیه خیریه خودمان را برای مزید قدرت و شوکت این دولت و طول عمر و صحت وجود مسعود آن اعلی حضرت تقدم داشته احترامات فاقه و دوستی حقیقی قلبیه خودمان را نسبت به آن اعلی حضرت تجدید می‌نمایم. (سال 30 سلطنت تحریر شد)¹

در قصر سلطنتی سلطان مظفرالدین شاه قاجار

24	ذی	القعهده	1315	هجری
16	نيسان	1898	م	

¹ Y-EE-0059-0004-002



سند شماره 11

برای ورود به خلیج فارس حکومت ایران برای ساختن قرنطینه خانه از امور خارجه عثمانی اجازه میخواهد و امور خارجه عثمانی هم برای موافقت شرایطی دارد.

دایره بابعالی

دیوان همایون صدارات " احمدی "

حکومت ایران برای ورودی خلیج فارس و ساختن قرنطینه خانه با پرچم خود به همراه سربازان ایرانی یک پروتوکل بین المللی میخواهد، دولت عثمانی به این شرط میپذیرد که کشتیهای عثمانی در تنگه هرمز بمانند. حکومت بزرگ عثمانی در باره این موضوع یک جواب رسمی میخواهد تا به روم خبر دهد زیرا در مقابل سفارت ایتالیا که اعلامیه میدهد باید یک جواب قوی داد. برای ساختن قرنطینه خانه در تنگه هرمز دکتر، مأمور وزندانبان طبق اصول میفرستیم و برای محافظت

از دریا و برای امنیت برقرار کردن مقدار کمی از کشتی‌های عثمانی می‌توانند آنجا بیاستند. به شرط بالا رفتن پرچم عثمانی در قرنطینه خانه موافقت می‌شود. به همین منظور نامه رسمی به امور خارجه عرض و تقدیم شد. در باره این موضوع از مجلس وکلا در تاریخ 2 نisan 1899 (21 ذی القعدة 1316) تقدیم شده است. سرورم.

6 نisan 1899 م

صدر اعظم

رفعت¹

سند شماره 12

ساخت قرنطینه در بصره با تمایل ایران و عثمانی

با قلم مکتوب دایره خارجی بابعالی

به وزرات دولت

معروضات بنده

درباره حق استفاده از قرنطینه خانه که می‌خواهند در خلیج فارس بسازند از طرف کابینه ایران قبلا صحبت‌هایی شده است. درباره این موضوع نامه رسمی که از سفارت ایتالیا آمده، ترجمه شده و در یک شکل درست به آن‌ها جواب داده اند. برای قبول شدن بعضی از حق‌ها که شامل چه چیزی باشد، از طرف وزرات سلامت صورت نوشته‌ی را در تاریخ 17 ذی القعدة 1316 تقدیم کرده بودند. در این بخش خواسته‌ی مورد بحث

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010, Y.A.HUS,394/102, S.304

حکومت ایران این است که بر روی این مملکت پرچم خود ایران و محافظین مسلح ایرانی باشد و در این خصوص حق محافظین فقط به یک ماده بستگی دارد. برای این ماده نیز هیچ جای اعتراضی نیست. و در این بخش برای موافقت همه دولت‌ها پروتوکولی باید بسته شود که فقط حکومت بزرگ عثمانی برای موافقت داشتن درباره این موضوع عمل خواهد کرد. به تلگراف‌های که از روم گرفته ایم، برای خبر دادن موافقت دولت، به یک شکل قوی جواب داده خواهد شد. در نامه‌ی که قبلاً نامش را گفتیم، سفارت ایتالیا دو اولتیماتوم داده بود. به همان شکلی که شما به بنده خود عرض کردید برای قرنطینه خانه‌ی که مجبورا در تنگه هرمز مانده، دکتر، مأمور و زندانبان از طرف مجلس سلامت در یک شکل موافق انتخاب کرده و فرستاده خواهد شد. برای اینکه از قرینطه خانه دریا محافظت بشود به مقدار کافی حضور کشتی در آنجا لازم است. به این شرط که پرچم عثمانی آنجا کشیده شود با محافظت از دریا و قاره توسط حکومت ایران موافقت میشود و با آخرین مراجعت به سفارت اجرای این امر لازم است و تصویب آنرا به شما عرض میکنیم. امر و فرمان پادشاه است. سرورم.

6 نیسان 1899 م

ناظر خارجی،

توفیق¹

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010, Y.A.HUS,394/102, S.306



سند شماره 13

به علت انتشار بیماری مسری وبا در ایران ،جنازه ها را به بغداد میفرستادند اما دولت عثمانی در یک مدت زمان کوتاه این کار را منع می‌کند.

اتاق تحریرات صحیحه امور نظارتی

معروضات بنده به صدارات بزرگ و عالی

بیماری وبا از ایران به بندر بوشهر سرایت کرد ، به همین دلیل تدابیر زیادی را لازم دیدند. جنازه های را که از سواحل ایران در خلیج فارس می‌آیند در بغداد در کنار زیارتگاه های که محل تربت بزرگان دین است حق دفن نداشتند واز این کار منع شده بودند تصمیمی که درباره این موضوع

گرفتیم با مدرک نوشته و اعلام کردیم و همچنین به وزارت امور خارجه نیز خبر دادیم، هر چه لازم باشد درست می‌کنیم و عملکرد خود را خبر خواهیم داد. و از صادرات پناه والا مساعدت می‌خواهیم، امر و فرمان شماست.

29 حزیران 1899 م

ناظر صحیحه

توفیق¹

سند شماره 13

پیوست

به امور داخلی

به دلیل سرایت بیماری وبا از ایران به بندر بوشهر تدابیر زیادی را لازم دیدند. در سواحل خلیج فارس تا مرزهای عثمانی جنازه‌های که به این منطقه می‌آوردند را تا آخرین لحظه در زیارتگاه‌های ایران قبول نمی‌کردند. هر چه را که لازم است و همچنین قرارهای را که تطبیق داده اید خبر بدهید و بنویسید و اعلام کنید. به وزارت سلامت به یک شکل سریع خبر بدهید و هر چه لازم است را انجام دهید.²

29 حزیران 1899 م

¹ I.HUS.103.167

² I.HR. 383. 46

سند شماره 14

مأموریت شخصی به جای مُجّد شمسالدین، بدلیل استراحت (تغییر آب و هوا) کوتاه مدت وی و خانواده اش در استانبول

دایره سر کاتب همایون سراییلدیز

9825 عدد

مُجّد شمسالدین سفیر تهران برای تغیر آب و هوای خانواده خود جهت فرستادن به استانبول اجازه میخواهد و مشارالیه (شمسالدین) برای زمانی که در تهران نیست برای انجام کارهای سفارت در یک مدت کوتاه باید یک سفیر تعیین کند و بعد به تهران بیاید . سپس به مُجّد شمسالدین اجازه داده می شود . امر و فرمان پادشاه است.

29 ذی الحجه 1320

15 مارت 1319 رومی

حیجری

سر کاتب شهریار

سند شماره 15

مطالبه مأموریتی کوتاه از سوی فرماندهی شهر وان باقی
بیگ به جای سفیر تهران ع شمسالدین بیگ
465 عدد

دیوان همایون "آمدی" صادرات دایره بابعالی
به حضرات دولتی

سفیر تهران شمسالدین بیگ اجازه می‌خواهد تا برای مدت
کوتاه سفیری تعیین بکند تا به تهران بفرستد، زمانی که
به او اجازه داده شود، کسی که بجای وی می‌آید باید کار
شمسالدین بیگ را ادامه بدهد. درباره این موضوع موافقت
مقام صادرات پناه لازم است تا یک مأمور به سفارت تهران
بفرستند و در این مدت برای اقامت در اینجا معاون قلم
مکتوب امور خارجی باقی بیگ، نامه رسمی که درباره این
موضوع از وزرات امور خارجه آمده را تقدیم می‌کند و ناظم
پاشا بعنوان مقام مصلحت گذار می‌ماند زیرا والی سابق وان
ناظم پاشا هم زبان فارسی را می‌فهمد و هم بر وضعیت
ایران واقف است و مشارالیه باید با اینکار موافقت کند.
در تاریخ 1 محرم 1321 برای انجام مأموریت سفارت تهران

¹ I.HUS. 115. 28

نامه رسمی‌نوشته و اجازه داده شد. درباره محمد شمس‌الدین و خبرهای که از امور خارجه درباره وی آمده عرض و تقدیم می‌شود. در این موضوع امر و فرمان پادشاه به هر شکلی که باشد عمل می‌شود و با همین بیان نامه رسمی‌داده می‌شود. سرورم.¹

21 نisan 1319 رومی

6 صفر 1321 هجری

سند شماره 16
مجموع حقوق معوقه‌ی محمد شمس‌الدین و پرداخت آن توسط "باش
شهر بندلیگ" کرمانشاه
199 عدد

دایره سرکاتب همایون سرای‌یلدیز
5 ماه از حقوق و خرجی راه سفیر تهران که از سال گذشته مانده را در چهارچوب قاعده درست کنید و بعد از این هر سال در یک شکل درست پرداخت خواهد شد. شمس‌الدین بیگ باقی مانده همه‌ی معاش خود را میتواند از کنسولگری کرمانشاه بگیرد. هر موقع لازم باشد درباره این موضوع از مقام صدارت اجازه بگیرید. امر و فرمان پادشاه است.²

10 محرم 1322 هجری

15 مارت 1320 رومی

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010, Y.MTV.285/14

² Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010, Y. PRK. EŞA. 49/83

سند شماره 17

مراتپ پرداخت حقوق و نحوه دادن خرجی راه به محمد شمسالدین و همچنین پرداخت دو برابر خرجی راه نسبت به کارمندان اروپا

دیوان همایون دایره صدارات بابعالی

عدد 527

به حضرات دولتی

پول و خرجی راهی که از 5 ماه گذشته‌ی شمسالدین بیگ، سفیر تهران مانده درست شده و از این به بعد درست داده خواهد شد. پول و حقوق معاشی هم که مانده از درآمد سرکنسولگری کرمانشاه خواهد گرفت. نامه‌یی به شکل رسمی در خصوص اجازه دادن به شکلی که طبق فرمان حضرت صدارات پناه است به وزارت امور خارجی نوشته شد و شمسالدین که اجازه گرفته میتواند به استانبول بیاید. مأمور خارجی که در آسیا است همانند مأموری که در اروپا است دو برابر خرجی راه باید به او بدهند و همچنین همانند این سفیران به محمد شمسالدین نیز باید 30 هزار کوروش داده شود. جواب رسمی که از امور خارجه بیاید عرض و تقدیم میشود. در این موضوع پادشاه

هرچه امر کند همان است. با علاقه این نامه را نوشته شده است. سرورم.

29 مارت 1320 رومی

24 محرم 1322 هجری

صدراعظم

فرید

سند شماره 18

پیوست

معروضات بنده

نامه رسمی به پیوست دست صادرات پناهی رسید و درباره این موضوع هر چه لازم باشد انجام خواهد شد ، امر و فرمان پادشاه است.

21 نیسان 1320 رومی

18 صفر 1322 هجری

سرکاتب شهریار

تحسین¹

¹ İ. HR. 407. 27

سند شماره 19

کنسولگری انگلستان در بغداد با میانجگری میان مجتهد و
علمای ایران در کربلا و نجف حقوق میدهد .

نامه رسمی‌والی بغداد برای این موضوع:

دایره کاتب همایون سرای‌یلدیز

درباره وضعیت و خصوصیات عمومی این منطقه است. انگلیسی‌ها
درباره بغداد فکر بد میکنند و درمحیط عراق فعالیت‌های
خارجی صورت می‌گیرد. با پژوهش‌های که کرده شد فهمیدیم که
در این منطقه کنسولگری انگلستان در بغداد با میانجگری
میان مجتهدین و علمای ایران در نجف و کربلا حقوق میدهد.
به علمای ایران از هر ده نفر به یکی 37500 لیر انگلیس
حقوق میدادند، این پول به چه صورت و به چه قصدی و به چه
واسطه‌یی و ازچه زمانی داده شده را نمی‌دانم. این پول از
طرف دولت انگلستان یا از کمیته فساد داده میشود و در
مقابل این از علما چه خواسته اند و انگلیسی‌ها چه نفعی
دارند و چه طور در علما نفوذ کرده اند از طرف استخبارات
پژوهش کرده و وضعیت را عرض خواهم کرد. سرورم.

29 مارت 1906 م

والی بغداد

¹ مجید

¹ B. E. O. 650. 48680

سند شماره 20

درباره پیشرفت قبل و بعد رویداد مشروطیت در ایران

دایره سر کاتب همایون مابین

به حضرات دولتی

علمای ایران از اطراف دیگر بعضی حرکتهای و اقداماتی را به وجود آورده اند. در این بخش درباره وضعیت عمومی ایران از طرف سفارت هر هفته یک گزارش خوب درست کرده و با یک شکل خوب به پادشاه عرض خواهیم کرد. این موضوع را در تلگرافی در تاریخ 23 تشرینی ثانی (تقویم رومی) 1322 خبر داده ایم. در آخر این ماه به پادشاه دولتمان، درباره این رویدادی که در اینجا بوجود آمده یک نامه رسمی در همان زمان خواهیم داد. هر چیزی که میشود و هر چیزی که تغییر میکند را به یک شکل درست عرض و بیان میکنیم و تلاش میکنیم که اثبات بشود. اینطور که صنف علما در ایران تأثیر بسزایی دارند مردم ایران بخاطر قاعده مذهب تابع و پیرو آنها هستند، بخاطر اینکه صنف علما در اینجا خیلی قوی و مهم هستند. برای منفعت و فایده خودشان از مملکت برای خود استفاده میکنند. برای منفعت خود کارهای اجرایی و امر حکومت را ناموفق میکنند. در حکومت ایران تشکیلات نظام عدلیه، ملکیه، عسکریه با تغییر از شکل اداری محروم میشوند و ولایتهای که در خدمت دولت هستند را با همان شرایط خوب عرض کنید تا اسناد و اگذار شوند. دعوی حقوق و جزا به اسم شرعیات از طرف صنف علما و همچنین حکمهای عرفی از طرف علما صادر میشوند. عموماً نامه رسمی دعوی یا موقعیت دینی و حکمهای متغیر را که میدهند اجرا

میکنند. به این خاطر مشکلات زیاد می‌شود. درآمد اداره‌های دیگر را نیز از گذشته به شکل احاله (واگذاری) می‌دادند. اداره گمرک ایران به این شکل از 3-4 سال پیش برای شخصی بلژیکی به نام مسیو نویس که برای خدمت وارد ایران شده امانت داده شده بود. این شخص همه‌ی درآمدهای اداره گمرک که به کارمندهای بلژیکی‌ها و سایر اروپایی‌ها می‌دادند را موفق شد دو درجه بیشتر کند. و وی توانست اعتماد شاه را به خود جلب کند. زیاد شدن درآمد و هم بیشتر شدن درآمد مأمورها در ایران مهم نبود زیرا اداره گمرک در دست خارجی‌ها بود. و رجال دولت و صنف علما که از این افزایش درآمد محروم شده بودند میخواستند که مجدداً گمرک را به ایرانی‌ها بدهند. حتی در سال گذشته خواستند که مسیو نویس و سایر اروپایی‌ها را از گمرک اخراج کنند و مجدداً به ایرانی‌ها بدهند، به خاطر این به دولت خیلی مراجعه کردند اما مسیو نوژ دوباره به یک شکل درست پول گمرک را به شاه داد به همین دلیل به عزل مسیو نوژ شاه مساعدت نکرد. از طرفی صدر اعظم با مزاج متکبر و عصبی که داشت تا جایی که میتواند از دولت برای منفعت خود استفاده میکند. در مقابل مخالفها مسامحه نمیکند و قرارها را اجرا نمیکند و انسان‌های ضعیف را به جاهای دیگر تبعید میکند. در همان زمان صدر اعظم مانع علما و مردم میشد و آنها نیز بازارها را ترک می‌کردند. علما و مردم عصیان کردند و صدر اعظم با سردسته‌ی عصیان‌گراها صحبت کرد و آنها عزل مسیو نویس را می‌خواستند و اصلاحات حوزه حقوقی خود را مطالبه میکردند. در جنوب تهران یک ساعت به شاه عبدالعظیم رفتند و در آنجا یک ماه ماندند بعد خواستار اصلاحات حوزه حقوقی خود بودند و از دیگر خواسته‌هایشان قبول شدن وعده‌ها از جانب صدارات بود که با تحقق این امر آنها به تهران برگشتند. صدر اعظم عین الدوله این بار علما و رجال را

به شکل بدی تهدید کرد و آن‌ها را تبعید کرد. حتی بعضی از رؤسای علما را دستگیر کردند و خواستند که از تهران تبعید شوند. ولی فساد عصیان تکرار و بسیار شدیدتر شد. در این میان نامه‌ی که در تاریخ 3 و 16 حزيران 1322 (رومی) عرض و تقدیم کردیم و مسایل را همان گونه که بود عرض کردیم و کسانی را که قرار است تبعید بشوند را به سفارت عثمانی پناه دادند. شیخ الرئیس به یک شکل درست در سفارت 15 روز مهمان بود. سفارت عثمانی از حکومت ایران تأمینات می‌گرفت و به خانه‌ی وی تسلیم می‌کرد. بعد از آن زمان وی را به خانه تابستانی در شهر شامران انتقال دادند و در آن زمان علما و مردم در مسجد جمع شدند و اخراج بلژیکی‌ها و عزل صدر اعظم را خواستار شدند. و برای آنکه خواسته‌های خود را به شاه عرض نمایند یک هیئت از علما را انتخاب کردند ولی صدرالعظم مانع از آن شد که آن هیئت پیش شاه برود. برای پراکنده کردن، مردم و سر دسته‌ها را در مسجد دستگیر کردند و آن سربازانی که مأمور این کار بودند در میان عصیانگرها و عربده‌ها و آشوب‌های که بوجود آمده بود تیراندازی کردند به طوری یک سید و همچنین مردم زیادی زخمی شدند. با این شکل حکومت برای پراکنده کردن مردم موفق شد، زیرا در زمان اینچنین حکومتی در تهران ماندن دیگر به صلاح نبود و برای این سید عبدالله و سید محمد و شیخ فضل الله نوری و هر کسی که تابع آن‌ها بود و آن‌هایی که بد آن‌ها کمک می‌کردند باهم از تهران حرکت کردند و به شهر مقدس قم رفتند. در آنجا در بارگاه حضرت معصومه که به یکی از 12 امام منسوب است پناه آوردند. تجار و علما و هزاران نفر دیگر در تهران ماندند و به باغ داخل سفارت انگلستان فرار کردند. سایر آشوبگرآنها تهران و علمایی که ماندند تهران را ترک کردند و به شهر قم پناه بردند و در اطراف پخش شدند. تبریز، زنجان، اصفهان و علمای معروف

سایر جاها و کسانی که از آنها تبعیت شده بودند به سمت قم حرکت کردند تا به مردم و علمای که در قم بودند ملحق شوند. از طرف دیگر ده‌ها دوازده هزار نفر هم در باغ سفارت انگلستان بودند. مصلحت‌گذار انگلستان بیان کرد که به بعضی از خواسته‌های عصیانگران حق می‌دهد، به همین دلیل صدر اعظم عین الدوله استعفا کرد و به جای او مشیرالدوله تعیین شد. از آن به بعد علما از قم به تهران برگشتند، حکومت تهران طلب و تکلیف کرد که ان مردمانی که به سفارت انگلستان پناه برده بودند آنجا را ترک کنند. اما آشوب‌های که در ایران رخ داده به عصیانگرها اعتماد میداد زیرا هم زمان در روسیه هم آشوب وجود داشت و این آشوب‌ها متأثر از آشوب‌های روسیه است. مدت کوتاهی عصیانگرها منتظر ماندند تا از اعضای منتخب، مجلس ملی بسازند، اگر تشکیل مجلس را از طرف شاه قبول نکردند به عصیان ادامه خواهند داد. اما مردم مانع این خواسته را خوب نمی‌دانستند. و برای منصرف شدن مردم از خواسته‌ی خود هر روز عوارغم تدبیر تشویق و تهدید کردن، عصیانگرها بر خواسته خود اصرار می‌کردند. به همین روی بدلیل بیماری شدید شاه وعدم اعتماد به سربازان و بی‌پولی دولت، شاه در تاریخ 14 جمادی الاخر 1324 منصرف شدن مردم را خواستار شد. سپس با یک نامه رسمی وکلایی از اعضا، شاهزادگان و قاجارها، علما، تجار، مالکین و اصناف دیگر تشکیل شد و تصمیمات وکلا از طرف شاه قبول شد. ولی وکلایی که مجبورا تشکیل شدند، از تاریخ 18 شعبان 1324 سه‌بار بار در هفته حضور شاه جمع می‌شدند. هم زمان علما و مردم مهم عوام با چنین وضعیتی آشنا شدند اما به این خاطر که اهالی با این چنین اداره‌یی آشنا نیستند، هم علما و هم سایر مردم فکر میکنند که در این مجلس هیچ خیری نیست. ولیعهد پسر بزرگ شاه نامه رسمی را که مجبورا برای

قبول شدن مجلس نوشته شده بودند، با استفاده از بیماری پدرش، ادعا کرد که قبول نخواهد شد و بر علیه طرفداران مجلس تدبیرهای سختی اندیشید. علما و رجال دولتی را که علیه مجلس هستند را به طرف خود کشید، وی در کل برای دوام مجلس شبهه دارد و از انجام اصلاحات نا امید است. از این به بعد بنده شما رویدادهای را که رخ میدهد وهم نتیجه رویدادها را پشت سر هم به پادشاه خبر و عرض خواهد کرد. درباره این موضوع سریعاً به شما خبر خواهم داد. امر و فرمان پادشاه است.

13 آralık 1906 م

سفیر تهران محمد شمسالدین¹

سند شماره 21

مأموریت ارهان فرزند سفیر تهران محمد شمسالدین به رایزنی
سفارت پاریس

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010, s.392-393

به قلم مکتوب دایره خارجی بابعالی

به مقام صادرات

معروضات بنده

برای اورهان بیگ پسر شمسالدین بیگ سفیر تهران، که در امور خارجه کار میکند، نامه رسمی جهت پرداخت 500 کوروش به وی است. محمد شمسالدین تعیین خود را بشکل رسمی به مقام صادرات عرض مینماید و برای رفتن به جای دیگر از مقام صادرات اجازه رسمی میخواهد و کمیسیون انتخاب مأمور خارجی ان را درست کرده و به اضافه قرار نامه تقدیم میکند. و هر چه لازم باشد در مدت کوتاه عمل کنید. امر و فرمان صدراعظم است.

19 حزیران 1907 م

6 حزیران 1323 رومی

ناظر خارجی

توفیق¹

سند شماره 22

پایان مأموریت گالیپ بیگ و اسدالله و همچنین تعیین شمسالدین بیگ بعنوان سفیر ایران و عبدالحق حمید بعنوان سفیر لاهی

به وزارت خارجه

¹ I.HUS. 158. 58

پایان مأموریت عبدالحق حمید بعنوان سفیر لاهی و شمسالدین بیگ به عنوان سفیر تهران و گالیپ بیگ به عنوان سفیر تهران و میرزا اسدالله خان به عنوان سفیر ایران مجدداً تأیید شود و به یک شکل درست با 4 نسخه به صادرات استانبول عرض شود و بلافاصله بعد از تعیین حامد بیگ از طرف سفارت تهران، مجموع حقوق و خرجی راه وی را زود بدهید. لازم است که حمید بیگ زود به محل مأموریت خود حرکت نماید. مقام صادرات. امر و فرمان پادشاه است.¹



سند شماره 23

نفوذ عثمانی و مخالفان آن در پارلمان ایران پس از مشروطیت

صورت نامه رسمی که به شماره 501 در تاریخ 12 ایلول 1323 به وزارت امور خارجی از سفارت تهران نوشته شده بود.

¹ İ.HUS. 163. 88

از اولین مؤسسين مجلس ملي ايران كه در درجه اول رياست اقوام را در دست گرفت مجتهد آقاي سيد عبدالله بود. وي در اشوبها براي تداوم منافع خود بسيار فكر مي‌كند. و احتمالا به نفع روسها نيز خدمت مي‌كند. حكومت ايران مانع رويدادها و آشوبهاي كه در مرز عثماني و ديگر جاهاي مملكت ايران رخ داده نميشود. حكومت عثماني با شاه متفق بود ولي آشوبهاي كه از طرف مرز براي تداوم خود تحت فشار بودند، به آن هنگام مجلس ملي، مردم و روزنامه‌ها را عليه دولت عثماني و شاه تحريك مي‌كردند. بعد از آن وزيرهاي كه روي كار آمدند و طرفداران سلطان مي‌گويند، از روي اجبار صنيع الدوله استعفا كرد و به جاي او شخصي كه با رأي عمومي رئيس مجلس ملي تعيين شده، رئيس كمسيون حدود پسو بوده است. اين بار سفير برلين احتشام السلطان كه از اركان قاجار مي‌باشد به تهران برگشته ، بر اين باور است اگر با دولت عثماني روابط خوبي داشته باشيم هم براي ايران و هم براي جهان اسلام منعت دارد.

اين طور فهميديم كه به خاطر منفعتهاي شخصي مجتهدى كه نام آن را گفتيم نفاق و آشوب بوجود مي‌آمد و در نتيجه هم مجلس و هم مردم و هم اصناف كه در ميان آنها يك انجمن تشكيل شده بود روزنامه‌ي را كه در پست خانه عليه دولت عثماني تاسيس شده بود را در دست گرفتند. و از همين روي هيجان مردم كمتر شد، در آن زمان كه مجتهد براي خود احساس خطر كرد و براي اينكه از اقوام خودش محافظت كند خواستار اين بود كه مردم به شكل سريع مجدداً به هيجان بيابند. از 4-5 روز پيش در مجلس اولي كه تشكيل شد گفتند، بايد سربازان عثماني از مزرها بيرون بروند و هم آشوبها به پايان برسد براي همين مجلس به شاه سه روز وقت مي‌دهد. اگر در اين زمان اين كار انجام نشود خودش به مرز مي‌رود و با سربازان عثماني جهاد مي‌كند . و همچنين

می‌گوید که لازم است که همه مردم هم به دنبال من به مرز بیایند. از همین روی احتشام السلطنه رئیس مجلس قیام میکند و رئیس مجلس می‌گوید که اگر مردم تحریک شوند بین ایران و عثمانی جنگ صورت می‌گیرد که نتیجه آن بد می‌شود. مجتهد مجلس را همچون باغ بچه‌ها تعبیر میکند و برای همین رئیس مجلس دیگر ریاست مجلس را قبول نمی‌کند و این را به همه‌ی مردم بیان کرد و مجتهد را برای خود دشمن کرد. وی برای رفتن به خانه خود به اتاق دیگری رفت ولی اعضای مجلس به دنبال او رفتند و با اصرار زیاد آن‌ها وی مجدداً به مجلس برگشت. و با همان لحن مجتهد صحبت کرد و با شدت پرخاش کرد، مردم و اعضای انجمن اصناف و گروهی دیگر از مردم که در مجلس بودند با رئیس مجلس از باغ اداره مجلس ملی پایین آمدند و وی به مردم خطاب کرد. عاقبت این وضعیت به شکل سخنرانی "من برای مردم ایران و دنیای اسلام کارهای خیری انجام خواهم داد و با دولت عثمانی صلح می‌کنم و اگر نتوانم این کار را انجام بدهم از من انتظار هیچ کار خوبی را نداشته باشید." از روی همین گفته‌ها، مردم حرف‌های او را تصدیق کردند و پراکنده شدند. با این اوصاف مقام مجتهد کمی از چشم افتاد. حرف آخر را که مجتهد در روز دیگر می‌خواهد بگوید وی در مسجد بالای منبر میرود و به مردم می‌گوید که کفن بپوشید و اعلام کرد که لازم است همه در مسجد جمع شوند. استخبارات مجلس می‌گوید که وی مثل هیجانی که در مجلس داشت به مردم خطاب خواهد کرد و از همین روی پیش مجتهد سه‌یا چهار نفر از اعضای مجلس را فرستادند. اگر بدین شکل به مردم خطاب بکند باعث آشوب خواهد شد. از مجتهد می‌خواهند که این کار را نکند. اگر بر عکس گفته آن‌ها عمل بکند نتیجه بدی خواهد داشت. اعضای مجلس پنهانی به مجتهد گفتند که نجات

مردم از این آشوب‌ها و تأثیرات یک چاره دارد و آن هم مجلس است.

به یک شکل درست بنده در تلگرافی حرکت رئیس مجلس را به شما عرض کردم. از همین روی این رویداد برای مدتی کوتاه ساکت شد. ولی در ایران علما خیلی قوی هستند و علارغم این رئیس مجلس میخواهد که مجتهد و علما را تضعیف بکند. اما رئیس مجلس قوی نیست به همین خاطر احتمال میدهد که وضعیت این رویداد بدتر شود. در این بخش به شما عرض کردم.

کپی برابر اصل است.¹

خلیل رضا

¹ I.H.R. 411. 4

سند شماره 24

ادامه مأموریت محمد شمسالدین تا جایگزینی سفیر جدید

5148 عدد

دایره سرکاتب همایون سرایلدیز

در خصوص اجازه سفیر تهران شمسالدین بیگ برای آمدن به استانبول 2 نامه رسمی بدست شما در تاریخ 1325 شعبان 13- 16 در سعادت (استانبول) رسیده است. اگر شمسالدین بیگ برود دیگر سفیری نیست و آن فایده‌یی ندارد پس شمسالدین بیگ یک فرد مناسب به جای خود انتخاب کند و بفرستد و تا زمانی که سفیر دیگر بیاید باید وظیفه خود را بخوبی ادامه دهد. وی برای اینکه خانواده خود را به شکل مناسب تا "باتوم" بیاورد اجازه گرفته بود. شمسالدین بیگ به جای خود در "باتوم" والی وان را فرا میخواند. و برای فرستادن وی اجازه پادشاه چیست. امر و فرمان پادشاه است.¹

12 ايلول 1323

17 شعبان 1325 هجری

رومی

سرکاتب شهریار

تحسین

¹ I.HR.413. 8

سند شماره 25

برکنار کردن محمد شمسالدین

دایره سر کاتب همایون سراییلدیز

67 عدد

شماره: 67

درباره موضوع نامه رسمی عزل سفیر تهران محمد شمسالدین بیگ
که از استانبول آمده امر، امر حضرت پادشاه است.

25

4 محرم 1326 هجری

7 شوبات 1908م

کانون ثانی 1323 رومی

سرکاتب شهریار

تحسین¹

¹ İ.HR.9.41

سند شماره 26

تعیین و نحوه پرداخت خرجی راه برای محمد شمسالدین

2943 عدد

به قلم مکتوب خارجی دایره بابعالی

به مقام صادرات

معروضات بنده

محمد شمسالدین سفیر تهران قبل از آنکه بیاید ، خرجی راه وی را به امر مقام صدر اعظم بزرگ و به امر حضرت پادشاه هر چه قدر که لازم است بدهید و به اندازه نصف خرجی راه که به سفیر میدهند با 50 هزار کوروش خرجی راه برای برگشتن وی موافقت میشود، به شکل سالیانه آن را درست کنید و بدهید. فقط این موضوع را به مقام بزرگ صدراعظم عرض کرده ، و به شکل نوشتاری محاسبه خواسته بودند. اجرای این امر از عدالت پادشاه است. امر و فرمان پادشاه است.

رومی

1323

ثانی

کانون

28

7 محرم 1326 هجری

ناظر خارجی

توفیق¹

سند شماره 27

پایان مأموریت محمد شمسالدین و جایگزین شدن ناصح بیگ

1623 عدد

دیوان همایون " آمدی " دایره صدارات بابعالی

سرورم

با عزل و پایان یافتن مأموریت محمد شمسالدین بیگ به جای او ناصوحی بیگ به سفارت تهران تعیین میشود. و بدین منظور نامه‌ی را که لازم است در دو قسمت به یک شکل درست نوشته ، عرض و تقدیم کنید ، در این نامه‌ها از جمله‌های موافق قانون استفاده کنید. و هر چه که فرمان باشد لازم الاجرا است و برگشت سریع آن امر میشود. . سرورم .

14 جمادی

31 مارت 1324 رومی

الاول 1326 هجری

صدراعظم

فرید

سند شماره 28

پیوست

معروضات بنده

نامه‌ی که بدست ما رسیده، به صدراعظم عرض و تقدیم شد .
برای این نامه‌ی دو نسخه‌یی هر چه که لازم باشد امر میشود
،به این خاطر که درباره این موضوع، اداره بزرگ به طرزی
موافق به خودش(سفارت تهران)خواهد فرستاد. امر و فرمان
سرور ما است.

15 جمادی

1حزیران 1324 رومی

الاول 1326 هجری

سرکاتب شهریار

تحسین¹



سند شماره 29

ارث وکیل الدوله و رویدادهای مابین دولت عثمانی و ایران
اتاق استشارات وزرات امور خارجه بابعالی
به وزرات امور خارجه

مصلحت گذار سفارت تهران به همراه وزرات امور خارجه آمده بود و آن‌ها نامه رسمی‌خصوصی را که به شماره 223 در 16 کانون ثانی 1324 به اتاق استشارات حواله شده بود را به کناری انداختند. برای اموال وکیل الدوله بعد از مرگ وی سفارت تهران نمی‌تواند به نتیجه‌ی برسد زیرا املاک در میان مانده و محو و نابود خواهند شد. خانواده‌ی وی مراجعت نکردند و اموال باقی ماندند. این کار به کرمانشاه حواله شد و به جایی که نامش گفته شد بروید و وضعیت آنجا را حل کنید. خواهش میکنم. همه وارث‌ها ملک‌هایی را که 2-3 روز مسافت به کرمانشاه دارند را غصب کردند و به نام خودشان ثبت کردند. از مردم ایران امام جمعه و دیگران در آن دوره حکومت کرمانشاه سند و اوراق ساختگی را نشان دادند و با امر حکومت ملک‌های قیمتی را غصب کرده و محصولات را غارت کردند. مراجعت همه‌ی وارث‌های که از دولت عثمانی هستند را به کنسولگریخانه خبر دادند. برای اینکه از این وضعیت جلوگیری شود وارث‌های را که به حکومت مراجعه کرده اند هر چه اقدام کردند موفق نشدند. با یک نامه رسمی‌به سفارت تهران خبر دهید. لازم است که این رویداد را درست کنید و میخواهم که همه این کارها را به تهران حواله کنید. حکومت ایران و حکومت محلی از غاصب‌ها حمایت می‌کند و به کارهای غیر قانونی آن‌ها توجه نمی‌کند و گزارشی که از طرف سفارت تهران می‌آید بی نتیجه است. حکومت محلی و وارث‌ها جسارت ندارند که ملک شخصی را که مرده در دست بگیرند. حکومت محلی و طرفدارهایش مانع از هجوم به ملک‌ها شدند و باید هم برای گرفتن ملک‌ها و هم برای اجرای این فرمان‌های که صادر میشود و هم از وارث‌هایی که با سندها و اوراق‌های ساختگی پول و املاک زیادی را گرفته بودند مانع شویم. برای اینکه همه آن‌ها را رد کنیم از سفارت یک

مأمور شخصی خواهش کردیم علی رغم این سفارت تهران این را رعایت نکرد.

محافظت کردن از ملکهای بیرون شهر برای کنسولگری خانه سخت است. برای این کار یک کمسیون تشکیل می‌شود که رئیس آن محمد شمس‌الدین بیگ است و در این کمسیون 3 نفر برای املاک شخصی که می‌میرد آماده هستند. و املاک همه وارث‌های که در ایران هستند را دادند و نتیجه گرفتیم که از 3 سال قبل تر محمد شمس‌الدین بیگ همه ملک‌ها را به 4 قسمت جدا کرده بود. وی به همه هموطن‌های عثمانی راه را نشان داد. وارث یکی از این سهام میرزا اسماعیل و هموطن عثمانی است و وارث ایرانی شخصی به نام حاجی صفر است که برای 3 سال اجاره داده بود. و سهم چهارم را هم به وارث ایرانی دادند. همه این ملک‌ها با امر شما نتیجه گرفت. بعضی از اشخاص با سندهای ساختگی ادعا میکنند که وارث ملک‌ها هستند. شخص‌های که بالا عرض کردیم سفیر مشارالیه آن‌ها را با خود به تهران آورد و برای آنکه ادعای خود را اثبات کند در وزارت امور خارجه ایران قراردادی بسته شد. امور خارجه ما، از مدعیان خانم خاتون و وکیل امام جمعه را به تهران آورده بود. اما هیچ کدام از آن‌ها نتوانستند ادعای خود را اثبات کنند به همین خاطر به کرمانشاه رفتند و مدعیانی که به تهران نرفتند به بعضی ملک‌ها حمله کردند و محصولات را به‌یغما بردند. برای این موضوع کنسولگری هر چه لازم بود عمل کرد. در اجرای این امر کوتاهی نکرده بود و وارثین غارت گر هیچ ملکی را نتوانستند بگیرند، برای اینکه وزارت امور خارجی عثمانی هم به حکومت محلی و هم به حکومت ایران اعتماد دارد. اما حکومت ایران و حکومت محلی وارثین غارتگر را حمایت کرده و برای اینکه خواسته‌های ناحق آن‌ها قبول شود تلاش کردند. در اینجا (ایران) قانون حقوق وارث را می‌خواهند ضعیف بکنند تا محو

بشود. معلوم میشود که در این وضعیت با هدف محافظت از ملکها از دست مأمورهای ظالم ایران، اقدامات سفارت تهران با کنسولگری خانه بی نتیجه مانده است. هم همه وارثها و هم هموطنهای عثمانی که در ایران هستند از طرف مأمورهای ایران اذیت میشوند. ایرانیها محکمه حقوقی و هضم کردن حقوق را نمیشناسند. برای همین در مقابل حکومت ایران زود باید تدبیر شود و همه این رویدادها در دست شما است. همه این ادعاها درست است. برای مانع شدن از هجوم مدعیان املاک و برای تدبیر کردن قانون و و اثبات ادعای خود از اینجا به تهران بیایید. هاکان والده شاه با پسرهای سلطان منصور و سیدی به نام قاسم و دیگر شخصها املاک و اموال بعضی اشخاص را که مرده اند غصب کردند. برای گرفتن املاک وارثها در مقابل حکومت ایران به ما تدبیرهای تأثیر گذار امر بفرمایید و در شکل دیگر معلوم است که هم از همه وارثها و هم از مردمان عثمانی که در ایران ماندند در مقابل رفتارهای ایرانی نمیتوانیم محافظت کنیم. به طور خلاصه با ملزوم بودن تدبیرهای به شکل مشروع برای ایستادن ایرانیها نه سفارت عثمانی و نه کنسولگریهای که در ایران است در حق ظلمهایی که قبلا به مردم شده به هیچ شکلی نمیتوانند از حقوق مردم ما محافظت کنند. و این مثل وضعیت مدعیانی است که در بالا عرض کردیم. در سفارت تهران به یک نتیجه رسیده ایم. سهم وارثهای که از طرف عثمانی هستند را به تهران فرستاده و اموال تقسیم شد و اجرتها گرفته شد. و بعضی از قرضها به نتیجه رسید. بدین صورت در پایان کار یک نتیجه گرفتیم که آن زمانی که این رویداد به کرمانشاه حواله شد این کار بسیار سخت شد. این وضعیت سبب عصیان وارثها میشود. و در این حال به همه وارثهای که با سندها و اوراق ساختگی، املاک و پول زیادی را ادعا میکنند جسارت بدهید. مدعیان ایرانی که به شکل حقوقی با رعایت

قانون به تهران می‌آیند تا ادعای خود را اثبات نمایند. اما وقتی که آمدند با ادعای خودشان و یک دلیل قطعی در بعضی جاها از زور استفاده کردیم و املاک را دوباره باز پس گرفتند. مردم عثمانی زیادی که در "آمدی-شراییدی" ایران در داخل ایلات کرمانشاه هستند و مأموران ایرانی اشیاء آنها را به قیمت هزاران لیره غصب و غارت کرده اند. مقدار اموال، اشیاء و حیوانات آنها زیاد بوده است. اوراق نامه رسمی به سفارت تهران رسیده بود. و اموالی که در دفتر نوشته شده بودیا همان ویا حصول قیمت آنها باید انجام شود. اگر درباره‌ی همه آنچه که وارثها می‌خواهند به یک نتیجه رسیدید، در این وضعیت نیز به نتیجه‌ی برسید. به مصلحت گذار سفارت تهران به اضافه آن چه که لازم هست اجرای آن امر را خواهش میکنم. درباره این موضوع امر و فرمان سرورم است.

16

26 کانون ثانی 1324 رومی

محرم 1327 هجری

سرکنسولگری کرمانشاه¹

سند شماره 30

نامه‌ی ارسال شده به وزارت خارجه ایران در پی برخی وقایع رخ داده در مرز آناتولی و تحریک برخی اقشار جامعه توسط روحانیون علیه دولت عثمانی و در معرض خطر بودن سفارت خانه.

نامه از سفارت عثمانی در تهران به وزارت خارجه ایران در شعبان 1325 ه.ق (1907/10/3)

بر اساس اطلاعات به دست آمده، سفارتخانه در معرض خطر می باشد. همان طور که شما هم باخبر می‌باشید، در پی حوادث

¹ HR. HMŞ. İŞO. 9/41

ناخوشایند در مناطق آناتولی، در این جا اذهان عمومی به میزان زیادی مشوش شده است. روزنامه های محلی به حوادث مذکور در صفحه نخست پرداخته و انواع مطالب تحریک آمیز را منتشر کرده و سپاه عثمانی را به فضیحتی مانند قتل کودکان و تجاوز به زنان متهم کرده اند. در حالی که رعایت و اطاعت قوانین نظامی توسط سپاه عثمانی و انتظام آن، همگی معلوم و مسلم می باشد و با یک ملاحظه جزئی می توان دریافت که چنین حرکات مغایر با قوانین نظامی و آداب اسلامی را مرتکب نخواهند شد. به این نکته هم باید توجه کرد که از 50-60 سال قبل تا کنون متأسفانه امنیت مردم در نواحی مرزی هیچ وقت مورد توجه قرار نگرفته است و در طول نوار مرزی همواره قبایل کوچ نشین به مال و جان یکدیگر تجاوز کرده اند. با این معلومات، نسبت دادن اتهام این تجاوز و تعدی به سپاه عثمانی و بیان چنین سخنانی در مورد مأمورین عثمانی که بی اصل و اساس بوده و حتی در خاطر و خیال نمی گنجد شایان تأسف و مورد توجه می باشد. بنابراین به اعتقاد من حکومت ایران و خیرخواهان ایران این روش را توصیه نمی کنند. البته پس از مطالعه نامهای قبلی سفارتخانه به وزارت خارجه دائر بر حوادث آناتولی، از حقایق مسأله آناتولی و اقدامات حکومت عثمانی در این باب مطلع شده اید. چون که پس از تجاوز سربازان ایرانی به منطقه ای که لازم بوده همواره بی طرف باشد، از طرف سپاه عثمانی گروهی سرباز به منطقه اعزام شده و سربازان ایرانی از ناحیه مذکور بیرون رانده شده اند. متأسفانه این حرکت سپاه عثمانی از نظر حکومت ایران، غارت اموال و تخریب روستاها و قتل مردم تلقی شده است. در نتیجه حکومت عثمانی فوراً ضمن اجرای تحقیقات، اعزام یک کمیسیون مشترک را تصویب و قبول کرده است و متعاقباً جناب ذکی پاشا به محل واقعه اعزام گردیدند.

بنابراین برای حل و فصل مسئله مذکور و برگشتن آسایش، انتظار می‌رود مأمورین ایرانی به موضوع ورود کنند. چون حکومت عثمانی در خصوص اعزام یک کمیسیون تحقیق به سرعت اقدام کرده است، حکومت ایران نیز برای نشان دادن دلیلی بر حسن نیت خود باید جهت تسریع در اعزام کمیسیونی متشکل از مأمورین ایرانی اقدام می‌کرد. از تمام این‌ها دریافت می‌شود که حقیقتاً بین ایران و عثمانی هیچ گونه خصومت و منازعه موجود نمی‌باشد. با توجه به این شواهد، نشر برخی مطالب تحریک آمیز توسط جراید محلی و مشوش کردن اذهان عمومی را درک نمی‌کنم. اگر تعرضی به سفارت عثمانی صورت گیرد، در این صورت خدای ناکرده نفاق و دشمنی بین دو دولت اسلامی رخ می‌دهد و در نتیجه دو دولت اسلامی و جهان اسلام از نظر مادی و معنوی متضرر خواهند شد. بنابراین خواهش می‌کنم جراید محلی را به اجتناب از افراط و تفریط در مورد حوادث مذکور و استفاده از زبانی نرم تر سوق دهید و اسباب تسکین اذهان عمومی را که بی سبب مشوش شده فراهم نمایید. زیرا بر اساس اطلاعات رسیده به سفارت عثمانی، احتمال تجاوز و تهدید اتباع عثمانی و کارمندان سفارت وجود دارد. اتخاذ تدابیر لازم را علیه اشخاصی که ممکن است بر اثر جهالت جرأت کنند چنین اعمالی مرتکب شوند، خواستارم.

ضمناً خاطر نشان می‌شوم صورت رسمی این نامه را خدمت باب عالی تقدیم خواهم کرد. اطلاعات داده شده به اتاق استشاره توسط شمس‌الدین بیگ، وزیر سابق اوقاف و سفیر سابق در تهران، شامل مسائل مرزی موجود بین دولت عثمانی و ایران، ترتیب اثر ندادن دولت ایران به اعتراضات عثمانی در خصوص مسائلی مانند اخلاف حقوق شخصی اتباع عثمانی ساکن در ایران، تعقیب سیاست‌های جدی و حمایت کارانه در قبال

اقدامات ایران و نیز توصیه به مأموران عثمانی حاضر در ایران برای تلاش جدی در این مورد.¹

سند شماره 31

باب عالی، دایره خارجه، مکتوب قلمی، عدد 40
وزیر سابق اوقاف همایون، جناب شمس الدین بیگ افندی
طبق اخبار رسیده، مشکلاتی برای اتباع دولت عثمانی بر اثر
عدم رعایت برخی مفاد مهم تفاهم نامه‌ی دوجانبه از سوی
ایران، پیش آمده است. در واقع مفاد این تفاهم نامه طی
نامه‌ای رسمی به سفارتخانه ارسال شده، اما به دلیل
جابجایی محل سفارت، بی جواب مانده است. به دلیل وقوف و
دانش شما نسبت به مفاد مذکور، در این مورد از شما
تقاضای توضیحات داریم و بر اساس پاسخ دریافتی فوراً
تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد. پاسخ اتاق استشاره نیز در
پیوست ارسال خواهد. معلومات و اطلاعات مذکور را از شما
خواستاریم. امر و فرمان از آن پادشاه است.
8 ربیع الاول 1327، 17 مارت 1325 (1909/3/30)
وزیر خارجه، رفعت²

¹ Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014 .s.144

² Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014 .s.155

پیوست (سند شماره 31)

خدمت سرور گرامی

اطلاعات خود را در رابطه با این موضوع و با اشاره به این که از محتوای نامه‌ی اتاق استشاره درباره‌ی مفاد تفاهم نامه آگاه هستم، خدمت شما عرض می‌کنم. سقوط دولت ایران برای منافع دولت عثمانی زیان بار خواهد بود و بالعکس بقا و حتی اصلاح دولت ایران برای ما امکانات خوبی را فراهم خواهد کرد.

برای فراهم شدن این شرایط، شخصاً در مدت مأموریت خود در ایران از مدت‌ها پیش، تا جایی که توانسته‌ام با این مسائل مشغول بوده و برای حل آن‌ها تلاش کرده‌ام. علی‌رغم مدت کوتاهی که به این وضعیت توجه داشتم، توانستم اوضاع را کنترل کنم. اما این وضعیت با پیش آمدن مناقشات مرزی به سمت شکست پیش رفت. اما باز هم بر مواضع خود پافشاری خواهم کرد و به اقدامات خود ادامه خواهم داد. در واقع خلاصه‌ی وضع موجود، بهبود روابط دوجانبه و محافظت از جان و مال اتباع دولت عثمانی در ایران می‌باشد. تا کنون برای این مشکل چاره‌ای پیدا نشده است و براساس تجربیاتم نیز احتمالی برای بهبود روابط دو طرف نمی‌بینم. دلیل اول این که در ایران سازماندهی اداری منظمی وجود ندارد، دوم این که تدابیر لازم برای این وضعیت اتخاذ نمی‌شود و پس از این تنها چاره، انتظار برای بهبود اوضاع ایران است. همچنین به دلیل نبود دادگاه مورد قبول دو طرف، تفاهم دور از

انتظار است. به همین دلیل چاره‌ای جز به کار بردن نیروی نظامی نمی‌ماند. علاوه بر این چون ایرانیان دارای حکومت مناسبی نیستند، از رفتار خصمانه نسبت به عثمانی دوری می‌کنند، بنابراین از امتیاز دادن به اتباع عثمانی در خاک ایران اجتناب می‌کنند. با این حال تا کنون از طرف ایران در قبال این وقایع مشکلی جدی به وجود نیامده است و دولت عثمانی نه از تدابیر صلح جویانه و نه از تفاهم نامه‌ها به طور مطلوب سود جسته است. به این دلیل است که هرگونه مذاکرات صلح و تفاهم نامه‌های میان دو طرف در مورد هر موضوعی باشد، همواره بی‌نتیجه مانده است. موضوع مهم دیگر این است که ایران هیچ زمانی سیاست مناسب در قبال کشورهای دنیا و تفاهم نامه‌های مستمر صلح با آنها نداشته است. دولت ایران هیچ زمانی اختیار تام به شخص مأمور برای مذاکره نمی‌دهد، به جز مواردی که چاره‌ای نداشته باشد، به این دلیل کسی میل به انجام این مأموریت نداشته است. از 50-60 سال پیش تا کنون، در تفاهم نامه‌های منعقد شده با ایران، برای اصلاح روابط چاره‌ای یافت نشده است و مناقشات مرزی نیز به نتیجه‌ی مطلوبی نرسیده‌اند. تنها چند مورد از مشکلات حقوقی اتباع عثمانی در ایران به نتیجه رسیده‌اند. کشوری که در حل مشکلات حقوقی شهروندان خود درمانده است، چاره‌ای برای مشکلات اتباع عثمانی نخواهد یافت. تنها راه تأمین حقوق اتباع عثمانی یعنی به کارگیری قوه‌ی قهریه موضوع جداگانه‌ای است. تنها راه مورد قبول تحت این شرایط این است که خوش بین نباشیم و انتظار بهبود اوضاع را نداشته باشیم. به همین دلیل باید فوراً سیاستی جدی اما حمایت کارانه و مشفقانه نسبت به ایران اتخاذ شده و اعمال گردد. مسأله‌ی اصلی فراموش نکردن هدفمان است و به نظر لازم است مأموران عثمانی که در ایران انجام وظیفه می‌کنند، برای حل مشکلات اتباع،

مناقشات مرزی و دیگر مسائل روزمره میان دو دولت که بعد از این پیش خواهد آمد، تلاش بیشتری کنند و امیدوارم با جدیتی که در این موضوع اتخاذ می‌گردد، به نتایج مطلوبی دست خواهیم یافت. موضوع را به عرض شما سرور گرامی رساندم. امر و فرمان از آن پادشاه است.

19 ربیع الاول 1327 ، 28 مارت 1325 (1909/4/10)

وزیر سابق اوقاف، شمس‌الدین¹



سند شماره 32

درخواست تأیید شمس‌الدین بیگ برای جایگزینی اکرم بیگ

ناظر اوقاف همایون به جای خودش

دایره صدارات بابعالی

دیوان همایونی "آمدی"

3823 عدد

ناظر اوقاف همایون اکرم بیگ مأموریت خود را می‌خواهد عوض کند و به جای اکرم بیگ کمسیون آموزش و پرورش و رئیس کمسیون مأمورهای دولت محمد شمس‌الدین بیگ را موافق وزرات وقف دیدند، برای این کار مشارالیه (شمس‌الدین بیگ) را انتخاب کرده و با یک نامه رسمی به مقام صدارات اعلام

¹Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014 .s.155

کردیم. درباره محمد شمس‌الدین بیگ صدارات بزرگ هر چه بگوید
اجرا می‌شود و اعلام می‌شود. امر و فرمان سرورم است.

27 شعبان 1326 هجری

رومی 10 هزیران 1324

¹صدر اعظم

محمد کامیل بن صالح



سند شماره 33

تعیین محمد شمس‌الدین از جانب اوقاف همایون

دایره صدارات بابعالی

دیوان همایونی "آمدی"

3823 عدد

به مقام بزرگ صدارات

ناظر آموزش و پرورش ملی اکرم بیگ و ناظر وقف رئیس
کمیسیون مأمورها، شمس‌الدین بیگ که درباره تعیین آنها در
بالا نامه رسمی‌عرض و تقدیم شد، هر چه که ایجاب میکند
اجرا میشود. در همان شکلی که پادشاه امر کرده و با کمک
وی نامه رسمی‌نوشته شد. سرورم.

¹ I_duit_62_44_2_1

27 شعبان 1326 هجری

1324

صدراعظم کامیل

رومی 10 هازیران

پیوست

معروضات بنده

نامه رسمی‌بالا که بدست مقام صدارات رسید ه و عرض کردیم ،
به امر پادشاه نوشته شده است و دو نامه به صدارات پناهی
فرستادیم ، برای اینکه مشار الیه کار خود را زود شروع
کند. امروفرمان از آن سرور ماست.¹

هجری 27 شعبان 1326

¹ İ_DH_993_78450_1_1

سند شماره 34

دادن نشان مجیدیه سوم به محمد شمسالدین

نظارت اوقاف همایون

قلم مخصوص

عمومی: 109246

خصوصی: 150

به مقام صدارات بزرگ

معروضات بنده

محمد شمسالدین که مدیر نظارت بر تدارکات است وظیفه خود را بخوبی انجام می‌دهد. برای همین صدارات بزرگ رتبه سوم نشان مجیدیه را به او داده بود. نامه صدارات بزرگ را به اضافه هر آنچه که لازم است تقدیم کردیم و هر چه را که صدارات بزرگ صلاح بداند او انجام خواهد داد. امرو فرمان سرور ماست.¹

¹ I_duit_62_44_2_1

سند شماره 35

ملزومات تعیین محمد شمسالدین

نظارت اوقاف همایون

قلم مخصوص

193840 عمومی-نمره

58 نمره خصوصی

به مقام صادرات بزرگ

معروضات بنده

“ناشید بیگ” مدیر ناظر بر تدارکات در اصل مأمور دایره
قباله‌ها است ولی برای استخدام معاملات وقفی وصف مناسبی
ندارد، از این رو محمد شمسالدین بیگ مدیر سابق که خوب کار
می‌کرده است برای استخدام مأمور برای دایره قباله تعیین
میشود. امر صادرات پناهی تقدیم کرده و اجرای امر وی را
موفق می‌بیند.¹

¹ I.HUS.56.42

سند شماره 36

گرفتن ترفیع محمد شمسالدین بیگ به دلیل سرکاتبی وی در آتن
همایون سراییلدیز
دایره سرکاتب
شمسالدین بیگ سر کاتب سفارت آتن به همراه "سیفا بیگ"
فرماندار رایزن نظامی وظیفه خود را بخوبی انجام می‌دهند و
بخاطر درایت و لیاقت به محمد شمسالدین بیگ ترفیع درجه دادند
و "سیفا بیگ" هم ترفیع گرفت و همچنین مأمورهای
کنسولگری‌های عثمانی که دریونان نیز بودند همه ترفیع
گرفتند. امر شما را عرض کردیم. امر و فرمان سرورم است.¹

(12 رمضان 1303

رومی 2 هازیران 1302 هجری

م 14 هازیران (1886)

به امور داخله

¹ I.HUS.85.78

سند شماره 37

برای مانع شدن شیعه در عراق، لایحه "آلوسیزاده شاکر"

در سمت عراق و بغداد با انتشار مذهب شیعه مشکلات دینی ظهور خواهد کرد و همچنین نتایج سیاسی هم در پی خواهد داشت و به همین خاطر تدبیرهای باید اندیشیده شود تا با یک شکل راحت اجرا کنیم. دبستان بسازیم و به خاطر انتخاب نیرو برای دولت باید دقت کنیم و به رویدادهای مخالفی که اتفاق می‌افتد مانع شویم. گزارش همه این کارها که مرتب بشود تقدیم میکنیم. فرمان.¹

هجری 17 1325

¹ Y_EE_8_9

تأثیر دولتهای اروپایی بر ایران و جنبش مشروطیت
عرض حال متواضعانه و چاکرانه به مقام والای عتبه ء فلک
مرتبه

حضرت ولی نعمت بی منت (4)

هنگام اقامتم در تهران، شاه ایران با تدارک نیروی کافی و اقدامات و تصمیمات نامناسبی که اتخاذ می‌کند، سبب وقوع و تداوم هرج و مرج و اغتشاش‌ها شده است. او برای کنترل ناآرامی‌ها، سعی در برخورد با مجلسیان و مجازات طرفداران آنان و همین طور، اشرافی داشت که از مجلس حمایت می‌کنند. چاکر بر حسب ریاستی (5) که دارد با همراه نمودن سفرای دیگر، در نزد شاه سعی کردم او را از برخورد با اشراف منع کنم. حتا مکتوبی را که در تبریک گویی و تشویق مجلس نوشته و در روزنامه حبل المتین منتشر نموده بودم، به سعی همایون ملوکانه ایشان رساندم. به همین جهت و از سر عبودیت و صداقت و برای رسیدن منافع آن به در سعادت [استانبول] در دایره جلیله کاتب، حضور بهم رسانده و توضیحاتی را که خواسته بودند به واسطه سر کاتب پاشا قوللری به پیشگاه ملوکانه ایشان رساندم. چاکر بر خلاف رفتارهای کمترانه ای که در اینجا [البته] شیوع پیدا نکرده است، براساس باور شخصی و مبتنی بر منافع صحیحه دولت ابد مدت علیه، صادقانه توضیحات لازم را عرض و تقدیم نمودم. آنچه که به طور شفاهی در آنجا گفته شد با اضافات و تفصیلاتی به صورت مکتوب به حضور ولی نعمت بی منت اعظم بر وجه آتی جسارتا تقدیم می‌شود.

با توجه به این که از ابتدای شروع ماموریت من در سفارت تهران، دستورالعمل خاصی برای پیشبرد یک سلسله اهداف و برنامه‌های مشخص و دستورهای لازم موجود نبود و درباره

ایران و دولت ما نیز چیزی جز انعقاد چند عهد نامه و قرارداد وجود نداشت، اقدام به تنظیم خط و مشی شخصی گرفتم که با لحاظ پیشینه مناسبات تاریخی [دو دولت]، برنامه‌هایی را برای روزهای آینده در قالب ماموریت خود ترسیم نمایم. از این رو با در نظر گرفتن اختلافات مذهبی و سیاسی که قبلا پیش آمده بود، به نظر می‌رسید ایجاد رابطه ای صمیمی و همدلانه از دولت ابد مدت در نزد ایرانیان تقریبا امری محال باشد. از این رو سعی کردیم، اگر نمی‌توانیم دولت و ملت ایران را به دولت ابد مدت نزدیک کنیم، حداقل از افتادن آنها در دامان دولت‌های روس و انگلیس جلوگیری کنیم. این در حالی بود که شرایط موجود از وقوع چنین رخدادی خبر می‌داد. از سوی دیگر، با محروم بودن ایران از اسباب و ابزاری که بتواند وجود سیاسی خود را در مقابل آن قدرتها حفظ نماید، به نظر می‌رسد انگلیس و روسیه بتوانند خود را هم مرز ممالک محروسه شاهانه [عثمانی] بکنند و این اتفاق به نظر چاکرانه، مشکلات زیادی را برای منطقه بزرگ آناتولی به وجود خواهد آورد. به همین سبب در مدت ماموریت خود، سعی نمودم در ابتدای امر، نظر دولت خلافت پناهی را به سمت دولت ابد مدت علیه [عثمانی] مناسب و متمایل بسازم و هم چنین نظر آنها را به برقراری روابط و مناسبات مفید، تامین کنم. ثانیاً اگر نتوانستیم روابط حسنه ای بین ایرانیان و دولت ابد مدت برقرار کنیم، حداقل سعی کردیم آنها را از طعمه اجانب شدن منع کنیم. در تمام مدت ماموریت سیزده ساله ام، تمام مساعی چاکرانه - در شرایط مناسب و نامناسب - کاملاً در این مسیر قرار داشته است. حتی در این میان از هیچ دشواری و فداکاری، شانه خالی نکرده ایم و نتیجه حسنه آن، این که در دو سال اخیر آنچه مورد توجه ناظران داخلی و خارجی قرار گرفته، ذکر نام اعتصام حضرت خلافت پناهی در

تمامی منابر و محافل می‌باشد و دعا برای تداوم عمر و عافیت پادشاه شان بطور مرتب بیان و تکرار می‌شود. اما به سبب بیماری و ضعف مظفر الدین شاه که در آستانه مرگ قرار داشت و در همین زمان، عین الدوله را به مقام صدارت منصوب کرد، با بی تدبیری‌های او و به علت برخی برخوردهای نامناسب، تعدادی از علما به حرکت درآمده و در شهر قم تحصن نمودند. همچنین تعدادی از اهالی تهران به سفارتخانه انگلستان پناه برده و خواستار تشکیل مجلس شدند. مظفرالدین شاه که دستش از هر گونه اسباب و ابزار مقاومت خالی بود، تحت تأثیر سیاست‌های اروپا به درخواست علما و مردم پاسخ مثبت داده و امر به تشکیل مجلس داده بود.

طرفداران مجلس از به نتیجه رسیدن درخواست شان - که انتظار پذیرش آن را هم نداشتند - جسارت پیدا کرده، روز به روز مطالبات شان را افزایش داده و در تهران و شهرهای دیگر به ایجاد اغتشاش دامن می‌زدند.

با مرگ مظفرالدین شاه و روی کار آمدن شاه جدید، امید به اعاده نفوذ و اصلاح اصول از سوی دولت در نزد مردم بوجود آمده بود. اما به سبب نبودن پشتوانه مالی و نیروی نظامی مقتدر، عزم شاه جدید نیز ره به جایی نبرد و اغتشاش و هرج و مرج به صورت فزاینده ای تشدید یافت و حاکمان بدون حکم [و دستورات لازم از سوی حکومت] باقی مانده و یا در مواردی از مقام خود برکنار می‌شدند. در این میان مجلس، قانون اساسی را به تایید و امضای شاه رساند و از این به بعد با آغاز شورش و هرج و مرج، تحصیل مقصد از سوی مجلس و طرفدارانش در چارچوب قانون و نظام درآمد. تعدادی از علما و مردم از این کشاکش‌ها بیزار شده و از بهبود اوضاع و بازگشت آرامش، مایوس گشته، به دنبال ورود به عثمانی و هجرت به ممالک شاهانه هستند و در این راستا

طلب کمک و مساعدت دارند تا جان و مال شان حفظ شود. با توجه به اینکه چنین اقداماتی می‌توانست هم موجبات سفک دماء و همین طور دخالت بیگانگان را بدنبال داشته باشد، پاسخ‌های نه مثبت و نه منفی مصلحت آمیز در جهت اداره امور داده شد.

برخوردی که تقریباً دو سال پیش در کربلا با ایرانیان شد و به زعم آنان بر دامنه اختلافات افزود و همینطور اتفاقی که سال پیش در حادثه روسیه (6) پیش آمد، باعث شد تا مجلس و طرفداران آن در جرأید و به گونه‌های دیگر علیه ما به تهدیدهای زبانی و شفاهی پرداخته و فراتر از آن، سفارت والا را هم مورد تهدید قرار داده و بدین گونه خود را آماده کردند تا به دامن دولت‌های انگلیس و روسیه بیفتند. بدین ترتیب تمام زحمات هشت - نه ساله که بصورت چشم گیر و تعجب انگیزی در مسلک الفت آمیز فواید و ثمرات زیاد به بار آورد بود، از بین می‌رفت.

بر اساس معاهده ای که بین ایران و دولت‌های روس و انگلیس منعقد شده، شمال ایران به روسیه و جنوب آن تحت نفوذ انگلیس در نظر گرفته شده است و بنابراین آن‌ها بر اساس عهدنامه مذکور، خود را برای اشغال بالفعل مناطق تحت نفوذ آماده می‌کنند.

دولت فرانسه با توجه به اینکه تعهدات متقابلی با دو دولتیاد شده دارد، از این رو صرفاً سیاست خاصی را درباره ایران تعقیب نمی‌کرد و در عین حالی که از سیاست‌های روس و انگلیس [در ایران] پیروی می‌کرد، با اینهمه از تسلط انحصاری اتریش و به ویژه آلمان، روسیه و انگلیس بر ایران رضایت کاملی نداشت. فرانسه، اولاً به اداره مشترک امور مالیه ایران و همچنین دخالت کشورهای نامبرده در امور سیاسی ایران در مواقع لزوم نظر داشت و در این مسیر، آن‌ها به واسطه قلت منافع شان مثل بقیه دول در

مقابل جریان‌ها و انقلابات رخ داده، بیشتر موضع یک تماشاگر را داشتند. روسیه و انگلیس برای دستیابی به مقاصدشان در ایران، به تقویت قدرت خود مشغول هستند و با توجه به اینکه دولت‌های دیگر حاضر به فداکاری درباره ایران نیستند و از طرف دیگر ایران دارای آن توان لازم نیست که با تکیه بر قدرت خود بر مشکلات، فائق آید، محتمل به نظر می‌رسد که حیات سیاسی دولت ایران به مخاطره بیفتد.

نظر به وجود این رقابت بین دول و همچنین اوضاع داخلی [بحرانی] ایران، در این میان، بدون تردید، نقش سفارت عالیّه در تهران، بسیار ظریف و مشکل می‌نماید. دولت انگلیس در اشغال بالفعل ایران، با مسائل و مشکلاتی نیز روبرو است. نخست نگرانی‌هایی که از قوه بحریه خود دارد و دیگر اینکه نگران تأثیر سوئی است که اشغال ایران می‌تواند در میان مردم مسلمان هند بر جای بگذارد و این مسائل، موانعی در مقابل آن دولت است. از سوی دیگر، همسایه بری ایران، یعنی روسیه را می‌بیند که هر آن در انتظار زوال ایران است، تا خود را وارث حکومت و سرزمین آن دیار ببیند و [قطعا] از این مسأله بسیار مسرور خواهد بود.

در چنین اوضاع و احوالی، اتفاقاتی نیز رخ داد که به نظر چاکر می‌تواند اسباب تقبیح را فراهم ساخته و انگشت اتهام را به سوی آن‌ها نشانه رود که در ادامه توضیح می‌دهم. شاه حاضر، برای خلاصی خود از دست مجلس و طرفداران آن که سعی می‌کردند در تمام امور حکومتی دخالت کنند و از قدرت شاه نیز بکاهند، به دفعات با کوتاه آمدن در مقابل آنان، دچار زیان‌های زیادی شد. بنابراین، از یکسو نمی‌توانست با تکیه بر قوه داخلی وضعیت سابق خود را برگرداند و نسبت به این مسأله ناامید بود و از سوی دیگر در مراجعه و

توسل به نیروی خارجی مردد نشان می‌داد. در این میان، شاه فعلی در ماه شوال گذشته یکی از ارباب جراید (7) - که دارای منصب سرکشیکچی ویا رئیس گروه محافظان شاه سابق بود - به نام امیربهادر جنگ (8) را که به ناحق از سوی شاه عزل شده بود، دوباره به مقام محافظ خود منصوب می‌کند. بهادر جنگ، با مشاهده تنزل شدید نفوذ و حیثیت شاه، برای اعاده آن، به همراه جمعی از رجال و علما، با نیت پنهانی دعوت از یک نیروی اجنبی، قرار بر انحلال مجلس و برخورد با طرفداران آن می‌گذارند. از این رو بهادر جنگ، دو هزار نیرو برای محافظت از شاه و قصرهای سلطنتی جمع آوری و سازماندهی می‌کند و در حدود هشتصد سواره و پیاده را از نیروهای قزاق به همراه توپ و مهمات در میدان توپخانه مستقر می‌سازد. همان شب ناصرالملک که با تصویب مجلس به مقام رئیس الوزرای انتخاب شده و دفاع غیرت مندانه ای از قانون اساسی نشان داده بود، در نزد شاه توقیف و تهدید به قتل شده بود. از این رو به سفارت انگلیس پناه برده. در این میان برخی از طرفداران مجلس و برخی از وزراء بازداشت و از تهران اخراج شدند. مجلسیان و طرفداران آنان با آگاهی از اتخاذ چنین تدابیر شدید و غیر مترقبه، مسلح شده و به محل تشکیل مجلس، یعنی عمارت بهارستان شتافته و به هر وسیله ای برای دفاع از آنجا متوسل شدند. از سوی دیگر هزاران نفر که معلوم نشد از کجا پیدایشان شد، وارد تهران شدند و به جمع طرفداران شاه پیوستند. این در حالی بود که بخش زیادی از مردم تهران، به کمک طرفداران شاه پیوستند. این در حالی بود که بخش زیادی از مردم تهران، به کمک مجلسیان روی آورده بودند. هر کسی با مشاهده چنین وضعیتی به نتایج وخیم آن می‌اندیشید و وقوع یک برخورد خونین را پیش بینی می‌کرد.

در حالی که بزرگ ترین خطر برای حیات سیاسی ایران، اشغال

مشترک آن، توسط روسیه و انگلیس است، یکی از عواملی که می‌تواند این اشغال را عملی و تسریع کند، فقدان امنیت جان و مال و همچنین وجود موانعی در مسیر تجارت عمومی در ایران می‌تواند باشد. به نظر چاکر، با نگاهی به اوضاع و احوال پیش آمده، می‌توان گفت: نیروی داخلی تحت اختیار شاه از آنچنان اقتدار لازم برخوردار نیست که بتواند تحرکات مجلس و طرفداران آن را کنترل کند. بنابراین، احتمال می‌رود بین آن‌ها درگیری خونینی روی بدهد و بالاخره برای جلوگیری از هزیمت شاه و طرفدارانش، شرایط اشغال نظامی ایران توسط اجانب فراهم شود. با بروز هرج و مرج دهشتناک در ایران و اشغال آن توسط یک نیروی اجنبی، ممالک محروسه شاهانه در منطقه بزرگ آناتولی، می‌تواند دچار مخاطرات عظیم بشود. با اشراف بر این موضوع و با آرزوی اینکه چنین هرج و مرجی جامه عمل نپوشد، تمام تلاش و اقدامات لازم را انجام خواهیم داد تا از وقوع این حوادث جلوگیری بشود.

سفرای دولتهای مختلف که از وخامت اوضاع، دچار خوف شده بودند، به سبب تقدم و ریاست چاکر نزد این حقیر جمع شده و برای حفظ امنیت سفارت خانه‌ها و همچنین باز گرداندن قزاق‌هایی که در اختیار سفرا بودند، خواستار حضور در نزد شاه و انجام اقداماتی در این باره گردیدند. از این رو، این حقیر را به همراه سفرای اتریش و فرانسه، برای انجام این ماموریت انتخاب نمودند. چاکر برای اینکه اذهان سفرا را به عاقبت مسأله اشغال معطوف کنم، از زاویه انسانیت و مدنیت از سفرا سوال کردم که آیا آمادگی دارید برای جلوگیری از سفک دماء - که با شرایط پیش آمده امکان وقوع آن نزدیک شده است - اقدامات مشترک و تأثیر گذاری انجام دهیم؟ با توجه به اینکه سفیر روسیه و وزیر مختار دولت انگلیس اعلام کردند که دستورات و اوامر مخصوص و ویژه ای

را از سوی دولت‌های متبوع شان دریافت می‌کنند، بدین جهت، هیأت سفر را از انجام اقدامات مشترک در این خصوص صرف نظر کردند. بر اساس قراری که هیأت سفر گذاشته بودند، روز بعد با دو سفیر مذکور پیش شاه رفتیم و از وی درباره حفاظت از سفارتخانه و بازگرداندن قزاق‌ها، مکتوبی طلب نمودیم که مورد درخواست هیأت بود و مورد موافقت شاه هم قرار گرفت. بعد به نوبه خود بر مبنای اسباب معروضه، از نتایج وخامت بار سفک دماء که احتمال وقوع آن شدت یافته بود، سخن رانده و به شاه توصیه نمودم حداقل امکان مانع از وقوع چنین رخدادی بشود. با این اقدام چاکرانه، علی رغم برداشتهای مختلف، ذهنیت مثبتی درباره دفاع و همدلی سلطنت والا [ی عثمانی] در ایران به وجود آمد. بنابراین، بایستی تأثیر مثبت بر روی شاه و دو گروه [مخالف هم] گذاشته باشد. از این نظر، اقدام ما از سوی سفرای بی طرف، مورد تقدیر قرار گرفت.

دو گروه [یاد شده] تا یک هفته در مقابل هم ایستادند، تا اینکه شاه باز هم کما فی السابق با مجلس آشتی کرده و اکثر مطالبات آن‌ها را قبول نمود و شرایط خوف آوری که ذکر شد از بین رفت. نمی‌دانم اقداماتی که درباره آثار منفی سفک دماء در نزد شاه انجام داده بودم، در او اثر گذاشته بود یا خیر، اما این را می‌دانم که اگر شاه از قوه کافیه برای از میان برداشتن مجلس و طرفداران آن برخوردار بود، به هیچ نصیحتی گوش نمی‌کرد و بدون تردید بر قصد و هدف خود در سرکوبی آنان جامه عمل می‌پوشاند. با این حال، قصد چاکرانه از این اقدامات، جلوگیری از برخورد دفعی و قهرآمیز شاه با اشرافی بود که موجبات هرج و مرج و اغتشاش را در میان مردم ایران فراهم آورده بودند. در این زمینه تفسیر موافق نفس الامر نبود، بلکه شخصا آنچه را که بی نعمت و بی منت موجب ضرر بر دولت

علیه می‌دیدم و البته آن را وظیفه ای واجب بر ذمه خود می‌دانستم. [البته] این تلاش‌ها دارای تأثیرات خوبی در داخل و خارج بود و وظیفه حمایت کارانه سفارت والا را اثبات کرده، موقعیت آن را ارتقاء می‌داد. همه این‌ها از نتایج مثبت تلاش‌های صورت گرفته از سوی این چاکر است.

[اما] حقیقت امر درباره شایعه ای که در خصوص تشویق و تبریک گویی کتبی من به مجلس ایران مطرح شده بود، بدین گونه است که توضیح داده می‌شود: در زمان مخاصمه دو گروه مذکور که باعث رعب و دهشت سفرا و مامورین و اتباع خارجی شده و آنان را دچار خوف و ترس کرده بود، از سوی مجلس، بیانیه ای به سفرای متحد المال فرستاده شد و در آن برای اصلاح امور حکومت و نظم و نسق بخشیدن به اوضاع داخلی آمادگی برای هر گونه فداکاری اعلام گردید. با این حال تصریح شد که هیچ گونه اقدام خصومت آمیز و سوء نیتی درباره اتباع خارجی و به خصوص سفرا و مامورین خارجی نباید صورت بگیرد و آرامش و امنیت آن‌ها دچار خدشه بشود؛ و در ادامه، نکاتی در این باره یادآوری شد. بحران و شقاق مذکور بر وجه معروض به وفاق تبدیل شد. در ابتدای امر، سفیر روسیه و وزیر مختار انگلیس با هر محذوریتی که داشتند به بیان نامه جواب داده و به سبب خاتمه یافتن بحران به شکل مطلوب با اظهار امتنان از مجلس به آن تبریک گفته و با حصول چنین نتیجه ای موقعیت خود را برای ایفای نقش در تحولات آتی حفظ نمودند. سفرای معظم دول دیگر به پیروی از آن‌ها جواب مناسبی به [بیان نامه] مجلس دادند. اگر چاکر در این میان از پاسخ دادن به مجلس امتناع می‌کردم به عنوان یکی از مخالفان مشی ائتلاف کارانه که پیشتر از این، آن را دنبال می‌کردیم، شناخته می‌شدم و بدین وسیله در نهایت با یک اقدام بی موقع و مضر، خود را در مقابل قومی‌هتاک و فحاش قرار داده و

انگار به آنان اعلان خصومت کرده ایم. بنابراین، پاسخی نوشتم و ضمناً آنان را به پیش‌گیری از وقوع چنین حرکات و اغتشاش‌هایی که می‌تواند حیات سیاسی ایران را به مخاطره بیندازد، توصیه نمودم.

با عرض جسارت و موکداً عرض می‌کنم که ایران با همه معایب، نقایص، منازعات و اختلافاتی که دارد، به نفع سلطنت والا [عثمانی] می‌باشد که در حفظ و تداوم حیات آن بکوشد و از تبدیل آن به لقمه اغیار جلوگیری نماید. [زیرا] دولت ایران که حتی توان حفاظت از خود را هم ندارد، نمی‌تواند هیچ خطری برای دولت ابد مدت - چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی - به دنبال داشته باشد. [بنابراین] پیش از آنکه ایران به تسخیر اجنبی‌ها در آید، باید از انجام و بروز هر گونه اقدامات خصمانه ای که تمایلات آنان را به بیگانگان افزایش دهد، پرهیز کنیم. مضافاً بر اینکه اعتقاد قریب به یقین دارم که با تصرف ایران، در تمام تدابیر و معاملات مربوط به ایران، باید دو دولت هم پیمان [روس و انگلیس] را کاملاً در نظر گرفت و دخالت و تصمیم‌گیری آن‌ها را در امور مربوط به ایران طبیعی دانست. در مدت مدیدی که ماموریت چاکرانه ام در ایران تداوم داشت، تمامی‌مسابی و اقداماتم، معطوف و مستند به این نقاط و نکات بود.

این بنده که از قبل سایه ولی نعمت بی منت اعظم ایشان از حوض مذلت‌ها و محنت‌ها به مراتب عالی‌ه نائل و برخوردار از الطاف و نعم بی نهایت شهریارش شده است، بر اساس وظایف دینی و عقلی، تمام سعی و تلاش را به کار بردم تا در حد اعلای صداقت و عبودیت، توفیق انجام خدمت داشته باشم. با این حال، برخی از اقدامات من در ایران دچار سوء تفسیرهایی شده و منافی شعار صداقت و عبودیت دیده شده و خاطر همایون ملوکانه بر این رفته است که قصد

عامدانه ای برای انجام برخی از آن‌ها وجود داشته و از آن زمان به بعد، خدمات صادقانه چاکرانه به شائبه تهمت مشوب و هدر رفته است که این مسأله در حد مافوق تصور موجب حزن و تاسف این کمترین شده است. باز با مراجعه به درونم در اوقات خمسه و ادعیه خیریه ای که ورد زبانم می‌باشد، خود را در مقابل پادشاه و ولی نعمت مان، واجب الذمه می‌دانم و ذره ای شبهه در کمال صداقت و عبودیت و حسن نیت و استقامتم نسبت به پیشگاه عالی احساس نمی‌کنم. بنابراین دچار عذاب وجدان نشدم و با اطمینان کامل خشنود و متشکر هستم و در تمامی احوال امر و فرمان از آن حضرت ولی الامر و الاحسان، پادشاه مان، ولی نعمت مان و سرورمان است.¹

فی عرة ربیع الاول 1326

سفیر سابق طهران؛ نده بندگان او شمس‌الدین

کارنامه شمس‌الدین بیگ در آئینه اسناد و زرات امور خارجہ ایران

¹ حسن حضرتی، گزارش شمس الدین بیگ (سفیرعثمانی) از تحولات مشروطه در ایران. مجله دانشکده و علوم انسانی دانشگاه تهران. ص. 63 تا 78

سند شماره 1

کارنامه شمس‌الدین بیگ در آینه اسناد وزارت امور خارجه
ایران

تلگراف محمد شمس‌الدین به سفارت عثمانی مبنی بر تکذیب خبر
کنسولگری ساوجبلاغ

معروضه 18 شعبان المعظم 1317

ساوجبلاغ

در تعلیفه مبارکه در خصوص مسأله قرتین بوده و کوسه
کهریز که ممدوح پیک کنسولگری ساوجبلاغ عنوان کرده به
سفارت عثمانی تلگرافی نوشته و از سفارت هم به وزارت
جليله اظهار شده که عشیره مامش نسبت به مال و اموال
ملتجیان تعرض می‌کنند و به قرتین مزبوره تا حد نهب اغمام
و قتل نفوس کرده و مرقوم رفته بود تلگراف مشارالیه از
روی حقیقه (حقیقت) نبوده بلکه به مبالغه و تحویل عرض
نموده است. حقیقه (حقیقت) مسأله این است که از روی
تحقیقات عمیقہ جسارت می‌رود از انجاییکه حضرات کنسولگری

درکنسولگری بودند یک نسبی از قرینه کوسه کهریز مختصر
گوسفندی به دزدی برده بودند وبه زغم ارباب و اهالی آنجا
دزد ازمایش بوده به فاصله چند روز دونفرازمایش که
پدرپسرش بودند برای خرید لباس به ساوجبلاغ می‌آمده در
قریه شیخ معروف تالع مد روز که از کوسه کهریز به آنجا
یک ساعت ونیم مسافه (مسافت) است مانده خبر به کریم آقای
مالک کوسه کهریز رفته جمعیتی را فرستاده شب به قرینه
شیخ معروف تاخته در خانه رعیتش که دو نفر مامش آنجا
بوده وبر مامش ریخته با زدن صاحب خانه ویک پسرش مقتول
ساخته اند ودرآن هنگامه یکی از اهل کوسه کهریزه به قتل
رسیده حضرات برای ستر تقصیرات خیانت کریم آقای مالک
واهالی کوسه کهریزه به کنسولگری بالامشاورها این تلگراف
را به نصارت نویسانیده اند الله الا جل العالی مطاع مطاع¹

سفیر تهران محمد شمس‌الدین

سند شماره 2

درخواست رسیدگی به وضعیت موجود در کوسه کهریز از سفارت
عثمانی

عدد 268

1317- 2

وزارت امور خارجی

تلگراف ملفوف از کنسولگری عثمانی مقیم ساوجبلاغ رسیده
است که دوستدار لازم دانست که به ملاحظه وزارت امور جلیله
خارجہ برساند که سریعاً درمقام چاره برآیند وسفارت کبری
راهم اطلاع بدهند که به تلگراف مزبور جواب دهدوتلگراف
راهم پس از ملاحظه اعاده دهند زیاد چه زحمت دهد. صورت
تلگراف کنسولگری ساو جبلاع است سفیر کبیر دولت علیه

¹ GH 1317-K19-P8-3

عثمانی محمد شمس‌الدین سفارت عثمانی هرزگی و تعرضات غیره مامش نسبت و به مال و اموال ملعتبیان به حد افراط رسیده باز امشب از قراری که محقق شده پنجاه و شصت سوار به قر تین و کوسه کهریز تاخته مقدار کثیری اغنام نهب کرده ویک نفر مرد مقتول ویک زن وبچه مجروح ویک نفر هم از قرار مذکور از غیره مزبوره به قتل رسیده ملتجعین این حرکت راخالی از محرک نمیدانند هرگاه حال بدین منوال دوام نماید احتمال تولید مفسده می‌رود . ممدوح¹

سفیر تهران
محمد شمس‌الدین

سند شماره 3

درخواست تدابیر لازمه از مجلس صیحه استامبول بدلیل
طاعون بصره

عدد 58

1319 ? 16

جناب صولت با کفایت و کفالت شعار با حمایت رشاهت پاشا
با دو سالار مستعار

سه طغرا تلگراف در مجلس صیحه اسلامبول به دکتروم مآمور
صیحه دولت علیه عثمانیه در طهران رسیده به سفارت کبری
فرستاده است که در بصره طاعون بروز کرده و از طرف دولت
علیه عثمانیه تدابیر لازمه اتخاذ شده و صورتی نام در
تلگراف‌های مزبور او محض مزید استحضار خاطر شریف ملفوف

¹ GH 1317-K19-P8-2

این مراسم ایفاد داشت که ملاحظه فراهم در (از) جانب دولت علیه ایران هم هر چه را که مفتضی و مناسب می‌دانند بجای می‌آورند در این موقع اقدامات فائقه را تمديد نمایند.¹

سفیر تهران

مُجّد شمس‌الدین

سند شماره 4

درخواست تمديد رسیدگی از جانب مجلس صحیحه استانبول برای

طاعون بصره

1319? 23

جناب جلالت و نیابت با کفایت و کفالت با حمایت رساعت پاشا با دوسال استظهار ... موافق تلگرافی که اولاً با مجلس صحیحه اسلابول ب دکترو و وم در طهران کرده است الحمدلله در نورار از مرض و با اثری باقی نمانده استمحض استحضار خاطر ما ثران طباب زحمت افراشته و هم احترامات نایقه را تمديد می‌نماید.²

سفیر تهران

¹ GH 1319-K19-P31-8

² GH 1319-19-30-67

سند شماره 5

تلگراف وکیل کنسولگری همدان به عُجْد شمس‌الدین مبنی بر
تضییع حقوق مالکیت یک تبعه عثمانی از جانب حاجی عُجْد قاضی
در همدان

22 شعبان 1317

یادداشت

از وکیل کنسولگری همدان عرض حالی به سفارت کبری رسیده
است که جناب حاجی آقا عُجْد قاضی در همدان مدتی است که در
ضد و تضییع حقوق مشروعه تبعه عثمانیه است از جمله
جدلیست ملکی در همجواری ملک وکیل کنسولگریجز این با
آنکه حدود هر یک از قدیم الایام معین و معلومند این
اوقات جناب قاضی جمعیتی فرستاده اند اراضی بسیاری را از
وکیل کنسولگری شخم زده زراعت کرده است و به این وسیله
می‌خواهد ملک متصرفی او را ببرد متمنی است حکمی در این
خصوص صادر شود که قاضی را از تجاوزات منع نموده و

نگذارند که از حدود سابقه تجاوز کند همواره احترامات
فائقه دوستداران آن جناب جلالت‌آب در حق خود برقرار
دانند.¹

عبد شمس‌الدین

سند شماره 6

در مقابل عدم جواز عبور از جانب مسیو نوژ بلژیکی ،
تقاضای صدور جواز عبور از سفارت عثمانی توسط عبد شمس‌الدین

سند شماره 007

29 ذی الحجه 1317

چون دوستدار در شرف حرکتی است و امروز یک دستگاه گاری
به عبارت از هفده لنگه بار است مصحوب مشهدی نصرالله گاری
چی فرستاده شده و از طرف وزرات امور خارجه حکمی به حطام
و مباحشرین راه شرف صدوریافته ولی مسیو نوژ رئیس گمرک
مرکوز داشت که باید جواز در دست داشته باشند لهذا با
کمال احترام از آن جناب جلالت‌آب عالی خواهشمند است امر
و مقرر فرمایند کارکنان جواز مزبور را که امروز تحصیل
کرده اند نزد دوستدار ارسال فرمایند که به حامل بارها
داده شود که اسباب معطلی حاصل نشود که موجب مزید امتنان
خواهد بود.²

¹ GH 1317-1-23

² GH 1317-1-32

سند شماره 7

در زمینه تشریفعت ورود شمس الدین بیگ سفیر کبیر از وزارت
خارجہ بہ کنسول باد کوبہ

دفتر وزارت خارجہ

در باب تشریفعت ورود شمس الدین بیگ سفیر کبیر

از وزارت خارجہ

بہ کنسول باد کوبہ

بہ تاریخ 17 شوال 1318

این سواد در کارقونسو باد کوبہ ضبط شدہ است.¹

¹ 1318-1-6

سند شماره 8

ناراحتی عُبد شمس‌الدین از روزنامه مجلس مبنی بر چاپ شرحی
از جرم‌های مجالس مشروطیت

مواد کاغذ وزرات خارجه به سفارت اسلامبول 1324
جنابعالی اطلاع دارید که روزنامه‌ی مجلس بی پروا آنچه
بداند می‌گوید در مجالس مشروطیت شرحی از جرم‌ها را اظهار
و نقل قول کرده بودند که به ولی عثمانی بر می‌خورد
مراسله از سفارت عثمانی به وزرات خارجه در نشر آن مقالات
رسید و جوابی نوشته شدیقین دارم که جناب شمس‌الدین بیگ
به محض آنکه اظهارات خدمتی به دولت کرده او باز به جهت
آداب به شکایتی را گشوده انگشتی برساند به باب عالی
شرحی خواهد نوشت که شاید دنباله آن به مکاتبه باب عالی
و سفارت گری برسد لهذا محض اطلاع جنابعالی سواد مراسله
وارد و جوابیه را اینک لطفا ارسال داشت تا اگر اظهاری
کردند، جواب بدهید.¹

عُبد علی علاء السلطنه

¹ GH1324- K21- P1.1-27

سند شماره 9

در خواست صدور فرمان نشان شیر و خورشید از درجه سوم
برای مأمور صحیه دولت علیه عثمانیه
یک طغرا فرمان نشان شیر و خورشید از درجه سیم (3)
بفرماید مأمور صحیه دولت علیه عثمانیه در طهران به
خواهش سفارت کبرای عثمانی صادر شود.¹

فی شهر ربیع الاول 1324



سند شماره 10

کسب نشان شیر و خورشید مرصع توسط محمد شمس‌الدین بیگ
ورود به کابینه وزارت خارجه
به تاریخ 8 ربیع الثانی 1324
نمره 884

¹ GH1324-K23-P06.3-72

عطوفت مآب ثریا بیگ رئیس جمعیت اسلامیّه در اسلامبول که
اخوی دولت ابّتهت باب صدر اعظم حالیّه می‌باشد مکتوباً اگر
نموده بنویسید مرتبط سفارتگری دولت علیه ایران در
اسلامبول یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اولی با
حمایل سبز داده شده است و حال اینکه در سایه شوکت
شاهانه دارای نشان مرصّع مجیدی و نشان افتخار و درجه
اولی نشان عثمانی و نشان‌های معتبر دولتهای سیره میباشم
تا فیه در بندگی لشگر که به سفارت کبرای این‌ها رسانیده
بودم استحقاق دوستدار را به نشان شیر و خورشید مرصّع
کرده بودم اخیراً مشهور عاجزی شده است که به فضل رجال
سلطنت سنیّه که مراتب استحقاق مرا نداشته به نشان شیر و
خورشید مرصّع مظهر تلطیف گردیده اند بنابراین به آن
ذاتعالی سفارت پناهی؟! مراجعت کرده متمنی باشم که درجات
استحقاق عاجزی را به مقامات لازمه عرض نمودم به حصول
امنیّه دوستدار اقدامات مجدّانه مبذول بفرمایید لهذا
دوستدار از مراجعتی واقع آن ذاتعالی وزارت خارجه را
مستحضر می‌دارد و حسن تأثیر را حصول و جناب؟خواهم بخشید
مستغنی از ایضاح تعریف می‌بیند تا رأی صوابنمای حکومت
جلیله ایرانیّه در این خصوص چه تعلقیابد.¹

مُحَمَّد شمس‌الدین بیگ

سند شماره 11

تشریف مشیر الدوله وزیر امور خارجه به سفارت

طهران

¹ GH1322- K5- P06-73

در خدمت .. شرافت حضرت اجل اکرم آقای مشیر الدوله وزیر
امور خارجه دامت شوکته اهالی مشرف شود.¹

22 محرم 1324



سند شمار 12

صورت قرارداد سفارت سنيه دولت عليه عثمانیه و وزارت
امور خارجه دولت عليه ايران در خصوص مطالبات لاسقاريدلس
برای نوغان (کرم ابريشم)

صورت قرارداد سفارت سنيه دولت عليه عثمانیه و وزارت
امور خارجه دولت عليه ايران در خصوص مطالبات لاسقاريدلس
چون در عمل نوغان هذه السنّه ئيلان ئيل 1324 ما بين بعضی
از اهالی گيلان که از لاسقاريدلس تاجر دولت عليه عثمانیه

¹ GH1324-K23-P06.3-75

تخم نوعان خریده ویا بطریق ... ثالثه و انحاء دیگر از او تخم نوغان گرفته بودند و لاسقاریدلس آغاز اختلاف و گفتگویی مشارالیهم مدعی فساد تخم نوغان گردیده و در تأدیه طلب حقوق لاسقاریدلس تعطیل و تعلل نمودند لاسقاریدلس بکلی منکر نوعان آنها کرده مطالبات و قیمت تخم نوعان را اصلاً و فرعاً به توسط سفارت کبری دولت علیه عثمانیه مطالبه می‌نمود مبلغی نیز به عنوان خسارت و تفاوت قیمت فرانک و عناوین دیگر نوعاً می‌کرد مذاکره انکار در مجالس عدیده ما بین وزرات خارجه و سفارت کبری عثمانی مطرح گردید بالاخره با حضور لاسقاریدلس در تاریخ غره‌ی محرم ثیلان آئی 1324 ما بین وزرات خارجه و سفارت عثمانی صلحا اینطور قرار داده شد که به مأموریت مأمور مخصوص به مقدار مطالبات ادعائیه لاسقاریدلس از اهالی گیلان رسیدگی شود هر قدر از وجه اسناد بدهکاران را که در دست مدعی است تأدیه؟ موضوع و بقیه را از تاریخ؟ از قرار کارسازی عثمانی یکصد پنجاه دینار از تاریخ حال لغایت یک ماه یک ثلث از مطالبات حقه‌ی لاسقاریدلس وصول و بشمارالیه الملک کرده دو ثلث دیگر را از حال تحریر لغایت 3 ماه متدرجاً با مرقومه‌ی فوق به لاسقاریدلس کارسازی دارند و. تخم نوغان مأخوذی مردم از لاسقاریدلس که باید... بدهند و قید تخم نوغان در اسناد؟ اگر فردی در مقابل؟ محسوب گردیده باقی مانده را در سر حاصل. سنه‌ی؟ 1324 مستقراً مظنه معموله هذه السنه ثیلان خواهد بود بدون مطالبه فرع بپردازند ضمناً قرار که هر یک از بدهکاران تخم نوغان که قادر به تأدیه بدهی خود نباشند و عسرت او در سهولت و کارگزاری لاسقاریدلس کرده با ضمانت مباشر دیوانی آن محل ویا ضامن معتبر دیگر که در محصول؟ سنه‌ی؟ آیی 1325 بدهی خود را تأدیه کند پس از اسقاط نوغان هر گونه خسارت از طرفین مستداعین و ترک نوغان خانقین به هر اسم و رسم به هر کسی

باشد دولتیہ ایران تعہد می‌فرمایند کہ مقررات این قرارنامہ کہ بر حسب امر اولیای ایران جز گیلان کہ اہالی جمعی آن‌ہا با لاسقاریدلس طرف معاملہ بودہ اند متعہد اجرای آن ہستند بہ موعدی کہ مشخص شدہ اجرایافتہ غفلت و قصوری در اتمام آن نشود.¹

محل مهر جناب سلطان اجل سفیر کبیر عثمانی

شمس‌الدین

مہر جناب سلطان اجل وزیر امور خارجہ

مشیر

الدولہ



سند شماره 13

¹ GH1324-K23-P7.1-233

درخواست وزارت خارجه از سفارت عثمانی برای ماندن وراث
مرحوم حاجی عبدالرحیم در وکیل السفارا طهران به موجب
قرار داد شفاهی جناب شمسالدین بیگ سفیر کبیر و رسیدگی و
تسویه امر و احقاق حق ذوالحقوق

5 ربیع الاول 1326

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت عثمانی
به موجب قرار داد شفاهی جناب شمسالدین بیگ سفیر کبیر
سابق قرار بود وراث مرحوم حاجی عبدالرحیم وکیل السفارا
طهران ماند که مدلول قرار نامه به این وزرات امور خارجه
و سفارت کبری در تسویه کار ورثه وکیل السفارا جری کرد و
نظر ما به این قرارداد مصدر السلطان که سمت قیومت از
صفره وکیل السفارا دارد و چند روز است که این گلین خانم
هم من باب حقوق خود یک رأی است در اینجا متحمل مخارج و
خسارت شده، این کار بر پسر وکیل سایر ورثه به اینکه در
طرف به سفارت سنیه احضار شده اند هنوز نیامده اند و
معلوم هم نیست بیایند و از حدود مسموع بعضی از ورثه هم
که در طهران بوده اند رفته اند به حرکت آنها و این امر
در وقت سایر ورثه را در کرمانشاهان البته موجب خسارت و
صاحبان حقوق طلبکارها شده همه روزه به وراث امور خارجه
تظلم می‌نماید لهذا از آن جناب خواهشمند است موافق قرار
داد جناب شمسالدین بیگ امر اکید تلگرافی به وراثی که در
کرمانشاهان به طهران حاضر بوده و رسیدگی و تسویه امر و
احقاق حق ذوالحقوق در اینهمه مقطع دچار است¹

فوق العاده اقدامات لازمه به عمل آید.
مشیر الدوله

¹ GH1326-K60-P5-6

سند شماره 14

گفتگو و مذاکره با محمد شمس‌الدین بیگ در باب سوءرفتار و معاملات کنسولگری‌های عثمانی مقیم کرمانشاهان و سنیه و تبریز

24 رمضان 1321

نمره 531

در باب سوءرفتار و معاملات کنسولگری‌های عثمانی مقیم کرمانشاهان و سنیه و تبریز پس از مذاکرات لازمه به جناب صدر العظم و وزیر امور خارجه که به تفصیل آن را در مدیحه علیه معروض داشته ام مترجم را فریفته بودم که به جناب شمس‌الدین بیگ سفیر کبیر در خصوص کنسولگری‌های مزبور گفتگو کرده قراری داده شود جناب مفری الیه اظهار داشته بود که اغلب اوقات یک نفر کارپرداز دولتی ایران و یا یک شهبند عثمانی که تازه دارد و مأمور ممالک دولتین میشوند در اول ورود بر حسب اتفاق به حکومت محلّیه سازش نکرده طرفین از همه گیر به مرجع خودشان شکایت نموده به سفارت کبری در اسلامبول و سفارت کبری عثمانی در طهران به وزرات خارجه شدیداً مشغول محاسبه و مشاجره گردید در مرور این ایام مذاکره و گفتگویی مقامات منیع به حکومت معلوم و استحضار حاصل نمیشود که کارپرداز با والی یا کنسولگری به حاکم سازش نموده و رفع اختلاف گردید در کمال خوبی و موافقت راخ میروند و هنوز در باب آنها سفارته مشغول مشاجره هستند در این قبیل مواقع باید حتی امکان طوری اقدامات کرد که بالطبیعه صورت تسویه و تصویه و امیدوارم این اختلافات و شکایات هم از این قبیل بوده تا حال رفع اختلاف شده طرفین کمال و امتنان از همه گیر داشته باشد و مسلماً بعد از ورود خودم به طهران البته آنچه لازم است در رفع این شکایات و تحصیل موجبات موافقت بعمل خواهم آورد

در حقیقه این اظهارات سفیر منوی اله یک تا صد درهم محل قبول بوده البته بعد از عزیمت خود به طهران همه گونه اقدامات در تسویه و تغییر خسرات به کنسولگری‌ها بعمل خواهد آورد.¹

سند شماره 15

چندگانگی در خبر استعفای **مخدّم شمس‌الدین بیگ** و درخواست پناهندگی عین الدوله به سفارت عثمانی از **مخدّم شمس‌الدین** علت عزل **مخدّم شمس‌الدین**

سفارت سنیّه کبرای دولت علیه ایران اسلامبول ربیع الاول 1326 نمره 72

البته خاطر مبارک مستحضر است چندی قبل جناب شمس‌الدین بیگ سفیر سابق عثمانی باب عالی تلگرافاً معزول و به اسبابش احضار نمود اخبار نویسان و سایر آژانس‌ها که هر روز در باب عالی برای تحصیل اخبار جدیده از یک اوطاق به اوطاق دیگر می‌روند علت این عزل را هر یک قرار ماند و به تمام تلگرافاً اطلاع دادند البته در طهران هم خود نیست که علنی روایات به مراساه روزنامه جات از لحاظ انور اولیاء دولت علیه گذشته باشد آنچه در میان سفرا مشهور است این است که در ایران مردم بر علیه شاهزاده‌ی عین الدوله شوریده و می‌خواسته به سفارت خانه‌های خارجه پناهنده شوند شمس‌الدین بیگ از باب عالی دستور العمل خواسته بود دیگر به سفارت عثمانی هم پناهنده شوند تکلیف چیست از باب عالی حکم صریح رفته بود که هیچ وجه فی الوجود به سفارت عثمانی نیاید به کارهای داخله ایران مداخله ننماید و در میان دولت و اهالی از هر قسم تشبیهات خود را کنار بکشد و حتی در این اواخر در میان

¹ QAMARI1321-K1-P4-0083

دولت و پارلمان اختلاف می‌افتد شمس‌الدین بیگ بنده را از طرف این حضرت سلطان باب عالی به شمس‌الدین بیگ ابلاغ کرده مشارالیه به عقیده‌ی سلطان در اجرای امر او لازمه را به عمل نیاورده و داخل شده که حرف او در مانده اسباب خفت بشود او را معزول کرده در هر حال عماره شمس‌الدین بیگ را از روزی که وارد اسلابش شده کسی جرئت نکرده اسم او را نزد سلطان ببرد این روزها چند نفر از دوستان شمس‌الدین بیگ به سفرات آمده .. که خودتان می‌دانید که شمس‌الدین بیگ چقدر طرفدار اصلاح و محب ایران بود و در راه دوستی ایران بعد از چندین سال به سفارت عثمانی این طور و به و اماره آن را از بنده خواسته اند چندی که به نظر بنده برین این است که اگر صلاح بدانید بعد از عرض؟ از؟ مقدس همایونی ارواحنا فداه از طرف این حضرت اقدس همایون شهریاری ارواحنا فداه به بنده به خیری ترحم فرمایید که چون شمس‌الدین بیگ سالها طرف توجه دلیل اعلی حضرت شاهنشاه منفور بوده و تا حال به دولتین مذلت کرده است در این موقع که به اسلامبول احضار شده خواهش همایونی این است که از طرف اعلی حضرت سلطان تلطیفی به او شود با سایر سفرا به حضور اقدس همایونی ارواحنا فداه حاصل کرده و اطمینان به آنچه پارلمان حاصل نموده اند بهاء ملک مستشار سفارت تلگرافاً این جز را به سرتی سلطانی اطلاع داده و خاطر اعلی حضرت سلطان مکدر شده که هر شمس‌الدین بیگ به خلاف امر دولت از مداخله به کارهای داخله ایران کرده و فوراً حکم عزلش صادر شده بعضی را اعتقاد بر این است و باب عالی هم این عقیده را تا یک اندازه به چند نفر از سفرا ارسال کرده که چون سه دفعه ابقای موجب خود شد آستان خاطر مبارک همایونی ارواحنا فداه خواهد شد.¹

¹ QAMRI-1326-11-1-71

سند شماره 16

درخواست ارسال هشت طغرا فرمان نشان در درجه دوم سر و
خورشید از سفارت عثمانی توسط وزارت خارجه
نمره 545

68

سواد مراسله وزارت خارجه بسفارت عثمانی

10 ربیع الاول 1320

^{1/} هشت طغرا فرمان نشان در درجه دویم سر و خورشید که بر
حسب خواهش جناب جلاتمآب شرف صدوریافته است با نشانهای آن
^{2/} بموجب حسب صورت علیحده به آن سعادت محترمه ارسال داشت
که به طوری که مقتضی دانند برای صاحبان آنها ارسال
فرمایند.

دفعه

دفعه

دفعه

مدحت ¹ همراه شمس بیگ	مدحت همراه علی عافت (?) بیگ
مدحت همراه محد پاشا	مدحت همراه علیرضا بیگ
درجه دوم با حمایل	ایضاً
ایضاً	ایضاً

دفعه

دفعه

دفعه

مدحت همراه فضل الدین بیگ	مدحت همراه اسمعیل بیگ
مدحت همراه جواد بیگ	مدحت همراه ... بیگ
ایضاً	ایضاً
ایضاً	ایضاً

سند شماره 17

گزارش ارسال سه طغرا تلگراف از مجلس صحیحہ اسلامبول به دکتر دوم مأمور صحیحہ دولت عثمانیہ در طهران مبنی بر شیوع طاعون در بصره و درخواست اتخاذ تدابیر لازمه دولت علیہ عثمانیہ توسط محمد شمسالدین بیگ

نمره 58

16 شهر محرم 1319

1/ جناب جلالت و بنالت با کفایت و کفالت نصاباً فخامت و مناعت انتساباً دوستان استظهاراً مشفقاً معظماً مهرباناً 2/ سه طغرا تلگراف از مجلس صحیحہ اسلامبول به دکتر دوم مأمور صحیحہ دولت عثمانیہ در طهران رسید به سفارتگری فرستاده است 3/ که در بصره طاعون بروز کرده و از طرف دولت علیہ عثمانیہ تدابیر لازمه اتخاذ شد و صورتی هم در

1. اصل: محدث¹

تلگراف‌های مزبور را /⁴ محض مزید استحضار خاطر شریف ملفوف این مراسله انفاذ داشت که ملاحظه فرمودند. درجات دولتی علیه ایران هم /⁵ هرچه را که مقتضی و مناسب میدانند. بجای می‌آوردند در این موقع احترامات فائقه را تجدید نمایند. زیاده زحمت دهد.

[(مهر) : مُجَدَّ شمس‌الدین¹

سند شماره 18

گزارش برداشته شدن قرنطینه‌یغداد با 11 مریض و 6 کشته در اثر طاعون در بصره از مجلس صحیحه اسلامبول به مُجَدَّ شمس‌الدین و ارسال این خبر از جانب وی به سفارت عثمانی
نمره 100

7 صفر 1319

/¹ جناب جلالت و بنالت با کفایت و کفالت نصاباً فخامت و مناعت انتساباً دوستان اشتظاراً مشفقاً معظماً مهرباناً /² موافق تلگرافخانه واصله از مجلس صحیحه اسلامبول بدکتر دوم در طهران مینویسد که قرنطینه /³ بغداد را برداشته اند. دور بصره از اوّل تا کنون یازده نفر مریض شده و شش نفر /⁴ وفات نموده اند. محض اطلاع خاطر محترم آن جلالتمآب

¹ GH1319-K19-31-8

زحمت افزا گردید /⁵ همواره احترامات فائقه را نسبت به آن جناب جلالتمآب تجدید می‌نماید. زیاده زحمت دهد.

[(مهر)] : مُجَّد شمس‌الدین¹

سند شماره 19

تلگراف جداگانه در باب سوء حرکات و رفتار مظهر بیگ باش کنسولگری عثمانی مقیم تبریز و از معاملات او و ارسال گزارش مراتب همین نوع بدرفتاری و بی مبالاتی مظهر بیگ به شمس‌الدین بیگ و درخواست تغییر مظهر بیگ کنسولگری تبریز

شهر رمضان 1321

نمره 532

/¹ در رقیمه نمره 1515 در ضمن شرح حالات و معاملات غیر مرضیه کنسولگری‌های عثمانی /² تفضیلی که جداگانه در سوء حرکات و رفتار مظهر بیگ باش کنسولگری عثمانی مقیم تبریز و از معاملات او /³ در حق کامل بیگ ویس کونسول عثمانی و التجاء مومی‌الیه بکارگذاری آذربایجان و کج روشی /⁴ باش کنسولگری با جناب مفاخرالدوله کارگذار مشروحاً مرقوم فرموده بودند از تفضیل آن مطلع گردیده /⁵ علاوه بر

¹ GH1319-K19-31-

اظهاراتی که در باب سوء رفتار کنسولگری‌ها حضوراً به صدراعظم و وزیر امور خارجه ^{6/} نمودم مخصوصاً مراتب همین نوع بدرفتاری و بی‌مبالاتی مظهر بیگ را به شمس‌الدین بیگ ^{7/} سفیر کبیر نیز مفصلاً تفهیم و اظهار داشتم سفیر معزی الیه جواباً اظهار داشته بود که همین کامل بیگ ^{8/} ویس قونسول از اشخاص بی‌عقل و بی‌شعور بوده مخصوصاً چند مرتبه از وزارتخارجه او را احضار به اسلامبول ^{9/} کرده اند به اقتضای همان بی‌عقلی که درارد نیامده است در این صورت نمیتوان گفت که شکایت ^{10/} التجاء آن بکارگذاری از روی حقانیت و قاعده بوده است و اما مثل فرنگی‌ها ^{11/} عیال مسلمه خود را بی‌پرده در کوچه راه بردن اینهم عاید به شخص خود بوده عیال او چون ^{12/} از اهل مصر و عادت کرده عادات آنجاست این است که به عادت خودشان ^{13/} رفتار می‌نمایند معهذا بعد از عزیمت خودم به طهران البته هر گونه اخلافات و مبانیات را خواهم نمود ^{14/} بجهت مزید استحضار خاطر مبارک جناب مستطاب احل افخم عالی دام جلاله متعالی عرض شد.

[درهامش]: وزیر خارجه را مجدداً ملاقات کرده اند / تا یک درجه قول داد که مظهر بیگ کنسولگری تبریز را / تغییر بدهد امید دارم انشاء اله از آن فقره هم / خواطر اولیاء دولتی‌ه آسوده باشد¹.

¹ QAMARI1321-K1-P4-0009

سند شماره 20

گزارش آمدن فرقه کاظم خان برای مرعی به خاک عثمانی و
طایفه والیان و اذیت شدن عشایر عثمانیه با ورود آنها
نمره 235

فی 4 شهر رمضان 1316

¹/ جناب جلالت و بنات با کفایت و کفالت نصاباً فخامت و
مناعت انتساباً دوستان استظهاراً مشفقاً معظماً محترماً
مهرباناً ²/ از قرار اظهار ولایت جلیله بغداد این اوقات از
غیرت (?) بجنابعالی فرقه کاظم خان برای مرعی به خاک
عثمانی آمدند ³/ و چند روز دیگر هم طایفه والیان خواهند
آمد و به عشایر عثمانیه اطاله دست خواهند کرده چنانکه
مکرر دیده شده است ⁴/ و از حرکات آنها انواع بدیها بظهور
خواهد رسید و الغایر مقاتلات و مخاصمات خواهد ⁵/ در
اینصورت ولایت مشارالیه منسب بلکه واجب دیده است که به

وسایلو فرق مذکوره را /⁶ کارگذارن دولت علیه ایران از خاک عثمانی کشیده اطلاع بدهند و در این موقع احترامات فائقه را تجدید نمایند.

[(مهر) : مُجَدَّ شمس‌الدین¹

سند شماره 21

گزارش مُجَدَّ شمس‌الدین راجع به نامه تاجر باشی رشت به سفارت‌گریمبنی بر این که وکالت کمپانی صباغ را به موجب یکطغرا وکالت نامچه از بابت یکهزار و پانصد تومان طلبی از استپان سیمانیاس قبول کرده بود اما پولی به او پرداخت نمی‌شود.

31 شهر ذیقعه 1314

/¹ جناب جناب جلات و بنالت با کفایت و کفالت نصاباً فخامت و مناعت انتساباً دوستان استظهاراً مشفقاً مهرباناً /² از قراریکه تاجر باشی رشت به سفارت‌گری نوشته است در ششماه قبل کمپانی صباغ به موجب یکطغرا وکالت نامچه از بابت یکهزار و پانصد تومان طلبی /³ که از استپان سیمانیاس داشته تاجر باشی مزبور را وکیل مینماید که وصول نماید اوهم به ایالت گیلان عارض میشود و مدیون مزبور را حاضر می‌کنند /⁴ پس از حاضر کردن میگوید پول نقد ندارم مطالبات

¹ QAMRI 1316-34-01-15

دارم وصول کنید در عوض این طلب بدهید ماموری معطل
 مینمایند... از سه ماه معطلی /⁵ مراجعت می‌کند میگوید که
 از کلیه مطالبات استپان سیصد و ده تومان وصول کرد نود
 تومان خودم از بابت حق الزحمه برداشته ام /⁶ و قریب نود
 تومان هم مخارج شده است یکصد و سی هشت تومان موجود است
 وزیر حکومتی هم گفته که چهارده تومان ده یک در این /⁷
 مبلغ موضوع میشود و بقیه که یکصد و بیست و چهار تومان
 است قبض بدهید بگیرند بعد از اینکه خواستید خود را
 دادند /⁸ در مدت دو ماه نود و نه تومان داده بیست و پنج
 تومان آن باقی است که تا حال نداده اند این وصول و
 ایصال /⁹ مطالبات اتباع عثمانی دوستدار خواهشمند است
 آنچه در این باب بموجب حق و عدل لازم است /¹⁰ که در این
 معاملات را درباره اتباع عثمانی روا نداشته امورات معوقه
 آنها را قرین تسویه که دوستدار /¹¹ خواهد بود ، احترامات
 فایقه دوستداران جناب جلالتماآب در ضمن ؟.

مهر: محمد شمس‌الدین

سند شماره 22

عدم ارسال جواب مراسله سفارت کبری مربوط به شکایت
 خواجه‌یوسف الیاس تاجر مقیم اصفهان از وزارت امور خارجه
 ودر خواست امر مؤکد به حکومتی محلی برای رسیدگی به این
 شکایت

24 ذی القعدة 1318

/¹ جناب جلالت و بنالت با کفایت و کفالت نصاباً فخامت و
 مناعت انتساباً دوستان استظهار مشفقاً معظماً مهرباناً /²
 جواب مراسله سفارت کبری مورخه 13 ذیقعدة 1318 مربوط به
 شکایت خواجه‌یوسف الیاس تاجر مزبور /³ مقیم اصفهان از

وزارت امور خارجه نرسیده و عرایضات او را که در مراسله فوق الذکر مندرج است قرین تسویه نداشته /⁴ و اطمینان جانی و مالی به او داده نیامده مجدداً تقدیم نموده است که موقع کارو تجارت و ترویج امورات او هست ولی حکومتی محلیه /⁵ اظهارات مشارالیه را بنظر اعتنا نمی‌کرد سهل است او را مشکلات دچار مینمایند دوستدار احترامات تمام خواهشمند است /⁶ که امر مؤکد تلگرافی بحکومتی محيله و کارگذار که از قرار مذکور آدم عاقل شرف صدوریابد اظهارات خواجه‌یوسف را /⁷ فراهم نیامد و از نتیجه دوستدار را استحضار فرمایند معمولاً احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند زیاده زحمت دهد.

مهر: محمد شمس‌الدین

نتیجه گیری

با تولد محمد شمس‌الدین بیگ در سال 1855 در منطقه‌ی قفقاز، ماجرای زندگی 62 ساله او آغاز شد. در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم پس از کاهش نفوذ دولت عثمانی در قفقاز، روس‌ها قدرت گرفتند. در سال 1865 روس‌ها قفقاز را تصرف کردند و فشارهای زیادی به ترک‌های ساکن این منطقه وارد شد. در نتیجه‌ی این فشارها بسیاری از مردم این ناحیه به عثمانی مهاجرت کردند. محمد شمس‌الدین بیگ که اصلیت "چرکس" داشت به همراه پدرش در سال 1865 در سن ده سالگی به استانبول مهاجرت کرد.

در دولت عثمانی به هر ملیتی چه ترک باشد یا نباشد، با توجه به صداقت و وفاداری تا بالاترین مقام‌های دولتی اجازه ترفیع داده شده است و این رسم در دولت عثمانی یکی از دلایل پابرجا ماندن آن به مدت 624 سال بوده است.

شمس‌الدین بیگ به دلیل درایت و تلاش بسیار، مدارج دولتی را بسیار سریع طی کرد، به مقام‌های عالی رسید و در مهمترین بخش‌های دولت عثمانی خدمت کرد. موفقیت‌های وی در بالکان و یونان علاوه بر نشان‌ها و رتبه‌های بسیار،

مسئولیت سنگین سفارت در تهران را نیز به دنبال داشت. در اسناد دیده می‌شود به دلیل شرایط آن دوره، پرداخت حقوق شمس‌الدین بیگ گاهی به تعویق افتاده است. وی به دلیل اهمیتی که به وظایف خود می‌داد، برای عقب نیفتادن امور سفارتخانه در زمان‌هایی که مدت کوتاهی در تهران حضور نداشت از استانبول جانشین برای خود درخواست می‌کرد. به دلیل این وسواس و علاقه به وظیفه بوده است که همواره در مهمترین مناصب دولت عثمانی خدمت کرده است.

شمس‌الدین بیگ در ایران نزدیک به 13 سال سفیر بوده است. در مدت سفارت وی، پیشرفت‌های زیادی در روابط ایران و عثمانی به ثبت رسیده است. در اسناد دوره‌ی سفارت او این پیشرفت‌ها و نیز تلاش بسیار دولت‌های اروپایی در منطقه برای به هم زدن رابطه‌ی این دو کشور دیده می‌شود. شمس‌الدین بیگ در مدت اقامت خود در تهران، اعتماد و دوستی شاه را به دست آورد، طوری که پس از دومین انتصاب او به عنوان سفیر در تهران، تمایل شاه به وی در نامه‌ی تشکر از دولت عثمانی دیده می‌شود.

در این اسناد در کنار پیشرفت‌های موجود در روابط ایران و عثمانی، رقابت بین دو دولت نیز که امری طبیعی میان همه دولت‌هاست، دیده می‌شود. به عنوان مثال رقابت بین ایران و عثمانی در خلیج فارس که از نظر استراتژیک مکانی بسیار مهم می‌باشد، در اسناد به وضوح دیده می‌شود. با استفاده از اسناد دیگر این دوره که در این پایان نامه روی آن‌ها تحقیق شده است، ابعاد روابط دو دولت را می‌توان گسترده تر و دقیق تر مورد بررسی قرار داد. در تحقیقات انجام گرفته روی اسناد، خدمات اجتماعی و اهمیت دادن دولت‌های ایران و عثمانی به مردم به طور آشکار دیده می‌شود. مثلاً در این اسناد تصمیمات و اقدامات هر دو دولت برای مقابله با بیماری طاعون مشاهده می‌شود.

مسائل اجتماعی و اقتصادی میان دولت ایران و عثمانی نیز در این اسناد دیده می‌شود. به عنوان مثال در زمان سفارت شمس‌الدین بیگ در ایران، مسأله‌ی ارث و میراث برخی افراد فوت شده باعث ایجاد مشکلات بین دو دولت شده است، اما با ورود شمس‌الدین بیگ این مسائل به نتایج مطلوبی رسیده اند.

در این اسناد مشاهده می‌شود حل وقایع و اختلافات پیش آمده بین عشایر ساکن در مرز دو کشور به شمس‌الدین بیگ ارجاع شده است. در عین حال کنسولگری‌های عثمانی در ولایت‌های مختلف ایران (ساوجبلاغ، کرمانشاه، کردستان و...) شمس‌الدین بیگ را از اتفاقات مختلف باخبر می‌کردند و او نیز این وقایع را به استانبول گزارش می‌کرده است.

در برخی اسناد دیگر و گزارش‌های شمس‌الدین بیگ، تصمیمات شاه ایران در قبال مسأله‌ی مشروطیت که بنیان دولت را به لرزه درآورده بود و حکومت را به سمت فروپاشی سوق می‌داد و نتایج این تصمیمات به طور کامل شرح داده شده است. اقدامات پیشگیرانه‌ی دولت عثمانی برای جلوگیری از برقراری نظام مشروطه و تلاش‌های شمس‌الدین بیگ برای جلوگیری از این موضوع نیز در این گزارش‌ها به تشریح آمده است. مهمترین دلیل مقابله‌ی دولت عثمانی با برقراری حکومت مشروطه در ایران، نابود شدن دولت‌های چند ملیتی در جاهای مختلف جهان در آن دوره، به خاطر این نوع حکومت بوده است. به همین دلیل از استانبول به شمس‌الدین بیگ در این مورد تذکر داده شده است. عوام که اهمیتی به آن‌ها داده نمی‌شد و علما و روحانیون که قشر مورد اطمینان آن‌ها بودند، مهمترین حامیان مشروطه در ایران بودند. از نتایج تحقیقات روی برخی اسناد برمی‌آید، طرفداران مشروطیت پیش از اعلام مشروطه و تشکیل مجلس، با پیروی از حوادث و شرایط روسیه که از قدرتمندترین دولت‌های آن دوره بوده،

جنبش‌های انقلابی خود را آغاز کرده بودند. این دلیل قاطعی بر نفوذ تأثیرگذار روسیه در ایران می‌باشد. از دیگر شواهد نفوذ روسیه، سخن گفتن از "سید عبدالله" در این اسناد است که حامی روس‌ها و حتی عامل روسیه در ایران به حساب می‌آمده و دولت ایران را در مقابل عثمانی تحریک می‌کرده است.

در اسناد مذکور علاوه بر تحریک ایران و عثمانی نسبت به هم توسط انگلیسی‌ها، شواهد ایجاد اختلافات مذهبی در بین مردم توسط این کشور نیز مشاهده می‌شود. در این دوره موضوع کمک‌های مالی به علمای شیعه توسط انگلیسی‌ها در بغداد که از ولایات عثمانی بود و تدابیر لازم دولت عثمانی در مقابل این مسأله در اسناد شرح داده شده است. از این مسائل به خوبی فهمیده می‌شود، رویارویی و اختلاف بین دو دولت ایران و عثمانی، می‌توانست باعث قوی تر شدن انگلیسی‌ها در منطقه شود. زیرا با وجود این شرایط، عثمانی تأثیرگذاری خود بر روی ایران و آسیای میانه و همچنین مسلمانان هند را از دست می‌داد. با وجود همه‌ی این‌ها و ضعف دولت عثمانی در مقابل دولت‌های اروپایی در این دوره، سلطان عبدالحمید دوم صفت خلیفه گری مسلمانان را در مقابله با اروپایی‌ها برای خود به کار می‌برد. زیرا بسیاری از جمعیت ساکن در مستعمرات انگلیس و اروپا را مسلمانان تشکیل می‌دادند.

مراجع

فهرست منابع و پژوهشها :

پژوهش‌های فلسفی

1. لغت‌نامه دهخدا: کنسولگری.
2. مجید یکتایی، تاریخ گمرک ایران، نشر دانش، تهران
3. عبدالحلیم الرهیمی، تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه
مُجد نبی ابراهیمی، حوزه هنری سازمان تبلیغات
اسلامی تهران، 1375،
4. جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، 1375،
5. سفرنامه مبارک شاهنشاه، دانشگاه تهران، کتابخانه
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، چاپ 1902

پژوهش‌های ترکی

1. Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri، Ankara.2010

2. Ömer Karataş, 19.'da Anadolu'da Çerkes Göçmenlerinin İskanları Sırasında Karşılaştıkları Sorunlar: Uzunyayla Örneği. Karadeniz Araştırmaları Dergisi , 14.02.2013 17063 Numaralı Makale
3. Alaattin Gövsa, Türk Meşhurları Ansiklopedisi.
4. Ahmet Arkin Bölükbaşı, Kuzey Kafkasya Özerk Cumhuriyetleri Bağlamında Rus Dış Politikası, Yüksek Lisans Tezi, Ankara - 2007
5. Ahmet Bedevi Kuran, Osmanlı İmparatorluğunda İnkılap Hareketleri ve Milli Mücadele, İstanbul, 1959
6. Alireza Mokhtarpour İran Devlet Modeli Yüksek Lisans Tezi, , Ankara-2012
7. Balloyà Décaze, Téhéran, 30 Decembre 1876, (Cor. Pol. M. A. E. F.)
8. Cemil Said Bey İran Mektupları, A. Ergun Çınar, Kitapevi, İstanbul 2014
9. Durmuş Akalın - Cemil Çelik XIX. Yüzyılda Doğu Akdeniz'de İngiliz-Fransız Rekabeti ve Osmanlı Devleti Çukurova Üniversitesi Türkoloji-Makale Bilgi Sistemi, Makale no: 15867, 20.9.2012
10. Durdu Mehmet Burak, Osmanlı Devletinde Jön Türk Hareketinin Başlaması ve Etkileri, Sayı: 14 Sayfa DOI: 10.1501/ Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi _0000000502 Yayın Tarihi: 2003.1,
11. Faik Reşit Unat, Osmanlı Sefirleri ve Sefaretnameleri, , TTK, 2008, Ankara
12. Hüseyin Namık Orkun Türkçülüğün Tarihi, Ankara 1977
13. İbrahim Refik, Efsane Soluklar, T. Ö. V. Yayınları, İzmir, 1992
14. İlber Ortaylı Osmanlı Diplomasi Tarihi Konulu Brifing, TBMM Haber Bülteni, 16 Kasım 2012, 182.Sayı
15. İsmail Hami Danişmend, İzahlı Osmanlı Tarihi Kronolojisi, İstanbul 1972, c.4
16. İstanbul Üniversitesi Kütüphanesi Nadir Eserler Kataloğu
17. İzzet Aydemir Muhaceretteki Çerkes Aydınları, Nart Yayıncılık Ankara, 1991.
18. Mahmud Kemal İbnül-Emin, Evkâf-i Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcim-i Ahvali Kondoktor Mektebi İçin, Hüseyin Hüsameddin Evkâf-ı İslâmiye Matbaası İstanbul Türkiye, Hicri 1335.

19. Mehmed Süreyya , Sicili Osmani , Tarih Vakıfları Yurt Yayınları , İstanbul , 1996
20. Muharrem Yıldız Kafkasyada Yaşayan Türklerin Dini Hakkında Sosyo-Kültürel Bir Araştırma , Doktora Tezi , Konya , 2000
21. Mesut Erşan , Birinci Dünya Harbinde Osmanlı Devletinin Kuzey Kafkasya Siyaseti (1914-1918) Doktora Tezi , Erzurum-1995
22. Mehmet Alaaddin Yalçinkaya , Osmanlı Zihniyetindeki Değişimin Göstergesi Olarak Sefaretnamelerin Kaynak Defteri , Otam Dergisi 7.Sayı , 1996
23. Muhittin Akgül , Ayetler ve Hadisler Işığında Hayatımız , Işık Yayınları , 2004 İstanbul.
24. Mehmet Alaaddin Yalçinkaya , Osmanlı Diplomasisi , 2.Ünite , 1.Baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri , Eskişehir , Nisan 2013.
25. Metin Kunt , Türkiye Tarihi Ansiklopedisi 1300-1600 , C. II , Cem Yayın Evi , Ankara 1978
26. M. Şükrü Hanioğlu , Bir Siyasal Örgüt Olarak Osmanlı İttihat ve Terakki Cemiyeti ve Jön Türklük (1889-1902) , c.1 , İstanbul , 1985.
27. Mustafa Akdağ , Osmanlı Tarih'inde Ayanlık düzeni , Tarih Araştırmaları Dergisi , 1963
28. Mardin , Şerif , Jön Türklerin Siyasi Fikirleri , Ankara , 1964
29. Milli Edebiyat Dönemi , Açıköğretim Fakültesi Yayını 4. Ünite
30. Necmetin Alkan , Osmanlı Diplomasisi , S.14 , 1.Ünite 1.baskı Anadolu Üniversitesi Web-Ofset Tesisleri , Eskişehir , Nisan 2013.
31. Nuru Osmaniye Kütüphanesi- Ali Emiri Efendi no:824
32. Nuru Osmaniye Kütüphanesi Arşiv Numarası: 43 va 831
33. Osman Nuri Topbaş , Altınoluk Dergisi 1997-Kasım , Sayı:141
34. Osman Gazi Özgüdenli , Osmanlı İranı I: Batı İran ve Azerbaycan Tarihi Hakkında Osmanlı Tahrir Kayıtları: Coğrafi ve İdari Taksimat , Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi Cilt: 22 Sayı: 34 Yayın Tarihi: 2003
35. Oral Sander , Anka'nın Yükselişi ve Düşüşü Osmanlı Diplomasisi Tarihi Üzerine Bir Deneme , Ankara , 1987 , Ankara Üniversitesi Siyasal Bilgiler Fakültesi Yayınları- 563 .

36. Selda kılıç ، iran'da ilk Anayasal Hareket "1906 Meşrutiyet" Ankara
üniversitesi dil Tarih Coğrafya Fakültesi
37. Sina Aksin ، Jön Türkler ve İttihat ve Terakki ، İstanbul ، 1987.
38. Selim Deringil ، İktidarın Sembolleri ve İdeoloji II. Abdülhamit Dönemi (1876-
1909) ، Çeviren Gül Çağalı Güven ، İstanbul ، 2002.
39. Sacit Kutlu ، ، İkinci Meşrutiyet Döneminin Düşünce Akımları ، 19 Ocak
2008 ، Osmanlı Bankası Arşiv Araştırma Merkezi
40. Safarov Rafik Firuzoğlu ، Kırım ve Kafkasya'dan Osmanlı İmparatorluğu'na
Göçler ، Osmanlı Ansiklopedisi ، C. IV
41. Timuçin Kodaman- Ekrem Yaşar Akçay ، Kuruluştan Yıkılışa Kadar Osmanlı
Diplomasi Tarihi ve Türkiye'ye Bıraktığı Miras ، Süleyman Demirel
Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi Aralık 2010 ،
Sayı.22
42. Yaşar Özüçetin- Sıddık Yıldız ، 14 Şubat 1909 Hükümet Krizi Öncesinde: “
İngiliz Gözüyle Osmanlı Hükümeti ve Meclisi Mebusan” Uluslararası Sosyal
Araştırmaları Dergisi ، Yayın Tarihi: 20.02.2008)
43. Yaşar Çağbayır ، Orhun Yazıtlarından Günümüze Türkiye Türkçesinin Söz
Varlığı Ötüken Türkçe Sözlük ، Cilt 2 ، Ötüken Yayınları İstanbul 2007
44. Zeynep ، Akıncı Makale Diplomatik Dil ve Özellikleri ، 11. 05. 2005
Çukurova Üniversitesi Türkoloji Araştırmaları Merkezi .

مقالات

1. حسن حضرتی ، گزارش شمس‌الدین بیگ (سفیرعثمانی) از
تحولات مشروطه در ایران . مجله دانشکده علوم
انسانی دانشگاه تهران .
2. مقاله‌ی حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی ،
مجتهد حسن صدری ، زهرا شیبانیان .
3. مقاله‌ی تاریخچه روابط ایران و ترکیه در دوره
پهلوی ، طلعت ده پهلوانی

روزنامه‌ها

1. سفیر کبیر و سفارت ایران در عثمانی، محسن میرزایی، روزنامه ایران، شماره 4374 به تاریخ 88/9/8
2. Ğuaze Gazetesi، 2 Nisan 1911، 1. sayı. 3. sayfa

منابع اینترنتی

1. <http://www.kuwait-history.net/vb/showthread.php?t=997> تاریخ کویت
2. <http://montekhab.mihanblog.com/post/236> . اولین شماره روزنامه مجلس شورای ملی مربوط به مشروطیت
3. <http://www.rijaldb.com> بانک اطلاعات رجال ایران
4. <http://vista.ir/article> مقاله‌ی تاریخچه روابط ایران و ترکیه در دوره پهلوی
5. <http://www.ataturkinkilaplari.com/ads/40> غرب گرایی
6. <http://fa.wikipedia.org/wiki/> / وکیل کنسولگری
7. <http://tr.wikipedia.org/wiki/> Kılıçlı Mecidi Nişanı
8. <http://www.uludagsozluk.com/k/tletseruk/> 8. 12. 2013 Tleseruk
9. <http://www.ekrembugraekinci.com/makaleler.asp?pg=31&id=1> Osmanlı Devleti Laikmiydi?
10. www.e-.org/Sayfam.php?m=so&id=146 ittihat ve terakki partisi

پیوست



شمس‌الدين بيگ¹

¹ Mahmud Kemal İbnül-Emin, Evkâf-i Hümayun Nezaretinin Tarihçe-i Teşkilât ve Nüzzârın Terâcim-i Ahvali Kondoktor Mektebi İçin , Hüseyin Hüsameddin Evkâf-ı



سفارت عثمانی¹

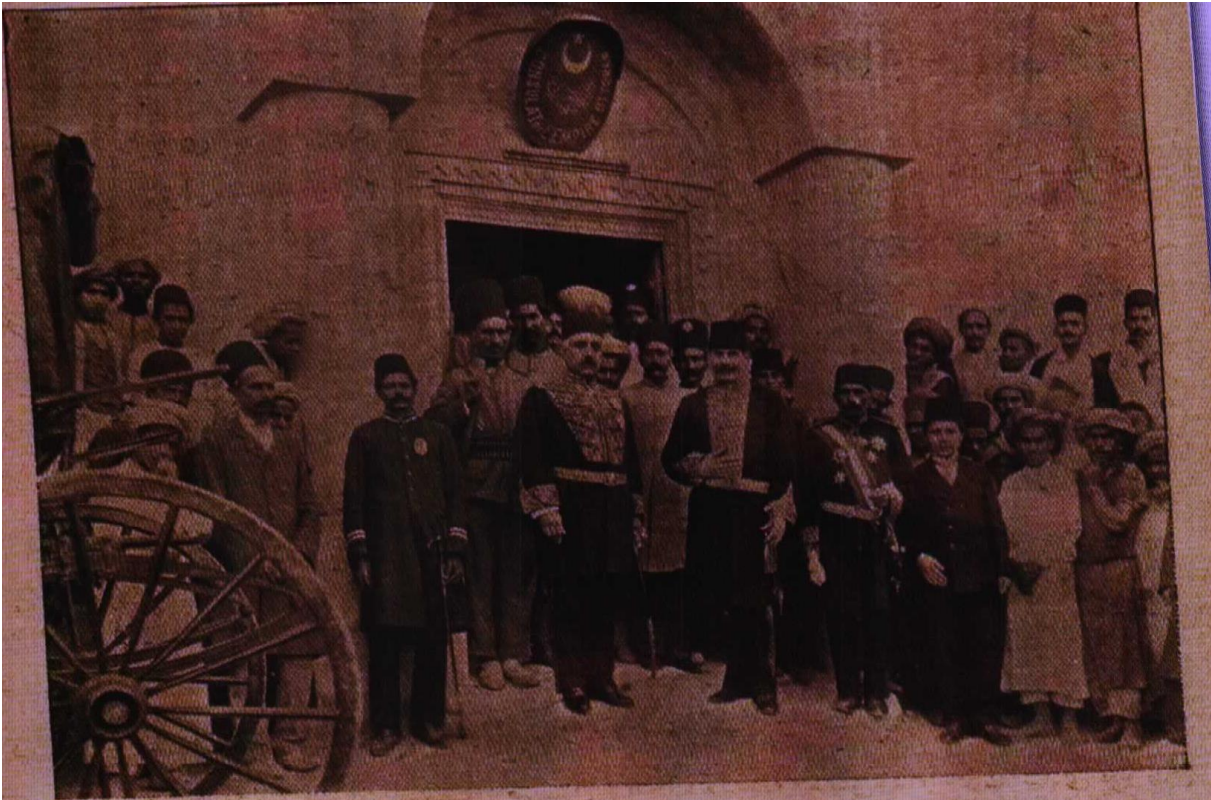
İslâmiye Matbaası İstanbul Türkiye s.212, Hicri 1335.

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010,



شہبندر خانہ عثمانی در ساوجبلاق¹

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010

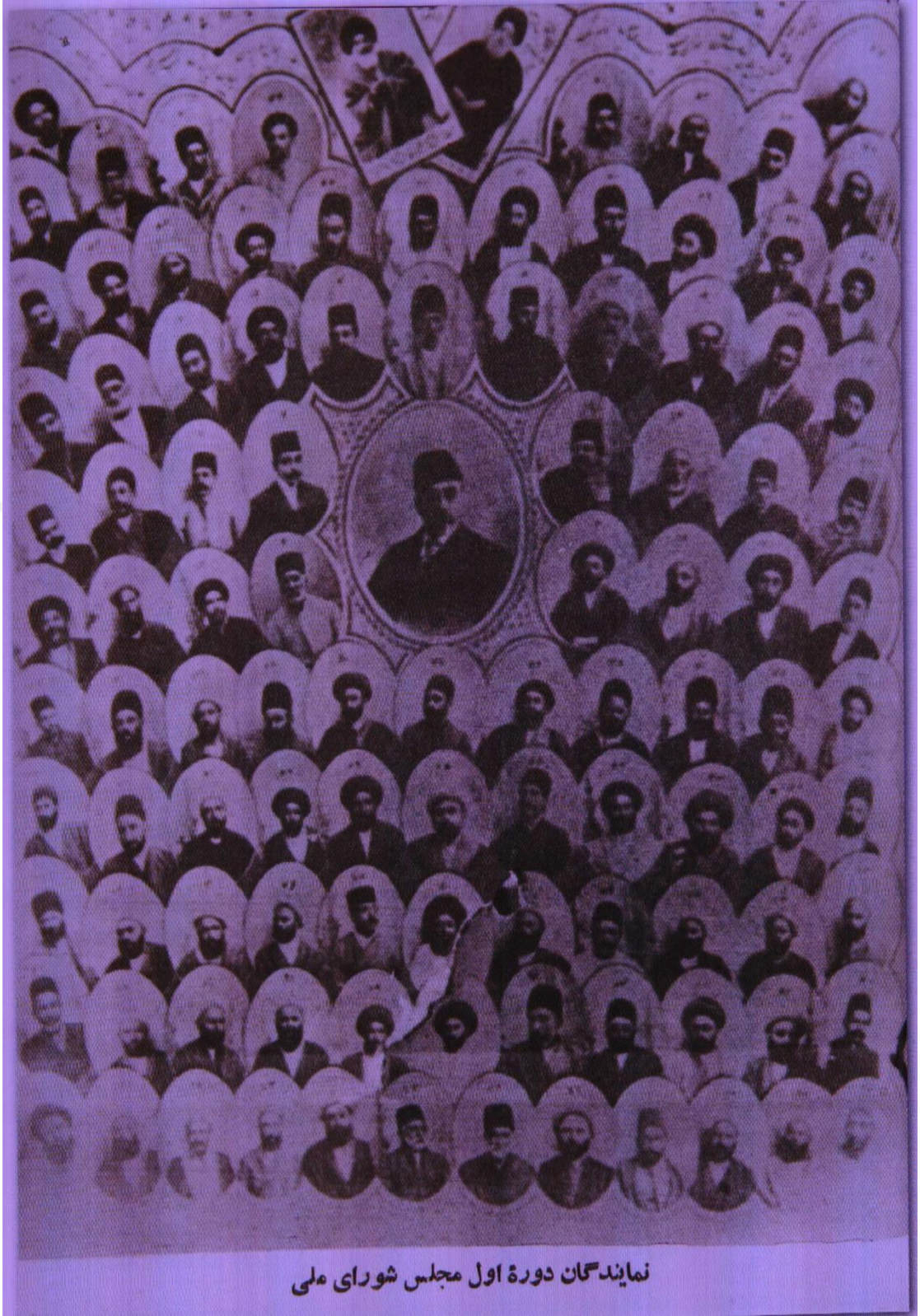


ایرانده عثمانلی نفوذی : خلیج فارس دین بصره کورفری ساحلده کی بندر بوشیر شهرنده
 کائن عثمانلی شهیندرخانه سنه ، کچن سنه نهاییلرنده اهالیکنک انقه لندن قورقورق الجا ایدن بر ایرانی
 پولیسک اهلی طرفندن زورله شهیندرخانهیه کیریلرک اتلاف ایدله سندن دولای، واع اولان شدید
 پروتستو و طلب اوزرینه ، ایران حکومتی طرفندن عثمانلی شهیندری نیل ضیا بکه ترضیه ویرلشدور .
 رسمیز ترضیه ویرمک انچون کان ایرامک بندر بوشیر والیسی ایله عسکرلرینی و صاغ طرفنده عثمانلی
 شهیندرینی کوسته رییور .

Le Consulat de Turquie de Bender-Bouchir dans le Golfe Persique.

شهیندرخانه عثمانی در بندر بوشهر¹

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010



1 ...

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010



عده‌ای از متحصنین در سفارت انگلیس

1
.....

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010



مجلس ایران - سرای بهارستان¹

¹ Arşiv belgelerinde Osmanlı-İran ilişkileri, Ankara.2010

۵۸
عراق ۱۲۱۹

فایده‌ی این کتاب، که در این کتابخانه است، در این کتابخانه است.

در طرفه‌ی این کتاب، که در این کتابخانه است، در این کتابخانه است.

در بعضی طاقون، که در این کتابخانه است، در این کتابخانه است.

فصلی در این کتاب، که در این کتابخانه است، در این کتابخانه است.

در این کتاب، که در این کتابخانه است، در این کتابخانه است.

درخواست تدابیر لازمه از مجلس صحیحه استامبول بدلیل
طاعون بصره

Σ 1129

۱۳۵۴

عربی و ریاضیات

206

Carli

در باب درستی روح و حیات بنده ای چنانچه حقین گرامش آن وسیله قرار
پس از مذاکرات مدینه با جناب صدر اعظم و وزیر دربار و جناب امیر کبیر
عمید کرمی در مقام مقرر جسم از بدنه دوم در جناب فیاض الدین علیخان کرم
و از جناب بنده ای از آنکه گویند قدری در آن جناب خبر در این باره
در جناب اوقات کفر کار دارد و حق در آن و اینک بنده رجاء دارد
و در دو باره آنکس حقایق حقین خبر در آن دو باره جناب اوقات با کمال
صاف گویند و حقین از امر کرمی روح حقین نصیب بنده و غایت در آنکه
و اینک بنده رجاء دارد که در آن باره با جناب امیر کبیر و جناب امیر کبیر
در روز این ایام تمام کارها را تمام بنده گویند و در آنکه
در کار دارد با دریا بنده با کمال صاف گویند و در آنکه
در اوقات در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه
در این بنده رجاء دارد که در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه
در این بنده رجاء دارد که در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه در آنکه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱



1500
1700

208

۵۸
۱۲۹۹

فصل اول در بیان کلیات و اصطلاحات و در بیان تاریخ و احوال

در بیان کلیات و اصطلاحات و در بیان تاریخ و احوال

در بیان کلیات و اصطلاحات و در بیان تاریخ و احوال

در بیان کلیات و اصطلاحات و در بیان تاریخ و احوال

در بیان کلیات و اصطلاحات و در بیان تاریخ و احوال

گزارش ارسال سه طغرا تلگراف از مجلس صحیحہ اسلامبول به
دکتر دوم مأمور صحیحہ دولت عثمانیہ در طهران مبنی بر
شیوع طاعون در بصره و درخواست اتخاذ تدابیر لازمه دولت
علیه عثمانیہ توسط محمد شمس الدین بیگ

ص ۱۰۰
ص ۱۰۱

فایده من بآنها اندک بود، و من در وقت آنکه در بصره بودم،
در آنجا بودم.

مؤخر سده فایده من در مجلس صمیم بود، و من در آنجا بودم.

نیز در بصره بودم، و من در آنجا بودم.

و من در بصره بودم، و من در آنجا بودم.



گزارش برداشته شدن قرنطینه یغداد با 11 مریض و 6 کشته در
اثر طاعون در بصره از مجلس صحیحہ اسلامبول به محمد شمس
الدین و ارسال این خبر از جانب وی به سفارت عثمانی

[illegible]

برای ورود به خلیج فارس حکومت ایران برای ساختن قرنطینه خانه از امور خارجه عثمانی اجازه می‌خواهد و امور خارجه عثمانی هم برای موافقت شرایطی دارد

عَلَد
٤٨

کنسولگری انگلستان در بغداد با میانجگری میان مجتهد و
علمای ایران در کربلا و نجف حقوق میدهد نامه رسمی والی
بغداد دربرای این موضوع

[illegible]

درباره پیشرفت قبل و بعد رویداد مشروطیت در ایران

[illegible]

رَبِّهِمْ سُبْحَانَكَ بِحَمْدِكَ يَا مُنِيبُ
فَرَّقْ عَلَيْنَا: أَهْلَهُ الْبَيْتِ سُبْحَانَكَ وَمَا نَفَعَتْ قُوَّةُ
كَانِي بَرَاءَةً حَبِيبٍ زَانًا وَفِيمَ أَهْلِهِ أَهْلُهَا خَافَتِي بِرَقَاتِهِ وَهَلْ تَقْدِيرُ أَجْدِهِ بِإِلَهَانِهِ لَعَنَهُ
طَرَفَانِهِ فِي أَهْلِهِ وَبِرَقَاتِهِ أَيْدِيكَ لَأَهْلِي الْعُلَمَاءِ عَرَفَتْ سَارِعَةَ الْيَلَمِ الْوَلِيَّانِيَّةِ
صَدَقَ أَهْلُهُ مَعَهُ

حَسْبُكَ

مدير مسئول :

م . توبق طلت - خبط

مسلكه موافق آثاره صحيفه رينز آجقندر
درج اوليان اوراق اعاده ايندز

آبوه :

سنه لکي ۳۰ آلي آياي ۱۸ غرويندر

لسمه سي (۲۰) پاره در

صاحب امتياز :

يوسف سداد - نه غوج

ملي ادارہ سي :

جنرل ملائده چرکس ٺلوي

امور اداره و تحريه ايجون مديره

مراجعت اولور

لسمه سي (۲۰) پاره در

عنوان

[مهر]

شديوت هفتده برده نشر اولور . سياسي ، اقتصادي ، اجتماعي ، علمي نشرات

۱۷ ربيع الآخر ۱۳۲۹
۴ ثينان ۱۳۲۷
۱۷ ثينان افريحي ۱۹۱۱

اجداد

۱ -

بر ملثك و يا بر قومك ايكي نوع حياتي
وارد . بري حيات شخصيه و ظاهره سي ،
ديكري حيات حقيقي و عومومسيدير . حيات
شخصيه سي ، بر حيات اولان افرادنيك حيات
حاضرملري مجموعندن عبارت اولوب الحق حيات
حقيقيه سنك بر شكل خارجيسيدر . حيات
شقيقيه سي ايسه هم حيات شخصيه سنندن وهمده
اجداد آله سنك حيات مشويه نلندن متركيدر .
بر ملثك حياتي ، كوئي اجدادنيك مزارلرنده
آساكيڭر ، اغضان و اوراق او تراب مقبارك
قوة نياضانه سنك درجسته نظراً قوي و لطيف
وياخود سولغون و ضيف اوله قري كوريلن بر
اغاچه بگزور ، فصل كه بر افواج كوكلري نه قدر
تكثير و تنديد ايدر و بو صورته نه قدر چوق
طوبراق قوجاقلارسه او نسبتده حاز مقاومت
ويايدار اوليور ، عين بر ملثكه ماشيه نه قدر
اوزون اولور و عرق اعتباريله نه قدر چوق
طوبراق تصاحب ايدرسه او نسبتده حياتندن
امين و موجودتيده مئين اولور . بولك ايجوندر كه
تجربات هر قيه مليتور و رانك جه اشتغال نلندن .
ديك كه اساس حيات ماشيده در . حال
ديديكيز زمان الحق اوجياك بر ممكس اشكالي
اوله بيلير . بر ملثك ماشيه تيمن و تحديد
ايدن ايسه مقابر اجداد و او مقاربه اوقونان
خطرات اجداد در . او حالده يثامق آيستين
هر ملت اجدادي طائيلي و تنظيم ايتلدير .
ماشيه ميجول ، اجداديده او ميجوليت
ايجريسنده نابود اولان ملثك حال و استقبالي
لاريده ، مظالم و مهلكدر . استقبالي ، اوله مهم
و ميجول برساحه در كه اوراده آحق ماشيدن
استقاره ايدن كوزلره ، محنة ماشيده جريان
ايدن و قايي مصور بر خرييله ايله يورونه بيلير .

تاريخ كوستر يور كه اجدادن نائل و ماشيدندن
فك علاقه ايدن ملثك ، حيات مليريه سارته ،
ذلتله نهايت بر مشلردر . چونكه بر ملثك يثانان
عصاره حيات ماشيدن كالير . بولك ايجون بر
قوم استقبالي ايدل ايسته بيلديكي زمان اولك
ماشيه ايله اولان علاقه سي كميلدير ، و ياخود
كيدني ماشيه استقبالي ايدله جك ملثك ماشيه
شخصيه ايدلر . بر ماشي مشترك تاسيسنه
چالشميلدير . چونكه ماشيه ايله علاقه دار
اولان ملثك ، كيدني فائزله نان نيانات كيدرلر .
اونلر هيچ بر وقت قورونيله من ، مكره
كوكلرندن كيهله . بوسيدندر كه ماشياري
مشترك اوليان و فقط حاله متجديكي كوريلن
ملثك هيچ بر وقت دواملي بر اتحاد تشكيل
ايدن مزلر . واقعا بعض سياسي نظرياتيجلري ،
اك قوي اتحادك منافع اوزرينه مؤسس اولديني
فكر نلندرلر . واقعا بو صورت ظاهرده
بر هيات متجده حائسه كوريلر ، فقط
ناقد بر نظر بو اتحاد پرده سي آرقسنده صميمي
بر هيات دكل ، كوزلري يكديكريه عترصانه
المطاف ايتش مختلف كتلر كورور . حقيقه
متحد اولان ملثكه ايسه برينك دوجار
اولديني فلاكت ديكرينده آغلا تير ، و ياخود
بر تي تسرير ايدن احوال و مظهرات ديكرينده
كورلدير . چونكه بو كي هياتلر طمسارلرنده
جريان ايدن قان ، عيني مئيك محصول .
وجودلرنده حكمران اولان جان ، عيني خواصه
متجلي ، عيني روقه منجيدر . اوشمده ماشيدهر
او خواصده روح اجدادن منتقلدير . بناً عليه
ماشيلري مشترك اوليان اتحادلر سريع الانحلال
سوري برهياتدر .

قوتك اتحاددن ، اتحادده مشترك ماشيدن ،
ماشيه رعايتدن صدور ايتديكنه نظراً ، بولكون
محنة ملثك و حكومناك قهرمان كسيلمش اولان
بعض ملثك شوموقع بلنده ايصال ايدن عامل
و مؤثر ماشيلريه رعايت و بالتبعجه عرق
وجدلرينه اولان مربوطيلري اولديني
شبه سذر .

اوت ، اوملار ماشيلرينه اقدر عطف
اهميت ايدنيورلر و ايتديلو كه ماشيلري اوكرتلك
ايجون يالكز بر حيات اولان اختيارلريدن
ايتديكلري ، تاريخلرينك كيدلرينه اوكرديكي
جدلريه ، وجدلرينك مشهود اولان آثاريله
اكثاف ايتديلر . ماشيلريه دوتديلر ؛ كچهكلري
ايزلري ، اوشرادقاري علكلثلري قازديلر .
عصرلر ك بريكدريدكي طوبراق طبقهكلري
قاريندرديلر . جدلرينك منفي قائلش كيكلري
اثرلري ميدانه چيقارديلر . بوسورته ناص
اولان تاريخلري ، ماشيلرينك صفحات عجموله سي
كشف و تمين ايتديلر . شجره ملثلرينك زمرله
قدر كوك سلسلش ، زمرلده اقتباس راقش
اولديني اكلاديلر ، جسدلرينك ناملري ،
خدمتي ييشكاه اسلاقمده تثيل ايتك ايجون
هر درلو وسائله مراجعت ايتديلر .
اودرجهده كه اوملثرك هر كوتلري ، شاقلي
جدلرندن برينك اذ حيات ، تحديت خدمته
غصوصدر . هراز و كتلملري ، به جدلرينك
ناملري به بر جاي نذ كارد . ايشه بوملثر
يشايه چقلر ، هم اقبال و استقبالي نلندن مطمئناً
يشايه چقلردر .

شيمدي مسئلتي كنديتزه تطبيق ايدلم :
بز چركلرده ، عجزمزي اعتراف ايتكله
برابر به منظومه ملث اسلاميه مياننده بر
عركيز ، ماشي يشرته برابر كچمش كوتلرمز ،
او كوتلرمزي ياد ايتدبره جك مزارلرمز
وارد . باشمزي چوروب شويبه بر ماشيه
باقهرق روقندار بر كشور ماشي ايجريسنده بر
منطقه مند و سپاه ، اومنطقه سياحك اطرافدن
آيدنلايتلان قسملرينه دقت ايديليرسه ، ظلمت
ايجريسنده منفي قائلش . متحكمانه آققلر اتند
خراب اولش ، بر قاج مزار كوروز . ايشه
اومزارلرده ، قراكلق ايجريسنده قان
اوقراكلق حفرلرده اجدادمز ، زي طوغوردن
بالارمز قايور . اوسقيل مزارلره بيكاك كوزلر
مستزياه ، آشتا كوزلر ماوسانه انصافي
ايدن چكدر . بوهيك طبيعيدر . چونكه اطرافه

Hakki Tank Us Koleksiyonu Süreli Yayınları

مقاله شمس الدين بيگ در رابطه با زبان چركسي در

روزنامه غوازه

سفینهٔ امارتی ساحل سلامت کو ترمکه غیرت ایدر
نقوذ نظری آفرقای شالی به قدر واره میجی
صورتده علت بصره یا خود دهاطو غریبی مصر
خاله شدن متولد و متناق برحس خوف و حذر
مثلاً اولان باب عالی نی ایقظای ایدر ایدی. (۱۲۷۶)
(و ۸۱) (۸۸۵) سترنده اوج دغه مأموریتده
استانبوله کلرک عاقبت امارتک دولت عثمانیه
الجبلی ومؤخر برهان ارتباطی اولان (۱۲۸۸)
فرمانی استحصالی ایش ایدی بوسورته منشور
امارت و خلعت وزارت نامه چکه چکشدره
الهیکریش اولدینی دامن دولتک اوجنی تونس
بکریستک آووجته صیقلدیرر و ایکی عصر دیری
دائرة مشروعتین چقان شکل امارته بر طرز
دیگر و بروردک بر لایس نوین سیاسته تونس امراسی
عناطیق محنه سیاسته اخیال و تشریر ایدر
طوردی .

عاقبت ، بوانتک کلمسی ایچون بیلمکده
اولان بیچارهک تدابیر سیاسی ایه اغرنی
و دیرریمکه مشغول اولدینی بر زمانه ، کرسی
امارتده بولان محمدصادق پاشاک دشمن لغتینه
قایله جتی صورتده جهالتی ، و باب علینک مزمن
علت رخاوتی کوردهک کلیاً مأیوس اولش ،
و علم ساندن بالکلیه چکلش ایدی . فی الحقیقه
مرحومک توندن مفاقرتدن مکره امارتک
اداره می مشوش برحاله دوشمش ، نهایت برلین
مصادره سنی متعاقب ، دولتک جان باشنه
صحرایه رق انکلیری طوبیال دینی بر زمانه ،
تونی بکریستک لاندن اوانتک اوجی (۱۲۹۸) ده
قورنش کتوشدر .

مأیوساً اورو پای کشت و کذار ایدینی
اشاده ، مرحوم (۱۲۹۵) تاربخده خاقان سابق
سلطان « عبدالجید » ثانی طرفدن استانبوله
دعوت ایش ، هیئت اعیان اعضالعه و متعاقباً
سدارته تمین اولنش ایدی . سکنز آی دوام
ایدن زمان سدارتنده تعجید حدود یونانیه
مقدمان ، و یکی بازار سنجانی مذاکرانی ، و خدیو
اسبق اساعیل پاشانک عزانی انتاج ایدن مصر
قاله می ، و قوایم قدیه کورولتوسی ، و بلغارستان
برلنک تصدیق امارتی کی قاله لک تسو می
اراستده سجل احوال مأمورین و رفیه حال
مزمولین کی بیامور داخلیه بر شکل مستحسن
و برمش ، و نهایت اقدیم سکنه به اوغر ایمان حیات
مشروطیتک باقام نجلی ایدر یلمسی حقدنه تقدیم
ایشدینی لایحه سنک تطبیق احکامده اصرار
ایدرک سدارتدن استفا ایشدر . بوندانکره
اونیر سته قدر مزولاً استانبوله اقامتی ناسنده
درت دغه تکلیف ایدیلان سدارتی ، نجلی
مشروطیت شرطه تعلیقاً رد ایش ، زمانزده
دور استبداد و به شهرت آلان او مظلم سترده ،
که نه کنشون مناسیله و قارو حیثیتی محافظه ایش ،

خاقان سابقک کچوک بر مقدمه اوده محبله قاریش
بیوک بر درجه ده حرمتی جلب ایش ایدی .
خاقان صریح سارازن مسائل سیاسی ده مرحومک
راینه مراجعت ایدر ، و فقط بیله ییله ییله ییله
مرحوم ده بو کیدی شک و غامتی کندیسنه
مخصوص ساده و شکل مدانه دن آزاده جدی
بر لسان ایه خاقانه سو یلر طوردی . بونهی
و نصیحت بعض فقراتی زیاتر عوام اولمشدر .
(۱۳۰۷) ده تقریباً ایش ایدی پاشنده ارحال
ایدرک احضار ایدینی تریه ده جوار حضرت
خالده مدقودر . اشته قفا سیه اولادندن برینک
شرقه و غریبه ایش سنه به قریب بر مدت
نظر قنده کی طرز مسای و فمالیندن برخلاصه .

یشه احتراض ، یشه جنایت

— حریت ایچین جان ویرل یش بیک السایت
شیدینک ارواح بر فتوحه —

بشریت ، بوعصر مدینه تکامل فکریستک
نتایج طبیعی حتم سندن — فکر انسانیستک
انکشافی آری — اولهرق تاریخ صحفه لرنده
برجوق ادوار و انقلابات سیاسی ، برجوق
خوین و فجع و قوامی ترسم ایدنکدن صوکره
اعصار مدیده دیری باش اکنیکی ظلم و اعتسافه
نهایت و برمش ، ناشق ازلیسی اولدینی بری حریت
قاوشمشدر ... فقط ، نه قدر یازیق در ، که :
کائنات انسانیستک برجوق برلری ، برجوق
زوالی انسانلری حالا بو کیر حیاتین ، یوفیش
و نور حریتدن محروم قالور . برسای ظلم
و اعتسافدن یانان ، قائل مظالم ، سمدار یا غمورل
آلنده حالا برکنته اناسیت آلا یور .. حالا
بو حکم زورین و روح پروردک دائره شمولی نارنجنده
برجوق الواح سیاه نجیم ایدیور ، سقالات
و محکومیت بشریه کی آجیقلی ، واک قاجیه آمیز
خطار لیه کوستریور ... یشه یوزیکلرجه
خلقی ، بر شخسک اراده کی قیسه مر بو طقالیور
یوزیکلرجه انسان ، بر شخس بر حریصه مفاد
اونک ، او هیکل ظلم و احتراضک بالکنز بر اشارتیه
بیکلرجه انسان بر سر یلیور .. بیکلرجه حیات ،
ماته قلب اولیور .. قبریور ، قبریور ، آزیور
آزیور .. زمان یشه اوزمان .. احتراض یشه
اوحراض .. سینه بشریت یشه شایه دار ..
کائنات ، یشه جدلکاه ظلم و حقیقت . تاریخ ،
یشه المانتره قاجیه لر اوقیور . مورخلر ، یشه
قاجیه نویس .. فقط سزای مدافع حق و حقیقت !
سز بنه بختیار سکنز ، مسود سکنز چونک سکنز ؛
اناسیت ، حقیقت یولده شهید سکنز . چونک
سز آی تقدیس ایدمک . چونک تاریخ ،
سز بر زمان سینه بختیله ساقلا به جق بشریت
نامکزی برحس احترام ایه ایا ایدمک ..
ع . لکرت

[کجکی نسخه مزده امضای [ع . س .]
صورتده تصحیح اولان « اصلاح حروف »
مقاله سی حقدنه اوقاف ناظر اسبقی عطوقلو
شمس الدینک اقدیدن آلدیمز تذکره بی عیناً
درج ایدیور .]

غوازه غرنه می مدیریت بهیسته
بو کره انتشاری موجب ممنونیت و دوام
موفقیتی مأمول و مرجو بولان « غوازه » عنوانی
غرنه کوزک برنجی نسخه سنده « اصلاح حروف »
سرلوحه سی آلتده نشر اولسان بر مقاله ده
کچلرده « چرکز خطی و یا خط عمومی » نامه
طبع و نشر ایدر برمش و بر نسخه سنی دخی چرکز
خطی قومسیوتنه تودیع ایش اولدین رساله
حقدنه بعض مطالبات و تنقیدات آیان ایدلینی
منظورم اولدی .

خلاصه تنقیدات و اعتراضات ایه قیائل
مختلفه منسوب اهل تدقیق چرکز لسانک
قرق ایکی حرف ایه یازیه بیله سکنده احتضاق
ایش ایکن مذکور رساله ده بولسانک ضعیفی
ایچون سکان ایکی حرفه احتیاج کوستریش
اولدیتندن بویه بر تنکیفک قبول اوله مدیتک
و قیائل مختلفه طرفدن جزئی فرق ایه تلفظ
اولان حرف واحدک هر قیله تک تلفظ کوره
ایریم بر حرف اعتبار ایش واسو لک بالجه
اعترازا قید ضبط اقتضا ایدمکی نلنده
بولنش اولدیتنک و یوایسه طوغری برشی
اولدیتنک بیاندن عبارتدر .

اولا شوراسی بیان اولدوره رساله
مذکوره بواشالی اعتراضاته قارشو اجوبه
کافی بی محتوی اولغه اکرانک تدقیق مندجانی
زحمت قائلانش اوله ایدی بو کی اشکالاه
عل قالیه جق و قبل التدقیق تنقید جواز
و برلش اوله جق ایدی .

سکان ایکی حرف سألست کلمه
بو دعاب یشه رساله تک حقیله مطالعه اولدیتنه
دلیل تشکیل ایدور زیرا اکر رساله اوقوش
اوله ایدی بونرک سکان ایکی حرف اولیوب
بلکه ایش سکنز اشکال حروف و اودن اوچی
اشکال حرکات اولق اوزره سکان برشکلدن
عبارت اولدینی و رساله ده قواعدی تفصیل
اولسان خطک بالکنز چرکز خطی اولیوب
هم چرکز لاتی و هم السنه سائرین تماماً
ضبط و قید ایدمیه جک بر خط عمومی اولق
اوزره ترتیب ایدلینی و بوسنک بو خطک چرکز
لستانده بولنسان یش حرف ایه ایکی حرکت
اشکال و علاماتی دخی محتوی بولنسه برابر
چرکز لسانه مخصوص حروفک ایش اوج

وحرکاتک اودن بره وبنابرین صرف چرکز خطی مجموع اشکالتک یتش دورده بالغ اولدینی وهر بر حرف حقدنہ تفصیلات مناسبه اعطا ومثال ایراد اولتهوق انک محبت وجودی اثبات ایدیش بولتهوقی ورساله انکده ساده بر القبا رساله سی اولوب تشکیل السنه قواعد عمومی سی قطعاً نظردن یازلش فنی وحکمی بر رساله ایدیکی ... اکلاشله حق ایدی .

چرکز لسانک فرق ایکی حرف ایله یازله یله جکنده اقتضاق اولدینی تصریح ایدیش ایسه دقتی علیه برخطک هنوز میدانه گلمش اولمیه وحوکمک موافق نفس الامر اولدینی اکلاشلیر بره کلنجه شهادتک درجه مقبولیتی کسدره عکله برابر بونک ممکن اولدینی بیانده ترد آتمه یز . ذاتاً جاوید پاشا حضرتلرینک اخیراً ترتیب ایدیکی خطده عدد حروفک الی به قریب اولدینه وروس حروقاتی اوزدینه مؤسس اولوب بر ذات طرفندن ورلش اولان دیگر برخطده دخی اشکالک الی ایدی به [*] ایصال ایدیلکنه نظراً فرق ایکی حرفده اتفاق سوزینک بر آرزو وامنیدن ایلی گش اولسی لازم کلیور طایوک قدرت فاطره نک بر قومه ورمش اولدینی حروف وحرکات کیمسه نک آرزوسیه تزیید ویتقصی اولته میجینی کی اوحروف وحرکاتک مقدارمهی ضبط وتحقیق ایله هر برلرینک آرارینه اشکال مخصوصه تبیین ایدیلکنه اولسالک یازله میجینی دخی [*] بالکر قیرطای شیه سی ضبط ایدیلک شرطیه (۴۸) حرفدر . دیگر آله بی دخی ضبط ایتک اینچن لروی تحقیق ایدن برناج شکله علادوسی تهرور ایتشدر . مدیریت

بدیه انداز . یاچوج گلمسته کی چیم حرفی عربلردن بمضارینک کاف فارسی وبضارینکده وژء حرف کی تلفظ اندکری حالده یتن اوجرفک عین حرف یعنی چیم حرفندن عبارت اولدینی وهر قیله انی دله دیک کی تلفظ ایلدیک دخی بیان اولدی . بوسوزده قرن تحقیق دکلدرد . زیر خطدن یعنی خط نامدن مقصد قم بشردن صدور ایدن افسانلی تماماً شبعلن عبارتدر بنابرین یاچوج گلمی چیم ایله تلفظ اولنور ایسه چیم ایله وکاف فارسی ویا وژء حرفیه تلفظ اولنور ایسه کاف کی مستثنی ایضاحدر وهر نوع تلفظده کی حرف دیگرینک غیر اولدینی دخی آشکار اولغله آنلری بر حرف عدائک الفاظ بشرده ثابت اولان حروفک یعنی تمیز اتمکدر وگله مذکورده تک مختلف اوج حرف ایله تلفظ اولدینی حالده املاسنده چیم شکلک دائماً ایفا اولنسی املاسی قدیمک محافظه سنه اعتنادن ایلیری کلوب یوقسه اوج حرفک عین حرفندن عبارت اولسندن نشأت ایتز . معلومدرکه قدما عرب یاچوج گلمی چیم ایله تلفظ ایتدکری جهته چیم ایله یازمشلر ایدی . مؤخرأ مواقع مختلفه ده بو حرف برینه یشقه حرفلر اقامه اولنیش ایسه ده املاسی قدیم محافظه اولندی وبوسوزده بوگله ده چیم شکلی مختلف لفظلره نظراً نفس الامرده هم چیم وهر کاف فارسی وهر ز حرفلرینک مشترک برعلاقی اولوب رساله میحوت عهاتک تألیفندن مقصد اصلی برخط نامک یعنی تلفظک خطه وخطک لفظه نامی انطفاقی قائل برخطک ایجاد واختراعندن عبارت اولوب بویه برخطک

ایسه هر درلو ترده ایهام والیتاس واشتباهند متره ومبرا اولسنه اعتناک مصابیدن دکل محاسندن بلکه وجابیدن اولدیتنده شبه اولناملی ایدی .

چرکز قومی کی قومی بالنسب قلیل ومجربته متفرق اولش بر قومک یکیدن قبول واحیا ایدجکی خط ولسان ایله عربی وترکی کی بیکلر ویوزلرجه سنلردن بری بشرینک تربیه سنه واسطه اولش اولان لسانلره مراجعت احتیاجندن وارسته اوله میجینی اشکاردر .

مع مافیه بر چرکز خطی اختراع وقبول اوله جق اولور ایسه السنه بشردن شلایان دقت برلسانک ضایع اولماسی واولسان ایله مکله ایدنلرک مکاتبه یه ده اقدارلری کی برطاقم قواذک تأمین اوله جینی غیر متکرر . اشته غرض اصلی اولان منفعت طله همجنه خدمت املاک دخی انقیام ایتسی اوزرینه درکه میحوت غنه اولان خطک اختراع وتهذیب اقدام ایدیش وآنک اصول وقواعدی متضمن رساله دخی طبع ونشر ایتدرلمشدر صدق اقدامه مزه اعتیاد ایدیه یلچکری تأمین ایدرکه بوخط باخصوص چرکز لسانی تماماً یازمنه کافی ومعینات عیدیه بی حائز بر خط تام ومتشظدر .

مقاله نک اسام سازمی حقدن ده جک مفید سوزلر وارایسه ده تطویل کلامدن احترازاً یازلیدی وبویازلان سوزلر کدمنذا کره کی قبولیه مناقشه حل اولنمه سی متناذر اقدم .

۲۶ مارت فی سنه ۱۳۲۷

شمس الدین

« غوازه » نك نفرته سی : — ۳ —

قافقازدا انجی

عمری : —————
مهن عزت

« قوبان » نهری البروز طاغاردن نیمان ایدر . مجراستک قسم علیسی کاملاً وقسم وسطینسکده برقیسی غایت طیار برودیده وطاشلی بریناق داخلته جریان ایدر . قسم وسطی وسقاییسی ایسه اکثر محللری چامورلی ، سازقلی ، وبعش برلری قوعل بریناقده آثار وایلماسه منصب جهتلرنده جسم بطاقلقلر تشکیل ایدر . بوهر شالی چرکزله قفقاسیه حوالیسنه املک ورود ایدن روسلر (قزاقلر) آراسته اوزون برمدت طبیی برحد فاصل ، بر حدود تشکیل ایتش ایدی . بوهر شالی قفقاسیه نك مشهور برنهردر . « نورهك » نهری ده قوباندن سكره شالی

قفقاسیه نك معروف ومهم بر سودر . بوهر منبئی قازیهك طاغاردن آلیر ومشهور(داربال) کییدنن کچهرک مجراستی شرقه بالتهحول صاغ طرفدن صونجا صوری وتوایی آلدندن سكره بحر حزره منصب اولور . صونجا صوری قارلرک اریمی زماننده اکثریا مجراستی تحویل ایدر وسوسطلخنده علی الاكثر بوز کتهلرینه تصادف اولنور .

بونلرک منبع طرفلرنده قومه(آسه تین)لر ساکندر وقبارطای مملکتی بیوک وکچوک قبارطای مملکتی نامیه ایکیه قریق ایلدیک کی شمال سواحلتده نونای تاتارلری وجنوب سواحلتده چچنلر ساکندرلر .

« نورهك » نهری يك زیاده سرعتنه جریان ایلدیکندن منبع طرفلردن دانغما غایت جسم قیاری سودر کلیوب آشاغیلره قدر کثیرر وساحلرلرنده انشا اولان ریختیملری اکثریا تحریب ایدروسال طلیاننده قفلیس ایله عاپره نك انقطاعده آره صره سمیت وبرر .

« صولاق صو » نام دیگره قوی سونهری طاغستانك باشلوجه انهارندن اولوب (آندی) مملکتندن کلن بر قوی (آندی قوی صو) و (آوار) مملکتندن کلن دیگر بر قوی ده (آوار قویصو) نامی آلیر و (قره قوی صو) نامیه مهم بر دیگر قول دها آلیر . اشونهرک یتاغی صورت عمومیده ثابت سرت وفوق العاده صریدولر .

« سومور » نهری دخی داغستانك اکمهم سولردن اولوب منبع طرفلری غایت مرتفع ویتاغی زیاده سیله دیک بولغنه سرعت جریان دخی يك زیاده در . بناعلیه یازین سیله طبیی کچیدلردن کچیمک بنایت مشکدر . جنوبی قافقاسیه نك انهاریه کلنجه بونلرک اینجده نك زیاده مهم اولان (قور) نهردر . بونلر اساساً بری (قورا میقواری) ویاطوغریجه (قور) و دیگرکی (آراس) نامیه ایکی بیوک قولدن متشکلدر . اصل (قور) نهری منبئی چیلدر طاغاردن آلیر واردهان، آشیلکک، آخسجه

The subject of this thesis is referred to the relations between Iran and Ottoman and information about the policies of these two governments vis-à-vis the European governments and the developing world of 20th century are provided. In the meanwhile, position of Iranian government is distinguished, because relation with Iran whether culturally or politically is one of the most important principles and parts of Ottoman diplomatic history.

In this thesis, diplomatic life of Shamseddin Beig has been reviewed. He has been appointed two times as Ottoman ambassador in Iran (July 26, 1894-May 9, 1895) and (Sep. 13, 1897-Feb. 7, 1908). According to archived documents, reasons for his dispatch to Iran, events occurred during his presence at Iran and his interventions in these events are analyzed.

Thesis is comprised of five parts and conclusion. First part includes an introduction, definition of problem, importance and necessity of problem, literature review, fundamental question, main hypothesis, secondary questions and secondary hypotheses, theoretical framework, data collection procedure, data analysis methods, centralization scope and range (location, time and subject of study), organization of study and criticism and analysis of some major references and resources.

In second part, the concept of diplomacy and related organizations and departments' formation procedure in ottoman government and its changes over time, the political development trend in this empire, from classic period of Ottoman government until its downfall are explained. In addition, the political ranks and promotions and different appointments of Shamseddin Beig as one of politicians of Ottoman government is analyzed.

In third part, all documents are analyzed and story of Shamseddin Beig's travel to Iran and his role in the occurred events in Iran are described. At the beginning of all documents, information about each document is presented by a short sentence.

In fourth part, activities of Shamseddin Beig in Iran are reviewed based on Ottoman archived documents.

In fifth part, information about relations between Shamseddin Beig and Iranian politicians are provided based on archived documents of Iran.

In conclusion, the importance and effect of Shamseddin Beig on relations between Iran and Ottoman is explained briefly and based on archived documents.

Keywords: Mohammad Shamseddin Beig, Ottoman, Iran, Britain, Ambassador, Consulate, Embassy



University Of Tehran

Faculty Of Literature and Humanities Science

Title:

**Transcript of Shamseddin Beig Embassy in Iran
(focusing on Iranian and Ottoman documents)**

By:
Abdurrahman Gülmez

Under Supervision Of:
Dr. Hasan Hazreti

Advisor:
Dr. Darush Rahmaniyan

**A Thesis Submitted To The Graduate Studies Office In Partial Fulfillment
Of The Requirements For The Degree of M.A. In Islam History**

September 2014